

ویژه نامه نوروز ۱۴۰۰



سمنگان ترابری ایرانیان

نشریه داخلی شرکت سمنگان ترابری ایرانیان

سال اول • شماره اول • اسفند ۱۳۹۹



نوروز فرهنگ و هویت ما
ایرانی ها است

آوازه خوانان نوروز

جذب نیروهای جوان و
متخصص را سرلوحه کار قرار
داده ایم

خط مشی اخلاقی سمنگان
ترابری ایرانیان در قبال سرمایه
انسانی

سمنگان در هلدینگ، کوچک
است اما حیاتی

سختی کار هیچ گاه مرا
نمی ترساند

ایمنی حمل و نقل، عاملی
مهم در توسعه اقتصاد ملی

واحد امور مالی قلب تپنده
شرکت است

شعر و ادبیات روح مرا تازه
می کند

تخصص و تسلط بر فن کار را
به صورت جدی در دستور کار
قرار دادیم

رانندگی تدافعی

فرهنگ رانندگی

جشن نوروز در کشورهای
همسایه

آلایندگی زیست محیطی تایرها

شمچال

من، غضنفره ۶ سال دارم







مجموعه سمگان ترابر ایرانیان بر این باور است:

**حمل و نقل تولید نیست
خدمت به تولیدی موفق است.**



بسم الله الرحمن الرحيم



فهرست

۲	نوروز فرهنگ و هویت ما ایرانی ها است
۴	آوازه خوانان نوروز
۱۲	جذب نیروهای جوان و متخصص را سرلوحه کار قرار داده ایم
۱۵	خط مشی اخلاقی سمندگان ترابری ایرانیان در قبال سرمایه انسانی
۱۷	سمندگان در هلدینگ، کوچک است اما حیاتی
۲۵	سختی کار هیچگاه مرا نمی ترساند
۲۶	جوایز جشنواره بزرگ ادبی و هنری شرکت سمندگان ترابری ایرانیان اهداء شد
۲۷	شعر
۲۷	تقدیر و تشکر از پرسنل به مناسبت فرا رسیدن ۲۶ آذر روز ملی حمل و نقل
۲۸	به مناسبت روز زن و تکریم جایگاه بانوان شاغل شرکت سمندگان ترابری ایرانیان برگزار شد
۲۸	حمل و نقل ریلی شرکت سمندگان ترابری ایرانیان استارت خورد
۳۰	ایمنی حمل و نقل، عاملی مهم در توسعه اقتصاد ملی
۳۲	واحد امور مالی قلب تپنده شرکت است
۳۴	شعر و ادبیات روح مرا تازه می کند
۴۰	یادگیری قطعات ماشین آلات را از نوجوانی آغاز کردم
۴۳	تصفیه روغن
۴۶	تخصص و تسلط بر فن کار را به صورت جدی در دستور کار قرار دادیم
۵۱	رانندگی تدافعی
۵۵	فرهنگ رانندگی
۵۷	از نظر من، شرکت سمندگان ترابری ایرانیان به تنهایی یک هلدینگ است
۶۱	جشن نوروز در کشورهای همسایه
۶۳	جشن نوروز در تاجیکستان
۶۵	آلایندگی زیست محیطی تایرها
۶۹	شمچال
۷۳	فیزیولوژی اثر موسیقی در بدن
۷۸	من، غضنفر ۶۰ سال دارم

صاحب امتیاز: شرکت سمندگان ترابری ایرانیان
مدیر مسئول و سردبیر: ناصر ابراهیمی

اعضای هیات تحریریه: مینا قاسمی، بابک آزادخواه
عکاس: بابک آزادخواه

نشانی دفتر تهران: خیابان مطهری، خیابان کوه نور، بن بست چهارم پلاک ۲۲ تلفن: ۰۹۱۹۴۹۵۴۱۳۱
دفتر کرمان: خیابان هزار و یک شب، کوچه ۲۲، پلاک ۵ تلفن: ۰۹۹۱۶۶۷۷۱۴۰
دفتر سیرجان: بلوار ولایت، ابتدای بلوار گلستان، روبروی خوابگاه دانشگاه صنعتی تلفن: ۰۳۴-۴۲۳۴۰۱۷۷

Info@istco.midhco.com

www.istco.midhco.com



پیام تبریک مدیر عامل شرکت سمنگان ترابر ایرانیان به مناسبت عید نوروز

نوروز فرهنگ و هویت ما ایرانی‌ها است



بسمه تعالی

گذشت زمان پیر و فرتوت می‌شوند و می‌میرند، دوام می‌یابد و تواناتر و برناتر می‌شود؛ نوروز: تنها، جشنی برای شادی و شادمانی نیست، نوروز پیوند با گذشته، تفکر در تاریخ، درس‌آموزی از آن و بیان ماندن و بودن مردمی است که این جشن را هر سال برای زنده نگه داشتن هویت و فرهنگ خود بر پا می‌دارند. نوروز نه تنها جشن ما، که تقویم، فرهنگ و هویت ایرانی ماست. هیچ نژاد و فرهنگی، زودتر از نیاکان ما به گاه‌شماری و گذشت زمان توجه نکرده است. قرآن به عصر و زمان سوگند می‌خورد که انسان ناآگاه در زیان است. انسان باید آگاه

پارسی‌زبانان، دوست‌داران و عاشقان زبان و منش ایرانی بروز می‌دهد. بازنگری گذشته نشان داده که نوروز زنده می‌ماند و می‌توان باورمند بود تا زبان پارسی زنده است، نوروز هم در تارک آن می‌درخشد. نوروز با زندگی ملت پیوندی استوار دارد زیرا پیام‌آور یکتا پرستی، رفاقت، درک، دادوری و آسایش است و مهرورزی و دوری از خشونت را به گونه‌ای آشکار و پیدا دارد. نوروز با تنگ‌دستی، بی‌دادی و نبرد بی‌جهت، بیگانه است چراکه نوروز در تمامی دوران‌ها همواره پیام‌آور آشتی، برادری، مهر و دوستی بوده است. نوروز بر خلاف بیشتر سنت‌ها که بیهوده‌اند و با

نوروز، همچو ابری پربار است که سالی یک بار بر پهنه سرزمین‌های پارسی می‌بارد و آنها را سیراب می‌سازد و نهال عشق می‌رویانند. نوروز بزرگ‌ترین جشن ایرانیان است که طبیعت و انسان به گونه‌ای زیبا و جان‌بخش در پیدایی آن سهیم‌اند. با آنکه سال‌های سال در پی هم از تکرار همه‌ساله نوروز می‌گذرد، با این حال این جشن فرخنده که ریشه در فرهنگ کهن و باور کهن سرزمین‌های پارسی‌زبان دارد، هیچ کهنه نشده، باری هر سال برناتر و با شکوه‌تر خود را در گستره



نیتی است برای پیوند و تداوم رابطه؛ توجه به اهداف این صنعت که تأثیر به‌سزایی بر توسعه و اشتغال‌زایی دارد؛ از شاخص‌های مهم توسعه‌یافتگی محسوب می‌شوند و نقش مهمی در توسعه پایدار دارد. این صنعت نه تنها در داخل کشور بلکه در تعاملات بین‌المللی نیز اهمیت خاص دارد. پس با توجه به شرایط امروز و فردای کشور، دامنه فعالیت صنعت حمل و نقل باید گسترده شود. آنچه تجربه شد؛ همواره هدفش جز تلاش برای رسیدن به جایگاهی مطلوب و فردایی بهتر نبوده و این پویایی نشان می‌دهد که چشم‌انداز موفقیت صنعت حمل و نقل در کشور عزیزمان ایران، روشن است.

پس امیداست، در راستای شعار همدلی، همفکری، همراهی و همیاری همواره با کوشش بیشتر در جهت رسیدن کشورمان به شبکه حمل و نقلی پویاتر و ایمن‌تر کوشا باشیم. اینجانب ضمن عرض تبریک به مناسبت نوروز، از تلاش‌های ارزنده و خدمات صادقانه تمامی تلاشگران این صنعت تشکر و همچنین برای پیشگامان و فعالان این بخش مهم، از درگاه احدیت؛ سلامتی، تندرستی، موفقیت، خیر و برکت و مجاهدت برای نیل به توسعه پایدار و خدمت به مردم را آرزومندم.

باشد و حساب روز و ماه و سال را نگه دارد و درباره آن اندیشه کند تا زیان نبیند. گاه‌شماری ایرانی، نخستین معیار سنجش روز و ماه و سال و اولین تقویم منظم جهان و پیام‌آور تفکر و اندیشه در زمان است. نوروز بخشی از یادمان زنده هر ایرانی است که با طی شدن وقت از یاد و خاطر بیرون نمی‌رود. برای سفر به نوروز باید به صمیمیت کودکی برگشت و با صداقت و سادگی تمام، به تماشای آن نشست.

و اما فصلنامه...

هدف ما این است که فصلنامه سمنگان ترابری ایرانیان بتواند به تدریج پاسخگوی نیازهای آموزشی و پژوهشی همه مخاطبان باشد و وسیله‌ای برای انتقال دانش فنی و تجربه به جویندگان آن، و این ممکن نیست جز با یاری و همراهی همه کسانی که به اعتلای میهن اسلامی و رشد و پویندگی آن دلبسته‌اند. امید است جامعه تخصصی این صنعت این دعوت را لبیک اجابت گفته و ما را در رسیدن به این راه بیش از پیش یاری دهند. چون راه هدفی است برای رسیدن به مقصد و حمل و نقل



آوازه خوانان نوروز



پیدایش جشنی به نام نوروز از سابقه‌ای کهن برخوردار است. ارجمندترین سندی که دربارهٔ چگونگی پیدایش جشن نوروز موجود است مربوط به آثار گرانسنگ دانشمندان ایرانی یعنی جریر طبری، ابوریحان بیرونی و حکمایی نظیر عمر بن خیام و ابوالقاسم فردوسی است. ۲ این اندیشمندان بر اساس مطالعات خویش و اخباری که دربارهٔ پیدایش نوروز کسب کردند، با چند روایت و داستان مختلف، نوروز را به دوران پادشاهی جمشید منتسب ساخته‌اند. در عین حال بیرونی، در آثار الباقیه، با دقت محققانه‌ای، ضمن گفتگو پیرامون علم نجوم و گاه‌شماری ایرانی، به تشریح عید نوروز پرداخته است (بیرونی ۱۳۷۷: ۳۲۴-۳۲۹).

هر چه هست، نوروز دارای آن چنان نفوذ و تأثیری در میان ایرانیان بوده که هنوز هم نزد آنان نسبت به همهٔ جشن‌های دینی - مذهبی، آیینی، تقویمی و ملی از ارجحیت آشکار و غیر قابل مقایسه‌ای برخوردار است، قدر مسلم نوروز، به عنوان جشن و عیدی بزرگ، پیوسته از آداب، مناسک، آیین‌ها و مراسم گوناگونی برخوردار بوده است تا جایی که برخی از مراسم مربوط به این عید، شبیه چهارشنبه‌سوری، خود به جشنی تمام‌عیار می‌ماند. ۳ از دل همین جشن و با مطالعهٔ دقیق سیر تاریخی آن و تغییر و تحولی که در گذر زمان پذیرفته است، می‌توان به بسیاری از مراسم و مناسک پی برد که با گذشت ایام به دست فراموشی سپرده شده و یا در حال فراموشی هستند. از جملهٔ این گونه مراسم سنتی باستانی، نوروز خوانی است ۴ که

بسیاری بهره می‌بردند؛ خاصه تقویم ایرانی به گونه‌ای تنظیم شده بود که هر روز دارای نامی خاص و نام هر یک از دوازده ماه سال نیز همنام با یکی از روزهای ماه بوده است. به طور مثال، نام تیرماه مقارن با سیزدهمین روز از ماه تیر یعنی تیر روز و یکی از روزهای همین ماه بوده است؛ بنابراین، ایرانیان این روز را با نام و عنوان تیرگان جشن گرفته، آداب و مراسم خاصی در رابطه با این روز برپا می‌داشته‌اند (نک. گردیزی ۱۳۸۴: ۳۴۹؛ بیرونی ۱۳۷۷: ۳۳۵-۳۳۴؛ و بیرونی ۱۳۸۶: ۲۵۴). این وضعیت در مورد یازده ماه دیگر سال نیز مصداق داشته است؛ چنانکه نام هر روزی که در یک ماه با نام همان ماه مقارن می‌شد، آن روز عید به شمار آمده، مردم جشن‌ها و شادمانی‌ها برپا می‌داشتند (روح‌الامینی ۱۳۷۸: ۲۲؛ کریستن سن ۱۳۸۵: ۱۲۶). اگرچه امروزه بسیاری از این جشن‌ها به دست فراموشی سپرده شده است، ولی هنوز هم نام تعداد معدودی از اعیاد و جشن‌های گاه‌شماری ایرانی، مانند مهرگان، از طریق اسناد و منابع و آثار پژوهشی قابل دسترسی است (همان). به غیر از جشن‌های دوازده‌گانهٔ ماهانه و تقویمی، نام برخی دیگر از جشن‌های ایرانی، همچون جشن سده و جشن پنجک (پنج‌ج)، در منابع ذکر شده است (بیرونی ۱۳۸۶: ۲۵۷).

در این میان، شاخص‌ترین عید و جشنی که در میان برخی اقوام آسیای مرکزی، افغانستان و برخی مناطق قفقاز و آناتولی هنوز هم رایج است و در ایران نیز به عنوان جشن اصلی و ملی به شمار می‌آید نوروز است.



◀ شهاب جعفری
◀ مدرس موسیقی و پژوهشگر هنر

مراسمی که تا چند دهه پیش‌تر با نام‌ها و عناوین مختلفی همچون «بهار خوانی»، «نوروز خوانی»، «نوروز نوسال خوانی»، «بلبل خوانی»، «باپچیچک گویی»، «گل گردانی»، «امام خوانی»، «کندکی» و برخی اسامی دیگر در مناطقی از ایران، تاجیکستان، افغانستان و ازبکستان اجرا می‌شد، از کهن‌ترین اشکال خنیاگری ایران به شمار می‌آید. این هنر خنیاچی، افزون بر ارزش‌های آشکار فرهنگی و برخورداری از جوهرهٔ وحدت ملی، از نقطه‌نظر تاریخ فرهنگ و انکشاف برخی وجوه منسوخ هنری و ذوقی اقوام و ملت‌های مرتبط با فلات ایران نیز پراهمیت است. نظر به فقر منابع در زمینهٔ هنر تاریخی خنیاگری ایرانی، لاقلاً برخی از وجوه و کارکردهای مهم این هنر همچون نظام‌مندی شعر کهن ایران و سنت ارجمند بداهه‌سرایی، بداهه‌خوانی و داستان‌پردازی از طریق نوروز خوانی‌ها قابل ردیابی است.

● عید نوروز

ایرانیان، به مانند همهٔ ملل باستانی و دارای پیشینهٔ تمدن، از جشن‌ها و اعیاد



● نوروز خوانی

از عمده‌ترین آیین‌هایی که همراه با موسیقی خاص خود هنوز هم به صورت پراکنده در نواحی مختلف کوهستانی، کوهپایه‌ای و جلگه‌ای البرز رواج دارد نوروز خوانی است. نوروز خوانی که تا چند دهه پیش آیینی متداول و همگانی بوده است، از محدود آیین‌های موسیقایی و خنیاپی کهن ایرانی به شمار می‌آید. بر اساس برداشت از برخی گونه‌های قدیمی‌تر این فرم از شعر و موسیقی که از منابع شفاهی و مجریان کهنسال گرفته شده است، می‌توان استنباط کرد که احتمالاً نوروز خوانی پیش از اسلام نه تنها در دو سوی البرز و برخی نواحی آسیای مرکزی و افغانستان، بلکه در میان بسیاری از اقوام کشور پهنای ایران رواج داشته است.

اشکال کهن این آیین از نظر فرم و ساختار مبتنی بر بداهه خوانی و بداهه سرایی و از نظر مضمون در ستایش پروردگار، مدح شاهان و ملوک و در توصیف بهار و جلوه‌های آن بوده است. ضمن اینکه ستایش و تکریم صاحبان منازل و صاحبان حرف جهت اخذ صله و انعام بخش پایانی مضامین اشعار را در نوروز خوانی تشکیل می‌داده است. با آمدن اسلام و پذیرش این دین از سوی ایرانیان، نوروز خوانان، جهت بقا و تداوم این آیین نوروزی، مضامین آن را با برخی روایات و احادیث دین اسلام و به خصوص مذهب شیعه آمیختند و بدین طریق آن را با اعتقادات و باورهای نویافته ساکنان نجد ایران و برخی نواحی هم‌جوار، همسو و هماهنگ ساختند. بر اساس پژوهش‌های انجام شده تا چند دهه پیش‌تر این مراسم موسیقایی در برخی

فرهنگ و هنر شفاهی (فولکلور) مناطقی از فلات ایران هنوز حکایت از آیین‌ها و مراسم ویژه‌ای دارد که جنبه‌های کاربردی بسیاری از آن‌ها در گذر روزگاران دچار فراموشی و نابودی شده و تنها نام و نشان کم‌رنگی از آن‌ها به جای مانده است. نیایش و ستایش در دگرگونی فصول، ستایش نوروز در آغاز سال نو و بهار خوانی‌ها (بهاریه‌ها) از نمونه‌های آن است. باید افزود، موارد نادری از این گونه موسیقی تا چند دهه پیش در سلسله جبال البرز، افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان با فرم‌ها و شیوه‌های اجرایی نسبتاً متفاوت و نیز با نام‌ها و عناوین مختلفی همچون «نوروز خوانی»، «بلبل خوانی»، «گل گردانی»، «بایچچک» «بایچچک گویی»، «بهار خوانی»، «نوروز نوسال خوانی» و غیره رواج داشته است. سرگذشت دقیق و شیوه تغییر و در نهایت دگرگونی با فراموشی بسیاری از این مراسم، الحان و نغمه‌های مربوطه، به لحاظ نبود منابع تاریخی، بر ما پوشیده است؛ اما می‌توان گمان داشت که از قرن دوم هجری، با اسلام آوردن ایرانیان در بیشتر نواحی کشور و متروک شدن مراسم مذهبی و آیینی گذشتگان، استفاده از گونه‌های مختلف موسیقی آیینی و مذهبی کهن رو به افول نهاد. این روند از قرن نهم هجری به ویژه در البرز سرعت و شتاب بیشتری یافت. در این میان تنها موسیقی آن دسته از آیین‌ها و مراسمی که خود را با اعتقادات و باورهای نویافته ایرانیان همسو و هماهنگ ساختند، با تغییراتی حفظ شدند.

هنوز هم از طریق کنکاش و بررسی اجزای آن می‌توان به قابلیت‌های اجتماعی عید نوروز و اهمیت تاریخی و فرهنگی مراسم آن پی برد.

مطالعه در نوروز خوانی‌های برخی نواحی کشورمان که تا چند دهه پیش در سراسر البرز جنوبی و شمالی و نیز برخی دیگر از نواحی هم‌جوار این سلسله جبال از اقبال و عمومیت گسترده‌ای برخوردار بوده و دقت در نغمات آوازی، اشعار، آداب و دیگر موضوعات مربوط به نوروز خوانی‌ها حاکی از آن است که جشن نوروز در طول قرون گذشته موجد آداب و آیین‌ها، نمایش‌ها و مناسکی بوده است که اگرچه در گذر زمان به خاموشی و فراموشی سپرده شده‌اند، ولی هر کدام از این گونه آیین‌ها نقش در خوری در تعمیق فرهنگ ملی و ایجاد روح همبستگی و وحدت قومی ایفا کرده‌اند. به همین دلیل، بررسی و تفحص در این سازه رو به زوال و تاریخی ما را به کشف بسیاری از وجوه پنهان منشأ و خاستگاه این جشن رهنمون ساخته، تأثیر قطعی نوروز خوانی‌ها را در انتشار بسیاری از سنن فرهنگی، هنری و ذوقی ایرانیان آشکار خواهد ساخت. در این مقاله بر آنیم تا ضمن ثبت نمونه‌های مختلفی از اشعار و نغمات نوروز خوانی از چند فرهنگ تالشی، طالقانی، گیلی، مازندرانی، استارآبادی، کومشی و الموتی ۶ و نیز برخی نوروز خوانی‌های تاجیکی و ازبکی، جنبه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی این پدیده را تبیین و برخی کارکردهای مشخص اجتماعی و تاریخی آن را مرور کنیم.



نواحی تاجیکستان، افغانستان، ازبکستان و ایران (مازندران، استان سمنان (کومش)، طالقان، گیلان، تالش، الموت، گلستان و سبزوار) رواج داشته است. علاوه بر این، بهارپه‌خوانی نیز در میان برخی از فارسی‌زبانان نواحی دیگر ایران مرسوم بوده است.

از اوایل دهه ۱۳۵۰ این آیین و موسیقی مربوط به آن رو به فراموشی گذارده و در حال حاضر اجرای چنین مراسمی استثنایی و بسیار نادر است؛ بنابراین، علاوه بر اینکه ممکن بوده روایات نوروزخوان با اصل تاریخی اتفاقات و حوادث تفاوت داشته باشد، اشعار نیز در اجراهای متفاوت - حتی از یک نوروزخوان - دستخوش تغییرات گسترده‌ای شده است. ولی آنچه مسلم است تغییرات مضمونی در پی سالیان و به صورت بطئی و تدریجی صورت می‌پذیرفته؛ به گونه‌ای که تغییرات یاد شده هیچ‌گاه با ذهن مخاطبان نامأنوس و ناهماهنگ نبوده است.

یادآوری این نکته نیز ضروری است که در همین بخش نوروزخوانان، با طرح و ادغام خلاصه‌ای از داستان‌های مختلف، نوعی نقل قصه در قصه ارائه می‌کرده‌اند. به این ترتیب که مثلاً با طرح قصه آدم و حوا و

قبل از اینکه آن را به انتها برسانند، گریزی به داستان نوح پیامبر زده، بلافاصله موضوع مبارزه حضرت علی با اژدها را طرح کرده، پس از آن و بی‌انقطاع به ذکر برخی از رویدادهای مؤثر حوادث کربلا می‌پردازند. این شیوه در آن واحد مخاطبان را در معرض موضوعات متفاوتی قرار می‌داد؛ به گونه‌ای که گویی چندین صحنه از برابر چشمان آن‌ها عبور کرده، آن‌ها را دچار نوعی هیجان مضاعف می‌کرد. این روش علاوه بر ایجاد هیجانات پیش‌گفته، مخاطبان را با حجم گسترده دانش اسطوره‌ای، تاریخی و دینی و مذهبی نوروزخوانان مواجه ساخته، آنان را در بهت و شگفتی فرو می‌برد. در هر صورت، نوروزخوان در بخش روایی کار خود، روایت کامل یا خلاصه‌ای از داستان‌ها را بازگو می‌کرد و از این طریق به اشاعه نمونه‌ای منحصر به فرد از نقل‌های تلفیقی و موسیقایی می‌پرداخت.

پس از این بخش، مرحله تعریف و تمجید از صاحبان خانه و افراد تحت تکفل آنان آغاز می‌شد. در این رابطه بی‌خون، هنگام حضور در هر خانه با زیرکی خاصی اطلاعات و اخبار گوناگون را از همسایگان کسب می‌کرد و در اختیار نوروزخوان (سرخوان) قرار می‌داد. این اطلاعات مسائلی همچون نام یکایک اعضای هر خانواده، آگاهی از موقعیت اقتصادی خانواده، افراد بیمار، افراد دم بخت و گاه وقوف بر سفرهای زیارتی و سیاحتی را در بر می‌گرفت. میزان دریافت اطلاعات و ابعاد آگاهی‌های کسب شده ارتباط مستقیمی با هوش و حافظه نوروزخوان داشت و بر درآمدهای آنان و حجم انعام حاصله تأثیر بسزایی می‌گذاشت؛ به طوری که گاهی صاحبان منازل از میزان آگاهی نوروزخوان‌ها از موضوعات خانوادگی خود دچار شگفتی می‌شدند و در جامعه عوام‌زده گاهی این تصور و توهم پیش می‌آمد که اطلاعات نوروزخوان حاصل پیشگویی‌های او و آگاهی او به اسرار است. در هر شکل، بازگفت آرزوها و آمال افراد خانواده و آرزوی سعادت و نیکبختی برای آن‌ها که با زبانی شیوا و شیرین بیان می‌شد، در ترغیب صاحبان منازل برای پرداخت انعام بیشتر تأثیر فراوانی داشت.

● جایگاه و موقعیت اجتماعی نوروزخوانان

نوروزخوانان بشارت‌دهنده بهار بوده‌اند و قرن‌ها بر اساس سنتی نهادینه، شنیدن صدای آنان به معنی پایان زمستان‌های سخت و سرد و بشارت گرم شدن هوا و در

نتیجه شکوفایی و رویش گیاهان بوده است. از این گذشته، فرارسیدن نوروز که خود سرشار از خاطره‌های قومی و ملی و حاکی از پیوندهای ناگسستنی انسان و طبیعت بود و جشنی کهن‌سال را تداعی می‌کرد، به سبک‌باری روح مردم و ایجاد شغف و شادمانی درونی می‌انجامید. بنا بر دلایل پیش‌گفته، همه اقشار مردم، اعم از دامداران، کشاورزان و پیشه‌وران، با شنیدن صدای نوروزخوانان گویی شوری درونی و گشایشی مبهم و در عین حال شوق‌انگیز در خود احساس می‌کردند.

کودکان، نوجوانان و جوانان نیز نوروز و ره‌آورد بعدی آن یعنی بهار را سرفصلی دیگر در زندگی خود قلمداد می‌کردند؛ بنابراین، نوروزخوان نماد میمنت و خیر و برکت، شادمانی و سرور، رفاه و آسایش و فراوانی بوده است. از همین رو، نوروزخوانان نزد مردم عالم و عامی از جایگاه و منزلت ویژه‌ای برخوردار بودند و پیوسته با آغوشی گشاده و تبسم و مهربانی از آنان استقبال می‌شد. با این حال گاهی اوقات نوروزخوانان مورد بی‌مهری و حتی تهدید و هتاک‌ی از سوی برخی از صاحبان منازل قرار می‌گرفتند و گاه با قهر و خشونت از درگاه خانه‌ها رانده می‌شدند.

اشون بوردمه شیرگا
دیشب به شیرگاه رفته بودم
بوردمه خونه اصغر گدا
به خانه اصغر گدا رفته بودم
بیرون بمو ونه ریکا
پسرش از خانه بیرون آمد
باته: «دنییه مه ببا
گفت: «پدرم در خانه نیست»
بنده بائو: «تمه پلا»
گفتم: «بلا به جانت ای دروغگو!»
اون ریکای بی‌ایمون
آن پسر بی‌ایمان
تور ره بیتاپمو بیرون
تبر را برداشت و از خانه بیرون آمد
خاسته هاکینه دتا خون
می خواست دو تا خون به پا کند»
بکوشه وه نوروزخون
نوروزخوان را بکشد
باد بهارون آمد
باد بهاران آمد
گل در گلستان آمد
گل در گلستان آمد

بررسی‌های انجام شده حاکی از این است که عدم استقبال از نوروزخوان‌ها در برخی موارد و برخورد های قهرآمیز با آنان ریشه در دو مسئله مشخص داشته است. اول اینکه گاهی یک خانه طی یک روز و حتی تا نیمه‌های



با مهارت خاصی تلاش می‌کرده تا در چنین وضعیتی، ضمن تنظیم و جرح و تعدیل اشعار و آوازهای خود، وقت و زمان را تحت اراده و کنترل خود قرار دهد و به این طریق بتواند به همه روستاها و خانه‌های پیش‌بینی شده مراجعه کند.

برخی افراد علاقه‌مند و میهمان‌نواز از نوروزخوان‌های غیر محلی جهت اقامت شبانه دعوت به عمل می‌آوردند و نوروزخوان‌ها به هنگام غروب و پایان کار روزانه به یکی از دعوت‌کنندگان پاسخ مثبت داده، در خانه او اقامت می‌گزیدند. لازم به یادآوری است که در بیشتر مناطق اساساً نوروزخوانان به‌ویژه شعرخوانان بر اساس سنت و عادت قدیمی، در روستا یا آبادی‌های منطقه نزدیک به زادگاه خود مبادرت به انجام این کار نمی‌کرده‌اند؛ چراکه مایل نبوده‌اند در منطقه سکونت خود به‌عنوان کسانی که نوروزخوانی را وسیله درآمد خود قرار داده‌اند شناخته شوند. دلیل این مسئله ظاهراً سوءاستفاده گدایان و دربیوزگان از پیشه و هنر نوروزخوانی و در نتیجه لطمه زدن به جایگاه و حرمت کار نوروزخوان‌ها بوده است. از همین رو، نوروزخوانان واقعی که به عنوان شعرخوان در موطن خود از وجهه و

نوروز سلطون آمد

نوروز سلطانی آمد

و البته گاهی نیز تنگ‌چشمی، فرومایگی و خست برخی از افراد موجب رنجش خاطر نوروزخوان می‌شده است. با این حال موضوع فوق، رویدادی نادر و اتفاقی انگشت‌شمار در کار نوروزخوانان تلقی شده، نوروزخوانان پیوسته نزد اکثریت مردم از منزلت و جایگاه نسبتاً شایسته‌ای برخوردار بوده‌اند.

● زمان اجرای نوروزخوانی

آغاز کار نوروزخوانان، چه در ماوراءالنهر و چه در ایران و افغانستان معمولاً از اواسط اسفندماه یعنی سرآغاز رویش و برآمدن گل‌هایی موسوم به زردگلک، گل بایچیچک، پامچال و بنفشه بوده است. با این حال در سال‌هایی که زمستان زودتر از موعد معمول به پایان می‌رسید و اسفندماه حال و هوایی بهاری داشت، حرکت نوروزخوانان و کارشان زودتر از موعد مقرر آغاز می‌شد. برعکس، در صورت سرمای شدید اواسط اسفند، نوروزخوان‌ها کار خود را قدری دیرتر شروع کرده، برخلاف سنت معمول، ناچار می‌شدند چند روز پس از آغاز سال نو نیز به نوروزخوانی ادامه دهند؛ در حالی‌که، همواره بر اساس سنت‌های تثبیت‌شده، آغاز سال نو به‌منزله پایان کار نوروزخوانان تلقی می‌شده است. نوروزخوانان در بیشتر نقاط کار خود را با شروع سپیده آغاز کرده، هنگام غروب به آن خاتمه می‌دادند. با این حال در برخی نقاط، از جمله استارآباد، تالش و مازندران مرکزی، کار نوروزخوانان تا پاسی از شب ادامه داشته است. از همین رو فانوس، موشی ۹ و می‌شال ۱۰ وسیله‌ای جدی در پیشبرد کار نوروزخوانان بوده است.

● حوزه فعالیت نوروزخوان‌ها

با توجه به اینکه کار نوروزخوان‌ها حدود پانزده روز ادامه می‌یافت، آن‌ها هرساله و بر اساس روال همیشگی، حوزه خاصی را شامل چند پارچه آبادی انتخاب کرده، تلاش می‌کردند با توجه به شناخت از منطقه مورد نظر همه منازل را زیر پوشش کار و هنر خود قرار دهند. طبیعی است که سرما و به‌ویژه بارندگی شدید که همواره بخشی از واقعیت آب و هوایی مناطق مورد بحث به‌ویژه البرز شمالی بوده است - کار نوروزخوانان را با دشواری مواجه ساخته و از سرعت عمل آنان می‌کاسته است. با این حال، هر نوروزخوان

شب مورد مراجعه چند گروه از نوروزخوانان قرار می‌گرفته و صاحب‌خانه در اثر آمد و رفت مکرر نوروزخوانان و به‌ویژه در اثر وقت‌ناشناسی برخی، آرامش خود و خانواده‌اش را در مخاطره می‌دیده است.

مسئله دوم مربوط به خیل گدایان و متکدیانی بوده است که فرصت را مغتنم دانسته، در کسوت نوروزخوان و در ازدحامی خسته‌کننده به منازل و بنه‌گاه‌ها مراجعه می‌کرده‌اند. هر چند غالب مردم در اثر سال‌ها تکرار و تجربه، با توانایی‌های ذوقی و فهم و کمال و دانش و اطلاعات نوروزخوانان آشنایی داشته و به آسانی فرق میان شعرخوان‌های خوش‌قریحه و گدایان و دربیوزگان را تشخیص می‌داده‌اند، ولی این نیز دور از ذهن نیست که گاهی برخی افراد در شناخت ماهیت نوروزخوان واقعی دچار اشتباه می‌شده‌اند؛ لذا نوروزخوانان جهت از بین رفتن سوء تفاهم ناچار می‌شده‌اند، با خواندن اشعاری فی‌البداهه، شأن و جایگاه خود را به صاحب‌خانه یادآور شده، از عمل ننگین و شرم‌آور گدایی تبری جویند.

ای باجی و ای گدا

ای خواهری که در حد گدا هستی

نیمه طالقونی گدا

من گدای طالقانی نیستم

نیمی و دسیر نیم چپا

و دو سیر و نیم خرده برنج را نمی‌گیرم.

مه رفیق منه پچا

رفیق من از سرما چاییده است

شما مه ناوورین گدا

شما مرا گدا خطاب نکنید

من روستا دارم کوپا

من در روستای خود خرمن گندم به

فراوانی دارم

«کهنیم» دارم ملک و جا

در روستای «کهنیم» ملک و منزل دارم

باغ دارم «غولی کلا»

در روستای «غولی کلا» باغ دارم

خدا بهلو تینه ریکا

خدا پسر را بر تو ببخشد

اما رفیق هستمی دتا

ما دو رفیق هستیم

یتا بلند و یتا کتا

یکی بلند قد و یکی کوتاه قد

عید خرامون آمد

عید خرامان آمد

با شاد و خندون آمد

با شادمانی و خندان آمد

مژده بدین دو ستون

دوستان مژده بدهید



جایگاه معنوی والایی برخوردار بودند، ترجیح می‌دادند کار نوروزخوانی را به صورت ناشناس و دور از آبادی و زادگاه خود انجام دهند.

● موسیقی نوروزخوانی

موسیقی نوروزخوانی‌های مناطق مورد تحقیق متکی و برگرفته از گروهی نغمه‌های ساده هستند که وجه مشترک همه آن‌ها توالی و تکرار پیاپی جملات موسیقی است. در بسیاری از موارد، این نغمه‌ها شباهت نزدیکی با برخی ترانک‌های هر منطقه دارند و به صورت آشکاری تحت تأثیر آن‌ها هستند. به‌رغم تفاوت در مایگی نوروزخوانی‌های مناطق مختلف، آوازهایی در پرده‌های بیات ترک، شور، دشتی، دوگاه، سه‌گاه و چهارگاه حضور چشمگیرتری دارند. به همین خاطر، نوروزخوانی‌های مناطقی چون گلستان، سمنان، مازندران، گیلان و طالقان اغلب در مایه‌های فوق است. در این میان، نوروزخوانی‌های تالش عموماً در ابوعطاست. باید متذکر شد که ملاحظه برخی نغمات در شوشتری و همایون در نوروزخوانی‌های نواحی مختلف با حکایت از کوچ و اسکان برخی اقوام غیربومی به منطقه دارد و با توسط چارواداران و شعرخوان‌های دوره‌گرد از دیگر نواحی ایران اخذ شده‌اند. بخش عمده آواز نوروزخوانی توسط سرخوان به اجرا درمی‌آید و کیسه‌دار یا

«کولبارچی»، در بخشی از آواز، کار هم‌خوانی را به عهده دارد. هم‌خوانی پیوسته در ترجیع‌بند اشعار صورت می‌گیرد. در برخی نقاط از جمله در مناطقی از کولاب و بالالاب تاجیکستان، بخارای ازبکستان، هرات افغانستان و خرقان و بسطام در ایران، کودکان و نوجوانان بر اساس سنتی قدیمی به صورت جمعی کار هم‌خوانی در نوروزخوانی را انجام می‌داده‌اند. عمل هم‌خوانی در نوروزخوانی‌های تالش ایران گسترده‌تر و طولانی‌تر بوده است.

از همین رو صدای خوش و تسلط بر شعر و آواز نوروزخوانی شرطی اساسی جهت انتخاب فرد کیسه‌دار در این منطقه محسوب می‌شده است. در استان گلستان نغمه‌های نوروزخوانی بیش از آنکه تحت تأثیر موسیقی ایرانی و مناطق استازآبادی با تبری زبان باشد، متأثر از موسیقی کومشی و به‌ویژه نوروزخوانی‌های مناطق شاهرود، خرقان و بسطام است.

● مضمون در نوروزخوانی‌ها

برخلاف محدودیت و مفاهیم در آوازه‌ها و ترانه‌های نوروزی آسیای مرکزی که عموماً معطوف به معانی تغزلی، سرورآمیز و طنز و مطایبه است، نوروزخوانی در ایران از مضامین گسترده‌ای برخوردار است.

تقریباً همه نوروزخوانی‌ها در پنج فرهنگ عمده البرز و برخی پاره‌فرهنگ‌ها اعم از

سرخه‌ای، طالقانی، سنگسری، لاسگردی، افتری و الموتی، از نظر ساختار و تقدم و تأخر موضوعات مراسمی، شکل مشترکی دارند. ستایش خداوند، وصف بهار، رثای پیامبران، اولیاء و ائمه، مدح سلاطین، امرا و صاحبان منازل و مشاغل، بیان وقایع و حوادث مذهبی، قصص و حکایات دینی، روایات و داستان‌های اساطیری و افسانه‌ای، روایات و رویدادهای تاریخی و اجتماعی، مضامین هجو و طنز، مضامین حکمی و پندآموز و بیان اخبار و حوادث اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روز از عمده‌ترین مفاهیم و مضامین نوروزخوانی‌هاست.

بدون استثناء در همه زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های البرز، مطلع نوروزخوانی با سلام بهاری و ستایش خداوند آغاز می‌شود. سلام و بشارت به صاحبان منازل و خانه‌ها، تبریکات نوروزی، شکوفایی بهار و اعلام نوشدن جهان و دعاهایی که طلب خیر و نیک‌بختی را به همراه دارد اصلی‌ترین مفاهیم بخش آغازین نوروزخوانی‌هاست. در این قسمت، تلاش نوروزخوان معطوف به این نکته است که با ایجاد حس همدلی در مخاطب و ایجاد گوش‌شنوا زمینه را جهت ورود به موضوعات بعدی آماده کند. از همین رو، بیشتر تأکید نوروزخوان بر این اصل قرار دارد که نوروز، در درجه اول، زمان کنار نهادن کدورت‌ها و دشمنی‌ها و مساعدت و مدارا و شادمانی و سرور است؛ چرا که طبیعت چنین آموزه‌ای را پیش روی همگان قرار می‌دهد.



پی نوشت:

۱. در مورد مسابقه برگزاری نوروز، زنده یاد مهرداد بهار معتقد است که نوروز به همراه مهرگان از جشن‌های ویژه اقوام بومی ایرانی پیش از ورود آریاییان - به‌ویژه در بین‌النهرین و مناطق غرب آن و در هزاری دوم با سوم پیش از میلاد بود (بهار: ۱۳۸۶: ۱۴۷-۱۴۸). در اوستا نیز نامی از این جشن نیامده، اما از جشن‌های شش‌گانه گاهنبارها یاد شده است (بلوکباشی: ۱۳۸۱: ۱۸).

۲. روایت جریر طبری: «جمشید» آنگاه بفرمود تا چرخ از آگینه برای او بسازند و شیاطین را در آن جای داد و بر آن نشست و در هوا از شهر خویش از دنیارند، تا بابل به یک روز رفت و آن روز هرمز روز فروردین‌ماه بود و مردم از این شگفتی که دیدند، نوروز گرفتند و بگفت تا این روز و پنج روز دنبال آن را عید گیرند؛ و شادی و خوشی کنند» (طبری: ۱۳۵۲: ج ۲/ ۱۱۸).

در تاریخ بلعمی: [جمشید]. علما را بفرمود که روز مظالم من بنشینم، شما نزد من آید تا هر چه (درو داد) باشد مرا بنمایید تا من آن کنم و نخستین روز که به مظالم بنشینست روز (هرمز بود) از ماه فروردین، پس آن روز (را) نوروز نام کرد تا اکنون سنت گشت» (بلعمی: ۱۳۴۱: ۱۳۱).

روایت ابوریحان بیرونی: «چون جمشید برای خود گردونه بساخت، در این روز بر آن سوار شد و جن و شیاطین او را در هوا حمل کردند و به یک روز از کوه دماوند به بابل آمد و مردم برای دیدن این امر در شگفت شدند و این روز را عید گرفته و برای یادبود آن روز در تاب می‌نشینند و تاب می‌خورند، (بیرونی: ۱۳۸۶: ۳۲۷). عمر خیام در نوروزنامه: «چون از ملک جمشید چهارصد و بیست و یک سال بگذشت این دور تمام شده بود و آفتاب به فروردین خویش به اول حمل باز آمد [...] پس در این روز که یاد کردیم جشن ساخت و نوروزش نام نهاد و مردمان را فرمود که هر سال چون فروردین نو شود آن روز جشن کنند و آن روز نو دانند تا آنگاه که دور بزرگ باشد که نوروز حقیقت بود، (خیام: ۱۳۸۰: ۹-۸).

حکیم توس نیز بنیادگذاری نوروز را به جمشید نسبت می‌دهد:

به فرّ کیانی یکی تخت ساخت
چه مایه بدو گوهر اندر نشاخت
که چون خواستی دیو برداشتی
زهامون به گردون برافراشتی
چو خورشید، تابان میان هوا
نشسته برو شاه فرمانروا
جهان انجمن شد بران تخت اوی
شگفتی فرو مانده از بخت اوی

به جمشید بر گوهر افشاندند
مر آن روز را روز نو خواندند
سر سال نو هرمز فوردین
برآسوده از رنج تن، دل زکین
بزرگان به شادی بیاراستند
می و جام و رامشگران خواستند
چنین جشن فرخ از آن روزگار
به ما ماند از آن خسروان یادگار
(فردوسی: ۱۳۸۶: ج ۱: ۴۴)

۳. نرشخی در تاریخ بخارا به برافروختن آتشی عظیم در شب (چهارشنبه) سوری و بنا به عادت قدیم باد می‌کند که موجب آتش‌سوزی در کاخ امیر شد (نرشخی: ۱۳۸۷: ۳۷).

۴. در این زمینه و درباره سرودهای خوانده شده در تهنیت نوروز، نک، کریستن سن: ۱۳۸۵: ۳۴۸.

۵. جهت مطالعه شنیداری و آشنایی با آوازه‌ها و نغمات نوروزخوانی‌ها، نک. نصری اشرفی: ۱۳۷۴.

۶. این نمونه‌ها بر مبنای تحقیقات و ثبت و ضبط جهانگیر نصری اشرفی و عباس شیرزادی آهو دشتی: طی سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۴ است که با مطالعه نوروزخوانی‌ها و استفاده از نوروزخوانان پنج فرهنگ مسلط در شمال و جنوب البرز صورت پذیرفته است. ۷. پیدایش دومین سلسله حکومتی شیعی به رهبری میر قوام‌الدین مرعشی در تبرستان و افول قدرت اسپهبدان قبرستان (مازندران) نیز قدرت‌یابی سادات کیایی (کیانیان گیلان شرقی) و گسترش فقه شیعی از اهم تحولات یاد شده است. در این رابطه، نک. (شجاع شفیعی: ۱۳۸۶: ۲۳۷ و ۲۷۵ به بعد).

۸. منظور این است که صاحب‌خانه قصد داشت نوروزخوان و همراهش را به قتل برساند.

۹. «موشی»، از انواع چراغ‌های کوچک روشنایی نفتی- فتیله‌ای با روغنی- فتیله‌ای که تا پیش از اختراع برف در مناطق مختلف ایران مورد استفاده بود.

۱۰. «مشال»، از چراغ‌های روشنایی پایه بلند فلزی و فتیله‌ای روغنی یا فتیله‌ای- نفتی که تا پیش از اختراع برف در حوزه‌هایی از البرز مورد استفاده بود.

فهرست مراجع

- احمد، روزی

- ۱۳۸۳. نوروز و آیین‌های نوروزی در ورارودان. ویرایش و پانوش نادر کریمیان سردشتی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

- بلعمی، ابوالی محمدین محمدین

- ۱۳۴۱. تاریخ بلعمی، به تصحیح

محمدتقی بهار، به کوشش محمد پروین

گنابادی، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ.

- بلوکباشی، علی

- ۱۳۸۱. نوروز، جشن نوزایی آفرینش.

تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- بیرونی خوارزمی، ابوریحان

- ۱۳۷۷. آثارالباقیه. ترجمه: اکبر دانا

سرشت. تهران: امیرکبیر.

- ۱۳۸۶. التفهیم‌الوائل صناعةالتنجیم. به

تصحیح جلال‌الدین همایی. تهران: نشر هما.

- بهار، مهرداد

- از اسطوره تا تاریخ. گردآورنده و ویراستار

ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: نشر چشمه.

- خیام نیشابوری، عمر بن ابراهیم

- ۱۳۸۰. نوروزنامه. تصحیح مجتبی

مینوی. تهران: اساطیر.

- روح‌الامینی، محمود

- ۱۳۷۸. آیین‌ها و جشن‌های کهن در

ایران امروز (نگرش و پژوهش مردم شناختی).

تهران: آگاه.

- شجاع شفیعی، محمد مهدی

- ۱۳۸۶. تاریخ هزار ساله اسلام در نواحی

شمالی ایران، از قرن دوم تا قرن دوازدهم

هجری، تهران: نشر اشاره

- طبری، محمد بن جریر

- ۱۳۵۲. تاریخ طبری با تاریخ الرسل

والملوک. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران:

بنیاد فرهنگ ایران.

- فردوسی، ابوالقاسم

- ۱۳۸۶. شاهنامه. به کوشش جلال

خالقی مطلق. تهران: مرکز دایرةالمعارف

بزرگ اسلامی.

- کریستن سن، آرتور امانوئل

- ۱۳۸۵. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه

رشید یاسمی، ویراستار حسن رضایی باغ

بیدی. تهران: صدای معاصر.

- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک

- ۱۳۸۴. زین‌الخبار. به اهتمام رحیم

رضازاده ملک. تهران: انجمن آثار و مفاخر

فرهنگی

- ترشخی، محمد بن جعفر

- ۱۳۸۷. تاریخ بخارا. به تصحیح مدرس

رضوی، تهران: انتشارات توس.

- نصری اشرفی، جهانگیر و فاطمه آذری

- ۱۳۷۵. نوروزخوانی‌های مازندران، ساری،

واحد، تحقیقات صدا و سیما مرکز مازندران.

- منابع صوتی

- نصری اشرفی، جهانگیر

- ۱۳۷۴. موسیقی آیینی و مذهبی دو سوی

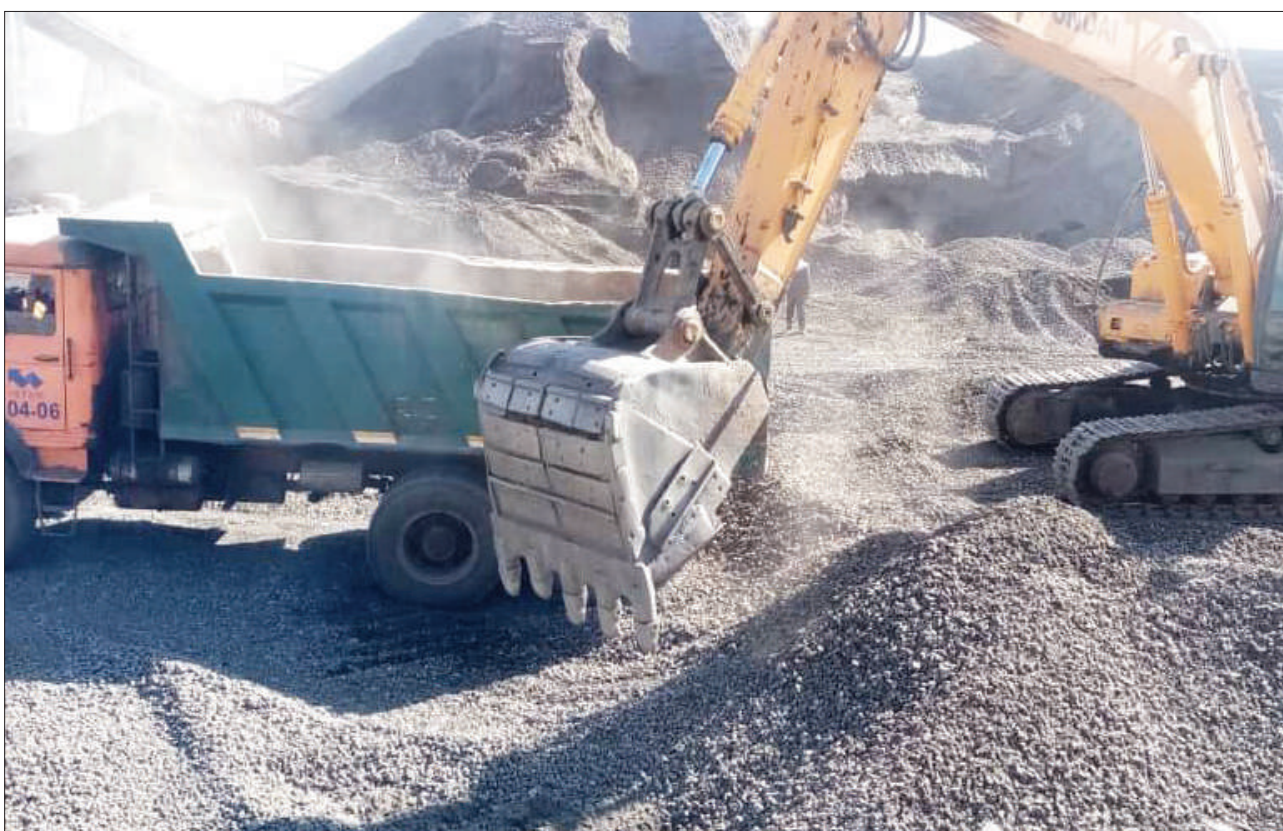
البرز (همراه با شش کاست). تهران: انجمن

موسیقی ایران.

منتشر شده در ماهنامه سرمشق، سال سوم

- شماره سی ام - اسفند ۱۳۹۷







گفت‌وگو با مجتبی خواجویی سیرجانی، رئیس بخش سرمایه انسانی و HSEC

جذب نیروهای جوان و متخصص را سرلوحه کار قرار داده‌ایم



این سال‌ها در ۵ مرحله مورد بازبینی و ویرایش قرار گرفته است. در آخرین تغییرات صورت‌گرفته، ساختار سازمانی مصوب و ابلاغ‌شده از سوی هلدینگ میدکو شامل ۶ بخش و متشکل از: سرمایه انسانی و HSEC، حمل و نقل، مالی، انتظامی، پشتیبانی و امور قراردادهای تعمیر و نگهداری ماشین‌آلات است.

● آیا بخش‌هایی از فعالیت‌های شرکت را به‌صورت برون‌سپاری دارید؟ اگر بله، به چه دلیل؟
بله، در حال حاضر تعداد ۴۳ نفر نیروی برون‌سپار با شرکت همکاری دارند که از تمامی مزایای شرکت همچون نیروهای استخدامی بهره‌مند هستند ولی به دلیل

سال آینده واحد سرمایه انسانی را تشریح کنید.

در حال حاضر تعداد پرسنل این شرکت ۱۸۷ نفر است که در شهرهای مختلف استان در حال فعالیت هستند. با توجه به فعالیت‌های هلدینگ میدکو در مناطق مختلف کشور، بدهی است در صورت تقاضای شرکت‌های گروه همکار جهت حضور سمنگان ترابر و همچنین در صورت خرید ماشین‌آلات ملکی، این شرکت اقدام به جذب نیروی متخصص و با شرایط احراز مورد نظر هلدینگ خواهد کرد. از ابتدای فعالیت شرکت سمنگان با مدیریت عامل جدید در سال ۱۳۹۶، این شرکت اقدام به طراحی ساختار سازمانی کرد که طی

■ مجتبی خواجویی سیرجانی، متولد سال ۱۳۶۸ در سیرجان، دارای مدرک کارشناسی مهندسی معماری، کارشناسی مدیریت دولتی، کارشناسی ارشد مدیریت کسب و کار (MBA)، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی گرایش طراحی سازمان‌های دولتی و دکترای مدیریت کسب و کار (DBA)؛ دارای سابقه کار در شرکت فراساختار سمنگان با سمت سرپرست اداری از سال ۹۴ تا ۹۶ و از سال ۹۶ به عنوان رئیس بخش سرمایه انسانی و HSEC شرکت سمنگان ترابری ایرانیان مشغول به همکاری است. گفت‌وگو با ایشان را در ادامه می‌خوانید.

■ آقای خواجویی، لطفاً وضعیت کنونی آمار نیروی انسانی و برنامه جذب نیرو در



داده می‌شوند. همچنین در سال گذشته در مناسبت‌های مختلف، هدایایی از قبیل اکسیژن‌سنج، فشارسنج، لباس ورزشی و... برای ارتقاء سطح سلامت خانواده‌ی بزرگ سمنگان ترابری ایرانیان به پرسنل اهداء شد. در مورد ویروس کرونا نیز، از ابتدای شیوع این بیماری یک بهداشتی متشکل از محلول ضد عفونی‌کننده‌ی دست، ماسک و دستکش لاتکس به خانواده‌ی پرسنل اهداء شد. همچنین روزانه به صورت مداوم ماسک سه‌لایه و ماسک ۱۹۵ به پرسنل برای پیشگیری از شیوع بیماری تحویل داده می‌شود.

● نحوه‌ی صدور احکام پرسنلی در شرکت به چه صورت است؟

برابر ماده ۱۰ آیین‌نامه استخدامی و نظام پرداخت میدکو، حقوق ماهانه کارکنان تمام‌وقت در شرکت مبتنی بر ارزیابی شغل و شاغل است. شاغل در این آیین‌نامه بر اساس پیچیدگی و تخصصی بودن به چهار گروه الف، ب، ج و د تقسیم می‌شوند. در امتیاز شغل عناوینی چون تحصیلات، تجربه، کوشش فکری، تماس و ارتباط، مسئولیت مقررات و روش‌ها، مسئولیت فرم‌ها و گزارشات، مسئولیت مالی و دارایی، مسئولیت ابزار ماشین‌آلات و تجهیزات، مسئولیت مواد و محصولات، شرایط نامساعد محیط کار و کوشش جسمانی مورد بررسی و امتیازدهی قرار می‌گیرد. جهت ارزیابی شاغل عناوینی چون دوره‌های آموزشی و گواهینامه ویژه، تجربه‌ی پیش از استخدام (مازاد بر شرایط احراز شغل)، از خودگذشتگی، ایثارگری و... لحاظ می‌گردند که مجموع امتیاز شغل و شاغل در ضریب حقوق میدکو که هرساله از سوی هلدینگ اعلام و ابلاغ می‌شود در سیستم میادآرپی محاسبه و احکام پرسنلی صادر می‌شوند. چنانچه شخصی در هریک از عناوین ذکر شده شرایط احراز اولیه را نداشته باشد، برای ایشان نمره منفی لحاظ شده و از پایه حقوق کسر می‌شود.

● لطفاً درباره‌ی مسائل مربوط به واحد ایمنی توضیح بدهید. کار این واحد چیست و چه وظایفی بر عهده دارد؟

درواقع ایمنی در معنای کلی آن، عبارت است از علم و هنر پیشگیری از حوادث، که مهم‌ترین اقدامی که در این حوزه انجام می‌شود، مربوط به بحث آموزش ایمنی

با توجه به شرایط کنونی فعالیت‌های شرکت ساختار سازمانی پاسخ‌گوی نیازهای شرکت می‌باشد. اما بدیهی است که در صورت افزایش فعالیت شرکت در بخش‌های دیگر هلدینگ میدکو از قبیل شرکت بابک‌مس ایرانیان قطعاً نیازمند تغییرات بیشتری خواهیم بود.

● چگونه از کارکنان شرکت بازخورد می‌گیرید؟ اهمیت نظر سنجی برای دریافت بازخوردهای کارکنان در واحد سرمایه انسانی چه جایگاهی دارد؟

با توجه به سیاست‌های هلدینگ میدکو، به صورت سالانه سنجش رضایتمندی از سوی شرکت تعالی جویان پارس انجام و به صورت گزارش جامع در اختیار مدیران ارشد قرار می‌گیرد که شرکت با توجه به نظرات پرسنل و میزان رضایتمندی اقدام به ارائه برنامه بهبود برای سال آینده می‌کند.

● برنامه‌ها و فعالیت‌های شرکت برای خدمات رفاهی کارکنان چیست؟

بر اساس سیاست‌گذاری هلدینگ میدکو این شرکت اقدام به تشکیل کمیته فرهنگی، رفاهی و ورزشی نموده که به صورت ماهانه تشکیل جلسه داده و درخواست‌ها و پیشنهادات رؤسا و پرسنل مورد بررسی قرار گرفته و مطابق دستورالعمل‌های ارسالی هلدینگ تصمیم‌گیری صورت می‌پذیرد. از مهم‌ترین اقدامات این کمیته می‌توان به تقدیر از فرزندان پرسنل با معدل بالا، تقدیر از رانندگان و پرسنل به مناسبت روز حمل و نقل، برگزاری جشنواره ادبی - هنری به مناسبت روز حمل و نقل، اهداء کتاب گردشگری به مناسبت روز جهانی گردشگری و سایر پرداخت‌های مناسبی در قالب شارژ میدکو کارت همکاران اشاره کرد.

● برای حفظ سلامت کارکنان در سال گذشته خصوصاً در ارتباط با کرونا چه اقداماتی انجام شده است؟ به‌طور کلی برای صیانت و حفظ سلامت کارکنان چه فعالیت‌ها و برنامه‌هایی دارید؟

در راستای سلامت کارکنان سالانه تمامی پرسنل جهت معاینات ادواری به پزشک ارجاع

نوع شغل مورد تصدی شرکت مجبور به جذب از طریق برون‌سپاری گردیده است.

● توانمندی‌ها و شایستگی‌های کنونی کارکنان، و با توانمندی‌ها و شایستگی‌های مورد انتظار واحد سرمایه انسانی چیست و چه برنامه‌هایی برای بالابردن شایستگی‌ها و مهارت‌های کارکنان دارید؟

با توجه به جوان بودن قریب به ۷۰ درصد از پرسنل شرکت نیاز به آموزش و ایجاد محیطی جهت کسب تجارب علمی و عملی کاملاً احساس می‌شود. با توجه به این امر تمامی بخش‌های این شرکت با به کارگیری افراد باتجربه در رأس امور و با در نظر گرفتن اصل آموزش و همکاری متقابل در حال کار و به‌روز رسانی هستند. البته نباید نقش مهم و اساسی مدیرعامل محترم شرکت را در برپا کردن اصل آموزش و به‌روز رسانی تمامی بخش‌ها با فناوری جدید نادیده گرفت.

● جایگاه و اهمیت آموزش و توسعه کارکنان در واحد سرمایه انسانی به چه صورت است؟ در این باره، برنامه‌های شما برای رشد و توسعه کارکنان چیست؟

آموزش، رکن اصلی در پیشرفت پرسنل و پیشبرد اهداف کلان شرکت است. با توجه به شیوع ویروس کرونا و عدم توانایی در تشکیل حضوری کلاس‌های آموزشی، ترتیبی اتخاذ شده است که تمامی همکاران از طریق نرم افزارهای واتس‌آپ و اسکایپ در کلاس‌ها و جلسات آموزشی شرکت داشته باشند.

● آیا برای خانواده‌های کارکنان شرکت هم برنامه‌های آموزشی دارید؟

در راستای کمک به همکاران در آموزش خانواده پرسنل، گروهی متشکل از بانوان همکاران به عنوان گروه بیمه تکمیلی تشکیل شده و تمامی مطالب مربوط به چگونگی استفاده از بیمه تکمیلی جهت رفاه حال همکاران توضیح و آموزش داده می‌شود.

● آیا چارت سازمانی کنونی شرکت پاسخ‌گوی نیازهای شرکت هست؟ آیا نیازی برای اصلاح چارت احساس می‌کنید؟



عدم رعایت موارد ایمنی در اجرای موفق و با اطمینان خاطر در پروژه‌ها است؛ که همین امر باعث شده است موانع زیادی برای تحقق اهداف بر سر راه HSE قرار بگیرد.

● برنامه عملیاتی فعالیت‌های واحد ایمنی برای بلندمدت چیست؟

هدف کلی واحد HSE شرکت سمنگان ترابر ایرانیان که واحدی نوپا در حوزه ایمنی است، به علت سیاست‌هایی که مدیریت عامل فهیم شرکت که خودشان دارای دیدگاه‌های مربوط به وجوه ایمنی هستند و همواره با مشاوره‌های جامع و کامل خود به این واحد یاری رسانده‌اند، بر مبنای پیاده‌سازی استانداردها در قالب قوانین و الزامات ایمنی قرار گرفته است که به منظور حفظ و ارتقاء سطح ایمنی، بهداشت و محیط زیست در نظر گرفته شده است.

● شما سخت‌ترین قسمت کار این واحد را مربوط به چه مسائلی می‌دانید؟

با توجه به وسعت حوزه ایمنی، به‌خصوص با افزایش تبادلات درون و برون‌منطقه‌ای در مبحث ایمنی حمل و نقل و حوادث ایمنی حمل، خود به یکی از معضلات مهم کشور تبدیل شده است که متأسفانه روز به روز نیز رو به وخامت دارد که به طور کلی لازم است برای رفع این معضل بزرگ، عوامل اصلی بر حوادث را تقسیم‌بندی کرد که شرکت سمنگان ترابر ایرانیان، HSE را به همین منظور تعریف کرده است و به دست دادن معیار درست از ایمنی حمل و نقل را به صورت جدی در دستور کار قرار داده است.

● به عنوان حسن ختام این گفت‌وگو اگر صحبتی مانده است بفرمایید.

ضمن تشکر از تمامی همکاری که با تلاش خود موجب پیشرفت و گسترش شرکت سمنگان ترابر ایرانیان شده‌اند، جا دارد از مدیرعامل محترم جناب آقای ابراهیمی تشکر کنم که به بنده به عنوان یک جوان اعتماد کردند و مسئولیت بزرگی بر عهده‌ام گذاشته‌اند.

کارگر چیست؟

تکلیف شده است که کارفرمایان و مسئولان کلیه واحدها به منظور تأمین حفاظت و بهداشت کارگران، وسایل و امکانات لازم را تهیه و در اختیار کارگران قرار دهند که شامل وسایل کار و تجهیزات ایمنی می‌شود. کار کارگر مربوط به گزینش و انتخاب نیروی مناسب کار می‌باشد که موازین آن شامل سلامت جسمی، اخلاقی و روانی فرد؛ و توان فیزیکی، فکری و مهارت وی است. تکلیف کارفرما نیز مربوط به امر آموزش و توضیح است که این آموزش شامل مسائل و مقررات ایمنی با توجه به شرایط محیط کار، آموزش کامل نحوه کار با دستگاه‌ها و ماشین‌آلات کارگاه در چرخه تولید می‌باشد. تکلیف کارفرما در امر نظارت کارفرمایان باید توسط خود شخص، یا اشخاص صلاحیت‌دار صورت بگیرد. کارفرما باید با نظارت صحیح و مستمر، احتمال انجام امور غیرایمن که خطر سلامتی خود، دیگران و دستگاه‌ها را در بر دارد را به صفر برسانند. و در آخر، مسائل مربوط به بحث حقوق و مزایا است که طبق قوانین تمام پرداخت‌ها باید به‌موقع انجام شوند.

● نقش آموزش فرهنگ ایمنی در کاهش حوادث و مخاطرات چیست؟

فرهنگ ایمنی مجموعه‌ای از باورها، اطلاعات و رفتارهایی است که افراد را در برابر حوادث و خطرات ایمن نگه می‌دارد و لازم است که هر یک از افراد عضو سازمان، هر روز قبل از این که به محیط‌های صنعتی وارد شوند، پس از آشنایی با فرهنگ ایمنی، توانایی مقابله با اتفاقات پیش‌بینی‌نشده را به دست آورند و با رعایت اصول ایمنی، محل کار خود را از ورود حوادث مخاطره‌آمیز مصون نگه دارند تا هر یک از کارکنان بتوانند در محیطی امن، از کار خود لذت ببرند.

● در حال حاضر این واحد دارای چه موانع و کمبودهایی برای تحقق بخشیدن به اهداف خود است؟

در دنیای امروز، به خصوص در کشور ایران آنچه که باعث شده است مبحث ایمنی در صنایع با جدیت دنبال نشود، وجود موانع اقتصادی و فقدان درک صحیح صاحبان مناصب و پیمانکاران از پیامدهای

است که اولین قدم به منظور آموزش یک گروه، اجرای مراحل آنالیز نیازهای آموزشی است. در حقیقت، ایمنی تنها در صورتی قابل حصول است که علاوه بر ایجاد محل کار ایمن و تدارک سیستم‌های ایمنی، در حوزه آموزش برای افزایش مشارکت کارکنان و ایجاد انگیزه در کل سیستم نیز نقش ایفا کند. ایمنی یعنی درجه فرار از خطر؛ و وظیفه نیروی ایمنی در اولین گام، شناسایی خطرات، ارزیابی آنها، و در آخر کنترل خطرات است که هر یک از این مراحل دارای مولفه‌هایی جداگانه برای پیشرفت و رسیدن به درجه مطلوب است.

● HSE در یک تعریف کلی به چه معنا است؟

HSE اصطلاحاً به بهداشت کار، ایمنی کار و محیط زیست گفته می‌شود که به ترتیب معادل H- Health, S-Safety, E- Environment است. در حقیقت، HSE در پروژه‌ها، موضوعات بهداشت ایمنی و محیط زیست را تحت کنترل خود در می‌آورد و با نظام یکپارچه‌ای که دارد، با ایجاد بستر فرهنگی خلاق و نگرشی نو و سیستماتیک، به تبیین تأثیر متقابل عوامل بهداشتی، ایمنی و محیط زیست می‌پردازد، تا از این طریق نواقص، مخاطرات بالقوه، حوادث و مشکلات را به‌طور نظام‌مند مورد ارزیابی قرار داده و روش‌های مبتنی بر پیشگیری را ارائه می‌دهد.

● حوادث ناشی از کار در چه مولفه‌هایی خلاصه می‌شوند؟

حوادث ناشی از کار، مطابق با ماده ۶۰ قانون تأمین اجتماعی، به حوادثی گفته می‌شود که در حین انجام وظیفه برای فرد بیمه‌شده و کارکنان اتفاق می‌افتد. مقصود از کار حین انجام وظیفه، تمام اوقاتی است که بیمه‌شده در کارگاه، ساختمان‌ها و محوطه اطراف آن مشغول کار باشد و به دستور کارفرما در خارج از محوطه کارگاه عهده‌دار انجام مأموریت باشد. همچنین حوادثی که در حین رفت‌وآمد از منزل به محل کار و از محل کار به منزل رخ دهد، جزء حوادث ناشی از کار می‌باشد، البته با وسیله متعارف، در مسیر متعارف، و در زمان متعارف (مانند سرویس ایاب و ذهاب پرسنل به محل کار).

● در همین مورد وظایف یک کارفرما در حیطه ایمنی در قبال



خط مشی اخلاقی سمنگان ترابری ایرانیان در قبال سرمایه انسانی



پاداش و تنبیه است. تصحیح و تسهیل ارتباط منابع انسانی با مدیران و ترویج الگوی رفتار ارتباطی مبتنی بر اقتدار و توأم با صمیمیت وظیفه ما است.

● خط مشی اخلاقی شرکت سمنگان ترابری ایرانیان در رقابت

ما به رقابت برد، برد با رقبا بر اساس حفظ حقوق طرفین، باورمندیم و از هرگونه ضرررسانی به رقبا در تمامی فعالیت‌های حرفه‌ای همچون مذاکرات تجاری، تبلیغات و... می‌پرهیزیم.

احترام به کرامت انسانی رقبا و حفظ آن؛ پرهیز از بد گفتاری نسبت به رقبا، مرام اخلاقی ما است.

تلاش در جهت توسعه فرهنگ رقابتی کردن محیط کسب و کار و اجتناب از هر فعل رقابت‌گریز، تعهد حرفه‌ای و اخلاقی ما است. تلاش برای به دست آوردن جایگاه مرجع در صنعت، مادامی که بر شایستگی حرفه‌ای

آموزشی، راه را برای ارتقاء شغلی همه همکاران، فراهم می‌آوریم. در شرکت سمنگان ترابری ایرانیان راه پیشرفت بر کسی بسته نیست. حمایت از امنیت شغلی، آسایش و شادابی روحی و تعالی معنوی همکاران، مرام اخلاقی ما است.

رعایت تناسب بین مسئولیت‌ها، اختیارات و امکانات از بارزترین مصادیق انصاف در حرفه است.

مواجهه صادقانه و صریح با کارکنان و پاسخگویی به آنان، توجه و اهمیت دادن به دیدگاه کارکنان را لازمه ماندگاری و پایداری شرکت می‌دانیم.

برخورداري از حقوق عادلانه و متناسب با بازار کار، حق کارکنان است و ما خود را متعهد به تأمین امنیت معیشتی کارکنان در جهت ارتقای آن در همه سطوح می‌دانیم. قدردانی از حُسن همکاری کارکنان، آگاهی بخشی و دادن فرصت تغییر رفتار برای همکارانی که در فعالیت حرفه‌ای و رفتاری خود کوتاهی دارند، دو مبنای اخلاقی نظام جامع

پاسداری از آن (انسانیت) همکاران، در هر شرایط، اصل حاکم بر همه رفتارها و مقررات است. محیط کار را به گونه‌ای مدیریت می‌کنیم تا احساس ارزشمندی همکاران، حس همیشگی شرکت باشد.

پای‌بندی به انصاف و عدالت در همه شئون حرفه‌ای و پرهیز از هرگونه تبعیض در مواجهه با کلیه منابع انسانی را موجبات خشنودی پروردگار یکتا می‌دانیم و به منزله وظیفه در تصمیم‌گیری‌ها، مقررات، اعطای فرصت‌ها و نظام‌های حرفه‌ای بر رعایت عدالت تأکید می‌ورزیم.

اطلاع‌یابی نسبت به هر آنچه با حقوق همکاران در ارتباط است، حق منابع انسانی است و اطلاع‌رسانی شفاف، به موقع، دقیق و کامل، وظیفه اخلاقی شرکت می‌باشد.

منابع انسانی، منافع و اسرار آنان، امانت پروردگار نزد سازمان هستند و امانت‌داری و رازداری، وظیفه اخلاقی ما است.

پیشرفت علمی و ارتقای حرفه‌ای، حق منابع انسانی است. با ایجاد فرصت‌های برابر



برخوردار از ناظر کاردان و منصف را حق پیمان کاران می‌دانیم و در نظارت، ارزیابی و داوری در فعالیت پیمانکاران، انصاف و ضوابط علمی و حرفه‌ای را حاکم می‌دانیم. پیش‌بینی پذیری شرکت برای مستاجران و پیمان کاران را ضامن حفظ حقوق آنان می‌دانیم.

● خط مشی اخلاقی شرکت سمنگان تراب ایرانیان در حفظ محیط زیست

قانون پذیری و پایبندی به استانداردهای زیست محیطی، استفاده از سیستم های دوستدار محیط زیست و همکاری فعالانه با سازمان های مرتبط با محیط زیست و تلاش برای ارتقاء استانداردها، مسئولیت حرفه‌ای و اخلاقی ما است.

آموزش و ترویج فرهنگ حفاظت از محیط زیست در منابع انسانی شرکت سمنگان تراب ایرانیان به ویژه کارکنان و پیمانکاران، تشویق عمومی نسبت به فعالیت های زیست محیطی و ترویج فرهنگ عدم استفاده از آلایندها در محیط زیست، وجهه اهتمام ما است.

ایجاد فضای سبز در محیط پروژه ها و مشارکت در توسعه ملی فضای سبز را گامی در حفظ محیط زیست می‌دانیم.

حمایت معنوی، مالی و علمی از دوستداران طبیعت و طرفداران حفظ محیط زیست، وظیفه اخلاقی ما است.

نهادینه کردن دغدغه های زیست محیطی در مدیریت پروژه، توجه به اولویت پیشگیری بر درمان در معضلات مربوط به تخریب محیط زیست و تلاش مستمر برای کاهش آلایندهای محیط زیست و سرمایه گذاری برای مدیریت بهینه پسماندهای روغنی، سوختی، شیمیایی و انسانی، مشی اخلاقی ما است.

صرفه جویی در استفاده از منابع و توسعه برنامه های بازیافت را گامی مهم در حفظ محیط زیست می‌دانیم.

ما به خط مشی مذکور و تعهد به بازنگری سالیانه آن اعتقاد کامل داریم و از آنجایی که موفقیت این نظام بستگی به مشارکت کلیه پرسنل شرکت دارد، از تمامی همکاران شرکت انتظار می رود نسبت به لحاظ خط مشی شرکت در تمامی زمینه ها و فعالیت های اجرایی خود اقدام نموده و با تعهد و وجدان کاری در اجرا، پاسداری و بهبود این نظام، زمینه مناسبی را در جهت نیل به اهداف فوق فراهم آورند. بدیهی است اینجانب از کلیه ارکان این خط مشی در جهت تأمین بسترها و منابع لازم حمایت کامل را خواهیم نمود.

می‌دانیم و بر حاکمیت قانون و مقررات بر همه شئون حرفه‌ای، به ویژه در ایفای حقوق و مطالبات ملی، تأکید می‌کنیم. همکاری صادقانه و اثربخش با سازمان های نظارتی را مشارکت در حفظ منافع ملی می‌دانیم. احترام به هنجارهای اجتماعی، ارزش ها و شعائر الهی مرام اخلاقی ما است.

برخوردار از محیط آراسته و زیبا را به عنوان حق همسایه ها و شهروندان پاس می‌داریم.

بر حمایت از مراکز دانشگاهی و نهادهای فرهنگی و مشارکت در توسعه فرهنگی کشور، تأکید می‌کنیم.

● خط مشی اخلاقی شرکت سمنگان تراب ایرانیان در قبال مستاجران و پیمان کاران

مواجهه صادقانه، صریح و همراه با احترام اصیل و متقابل با مستاجران، سرلوحه مرام اخلاقی ما است.

انصاف در عقد قرارداد، پایبندی به مفاد قرارداد و پرداخت به موقع مطالبات، مشی ما با مستاجران است.

خیرخواهی، تأمین امنیت روانی، حمایت از جایگاه حرفه‌ای مستاجران، دوری از هرگونه ضرر رسانی، رعایت حریم خصوصی، رازداری و توجه به محرمانگی اطلاعات آنان وظیفه اخلاقی ما است.

نسبت به آنچه از اموال، منابع انسانی و مالکیت معنوی مستاجران، در اختیار ما است، امانت دار هستیم.

مستاجران و پیمان کاران، ما را همیشه نقدپذیر خواهند یافت. اطلاع یابی از دیدگاه ها و انتقادهای آنان و پاسخگویی به آنها، تعهد اخلاقی ما است.

حمایت معنوی از مستاجران، مساعدت و حسن همکاری در شرایط بحرانی و استمرار همکاری بر اساس رضایتمندی، خصلت سازمانی شرکت است.

پیمانکاران و مستاجران را در رشد اخلاق حرفه‌ای یاری خواهیم کرد.

تعامل با مستاجران را بر بیان دقیق و شفاف انتظارات و تعهدات طرفین بنا می‌نهیم.

سرعت در انجام امور مربوط به حقوق مستاجران وظیفه اخلاقی ما است.

بر ایجاد فرصت های اطلاع رسانی و شرایط عادلانه رقابت تأکید می‌کنیم.

قدردانی از حسن همکاری مستاجران و پیمان کاران، یک ارزش اخلاقی و خداپسندانه است.

حمایت از حقوق قانونی کارکنان پیمانکاران، وظیفه انسانی ما است.

باشد، محیط رقابتی را رونق می‌دهد پایبندی به شفافیت و قانون پذیری و پرهیز از هرگونه ارتباط با منابع انسانی رقیب، اساس تعامل حرفه‌ای ما با رقیب است. حفظ حریم شخصی رقیب، پرهیز از دستیابی به اطلاعات محرمانه آنان و صیانت از اسرار آنان در چارچوب قوانین، خصلت ما است.

رفتار غیر اخلاقی را با تعهد اخلاقی پاسخ می‌دهیم و می‌دانیم مدارا در جهت هم افزایی به منظور ایجاد ظرفیت ها، فرصت ها و مدیریت بحران در جهت حفظ منافع ملی و حقوق مشتریان می باشد؛ تشویق رقیب به رعایت اخلاق حرفه‌ای و یاری نمودن آنها در ارتقاء سلامت اخلاقی مرام ما است.

قانون مندی و احترام به تعهدات دوجانبه و مواجهه صادقانه، صریح و شفاف با رقیب، خصلت سازمانی ما است.

خط مشی اخلاقی شرکت سمنگان تراب ایرانیان در قبال شهروندان و منافع ملی رعایت حسن هم جوار و احترام به حقوق همسایه ها، مانند حق حریم خصوصی، حفظ آسایش و آرامش روانی، حساسیت نسبت به منافع مالی و معنوی همسایه ها و امانت داری نسبت به اموال آنان، رازداری و پاسخگویی در قبال آنان اساس تعامل ما با همسایه ها است.

منافع ملی و آسایش شهروندان، محور اصلی فعالیت های حرفه‌ای ما به هنگام مشارکت در اشتغال آفرینی و ارائه خدمات است. رعایت عدالت اجتماعی در ارائه فرصت های اشتغال و ایجاد فرصت بهره مندی شهروندان از خدمات، از مهم ترین ارزشهای اخلاقی شرکت است.

پیشگامی در امور معنوی و یاری رساندن به نیازمندان، به ویژه در شرایط بحرانی و مشارکت در ارتقاء سطح رفاه عمومی جامعه، وظیفه اخلاقی ما است.

اعتماد به مردم، پاسخگویی در برابر انتقادهای و چالش های شهروندان، توجه به دیدگاه های عمومی و مواجهه صادقانه و صریح با رسانه های جمعی مرام ما است.

مشارکت در ترویج فرهنگ نشاط، شادی، امیدواری و اخلاق شهروندی، از اصول مسئولیت های اجتماعی ما است.

مشارکت در ارتقاء استانداردهای مرتبط با صنعت و

تلاش در توسعه دانش و فناوری و ارتقاء صنعت برای رهایی از هرگونه وابستگی و دستیابی به خودکفایی را ضامن عزت ملی می‌دانیم.

قانون مداری را احترام به حقوق شهروندان



گفت‌گو با محسن آبادهای، رئیس بخش حمل و نقل

سمنگان در هلدینگ، کوچک است اما حیاتی

نقش سمنگان در مدیریت حمل و نقل، مثل نقش سوزن والف است برای چرخ‌های یک بوژی



■ محسن آبادهای یکی از مدیران جوان مجموعه سمنگان ترابری ایرانیان است که از سال ۱۳۹۶ به این شرکت پیوست و در ابتدا ریاست حمل و نقل را به‌عهده گرفت. حجم کاری، تنوع و پراکندگی حرفه‌اش، او را در این مدت به عنوان مدیری مسلط در حوزه حمل و نقل معرفی کرده است. آبادهای دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی مدیریت مالی در مقطع فوق‌لیسانس است که یکی از افراد تاثیرگذار در تصمیمات اجرایی شرکت سمنگان ترابری ایرانیان می‌باشد. گفت‌وگو با او را در ادامه می‌خوانید.

● **لطفاً تاریخچه تشکیل واحد حمل و نقل شرکت سمنگان ترابری ایرانیان، و وظایف این واحد را شرح دهید.**

شرکت سمنگان ترابری ایرانیان از سال ۱۳۹۰ تأسیس شد اما ظاهراً با توجه به اینکه سایت میدکو در آن سال‌های ابتدایی در حال ساخت و تکمیل پروژه‌ها بود، بها دادن به این شرکت در هلدینگ میدکو چندان ضروری به نظر نمی‌رسید. تا اینکه از ابتدای نیمه دوم سال ۱۳۹۶ با تغییر مدیریت و مدیر عاملی جناب آقای ناصر ابراهیمی این شرکت روند جدیدی به خود گرفت و در همان سال در ابتدای امر واحد حمل و نقل نیز به دستور ایشان شکل گرفت.

● **از زمان تشکیل واحد چه دستاوردهای مهمی در شرکت به دست آمده است؟**
در این مدت، با تجهیز کردن ماشین‌آلات مورد نظر حمل و برنامه‌ریزی در حمل ریلی، و با جلب رضایت مدیران محترم

را در کوتاه مدت و بلند مدت بفرمایید.
با توجه به اعتماد مدیرعامل شرکت سمنگان ترابری ایرانیان به جوانان در این مدت، با گذراندن آزمون و خطاهای این تیم جوان، هدف کلی در سال جدید، تخصصی شدن این حوزه و تحقق باور مجموعه سمنگان به شعار «حمل و نقل تولید نیست، خدمت به یک تولید موفق است»، می‌باشد.

● **نقش واحد حمل و نقل در شرکت‌های هلدینگ و سایر شرکت‌های غیر هلدینگ**

اجرای سایت‌های میدکو، تلاش کردیم به شعار ذکرشده شرکت (حمل و نقل تولید نیست، خدمت به تولیدی موفق است)، جامه‌ی عمل بپوشانیم. بر همین اساس، این شرکت در حال حاضر در اکثر سایت‌های استان کرمان در حال فعالیت است و حتی حوزه فعالیت به استان‌های همجوار نیز رسیده است. در حقیقت ما اکثر فعالیت‌های حمل و نقلی، از جمله حمل و نقل داخلی (درون سایت)، معدنی، جاده‌ای، ریلی و ترانسپورت سبک را تجربه کرده‌ایم.

● **اهداف و برنامه‌های کاری واحد**





چیست؟

می‌توان گفت حمل و نقل از دیرباز در زندگی بشر تأثیر داشته است و جابه‌جایی انسان و حمل کالاها با چارپایان آغاز شد و با مرور زمان و نیز پیشرفت نیازهای بشر این موضوع گسترش یافته و یک موضوع مهم و تأثیرگذار در زندگی بشر تبدیل شده است که به تبع همین موضوع، در هلدینگ میدکو نیز حمل و نقل یک موضوع مهم و تأثیرگذار است. اگر هلدینگ میدکو را به صورت یک بوژی ۱۷ محور تعریف کنیم، شرکت سمنگان یا حمل و نقل را می‌توان سوزن والف چرخ‌های این بوژی مثال زد. کوچک اما با اهمیت. سوزن والف در یک بوژی خیلی کوچک است. اما نقش بسیار مهمی در کارکرد آن دارد که نبود این قطعه کوچک، بوژی به این عظمت را از حرکت باز می‌دارد. به نظر من، حمل و نقل هم چنین تأثیری در مجموعه‌ی بزرگ هلدینگ میدکو دارد.

● وضعیت ماشین‌آلات و چگونگی مالکیت یا برون‌سپاری ماشین‌آلات و خدمات را بفرمایید و مزایا و معایب رانیز بیان کنید. شرکت‌های حمل و نقل بزرگ برای

مدیریت منابع انسانی، هزینه‌ها، اجرای و... به منظور رسیدن به اهداف در حوزه ماشین‌آلات از دو شیوه برون‌سپاری و مالکیتی استفاده می‌نمایند. که در حوزه جاده‌ای برون‌سپاری و در حوزه‌های داخلی ترکیب، مالکیتی و برون‌بهترین روش است.

● چگونگی همکاری و ارتباط واحد حمل و نقل با سایر واحدهای شرکت سمنگان ترابری را بفرمایید.

مطمئناً رسیدن به تناژ ۱۸ و نیم تن بار در یک سال مالی به تنهایی توسط یک واحد انجام نمی‌شود. هماهنگی و هم‌راستایی کلیه ی واحدها این امر را محقق ساخته است. برای مثال اگر واحد مالی نتواند حجم فعالیت‌های این حوزه را به ریال تبدیل کند، یا اگر واحد سرمایه‌انسانی نتواند نیروی عملیاتی مورد نیاز را تأمین کند؛ در ماه اول توقف فعالیت را خواهیم داشت، که در این مورد از تمام همکاران در حوزه‌های مختلف مجموعه، به‌خصوص مدیرعامل محترم جهت هماهنگی کردن و یک‌راستا کردن کلیه حوزه‌ها تشکر می‌کنم.

● چه مشکلات و محدودیت‌هایی در روند شکل گرفتن واحد داشته‌اید و چگونه رفع شده است. پیشنهاد شما برای بهبود امور اتیان واحد چیست؟ از آنجایی که شرکت سمنگان ترابری ایرانیان در سال‌های ابتدایی تأسیس هلدینگ و کارخانه‌های تابعه میدکو از نظر پیشرفت تجهیزات و فعالیت از سایر عقب مانده است؛ این یک معضل بزرگ در این حوزه بوده و هست. برای رفع این مشکل، مشارکت مالی سایت‌ها با توجه به حجم فعالیت سمنگان در هر سایت برای تجهیز نمودن بخشی از ماشین‌آلات مورد نظر در قالب پیش پرداخت و با توجه به شرایط کنونی اقتصاد کشور می‌تواند راه‌حلی برای برون‌رفت از این مشکل باشد.

● مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت حمل و نقل را در سایت‌های میدکو بیان کنید.

ما در اکثر سایت‌های میدکو فعالیت داریم. در سایت فولاد سیرجان ایرانیان جابه‌جایی کلوخه از معادن ۲ و ۳ و ۴ به سایت فولاد سیرجان ایرانیان، دپوسازی



جلال آباد روزانه ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ تن. به صورت ریلی و جاده‌ای. مدیریت و ارسال بعضی از بارهای خروجی سایت بوتیا. در سایت کارخانه فرآوری پادانا نیز جابه‌جایی بارهای ورودی از معادن شهرستان زرنند و کوهبنان، استان یزد و خراسان جنوبی. انتقال بار تولیدی به سایت فولاد زرنند. انتقال محموله باطله به دپو در داخل سایت مشغول به کار هستیم.

در سال جدید نیز فعالیت در کارخانه بابک مس تامین ماشین آلات داخلی و آفتاب درخشان نیز آغاز می‌شود.

● آیا خارج از سایت میدکو هم فعالیت دارید؟

بله. در خارج از سایت میدکو دو نوع کارفرما داریم:

۱. خریداران یا تاجران که با سایت‌های میدکو در معامله هستند و با این شرکت قرارداد منعقد کرده‌اند مانند حمل بار ریلی از جلفا به زرنند ارسال بار از سیرجان و کرمان به فولاد غدیر نی ریز، ارسال بار از سیرجان و بردسیر به شهرستان بافت، ارسال بار خریداران سایت‌های میدکو به بندرعباس، اردکان و...

حمل کلوخه از معدن جلال آباد. انتقال آب از چاه‌های واقع در شهرستان زرنند و حومه به سایت یا کارخانه کنسنتانتره جلال آباد. تامین بخشی از ماشین‌آلات داخلی سایت کک سازی و کنسنتانتره از جمله بارگیری فروش، تسطیح دپو دانه بندی و کلوخه، بارگیری کنسنتانتره ارسالی بوتیا، جابه‌جایی کک در کک سازی و انتقال به فولادسازی و... . جابه‌جایی محمولات دانه بندی سنگ آهن و گندله از کارخانه جلال آباد به کک‌سازی و فولادسازی زرنند. ارسال کنسنتانتره زغال سنگ از کارخانه فرآوران، معدن همکار، پل سفید و بندر امیرآباد، استان مازندران، بندرعباس و معادن زغال پرورده طبس به کک سازی به صورت جاده‌ای و ریلی (ترکیبی). جابه‌جایی زغال ممرادکو و فرآوری طبس به سکوی ریلی. جابه‌جایی زغال فرآوری طبس - انتقال کنسنتانتره از فکور صنعت به کارخانه جلال آباد. حمل کنسنتانتره ذغال و دانه‌بندی سنگ آهن از ایستگاه جلال آباد کارخانه کک‌سازی و... می‌باشد. در حوزه فولاد بوتیا نیز تامین ماشین‌آلات داخلی سایت بوتیا. تامین مواد اولیه (کنسنتانتره) از سایت سیرجان به میزان روزانه ۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ تن. سایت

مواد اولیه ورودی سایت سیرجان و شارژ هاپر به تناژ سالانه ۵ میلیون تن. تامین بخشی از ماشین‌آلات داخلی و تامین و انتقال آب به صورت جاده‌ای از چاه‌های واقع در سیرجان و حومه. ارسال روزانه ۲ تا بیش از ۵ هزار تن گندله به سایت بردسیر، انتقال سایر مواد معدنی به کارخانه کنسنتانتره زرنند و کارخانه‌های منطقه گل‌گهر به سایت فولاد سیرجان و بالعکس به صورت مقطعی. جابه‌جایی درون‌سایتی محمولات به صورت مقطعی. حمل بارهای صادراتی حوزه سیرجان به بندرعباس، انتقال بنتونیت از کارخانه ممرادکو. در خاک‌برداری در پروژه‌های شرکت ماناساز واقع در معدن جلال آباد و طرح خاک برداری خط ریلی درب کارخانه فولادسازی و کک‌سازی زرنند. در کارخانه احیاء بردسیر: نوبت‌دهی و مدیریت حمل محموله شمش تولیدی سایت بردسیر به سراسر نقاط کشور. انتقال آهک از شهرستان سیرجان به سایت بردسیر. انتقال کک از کک‌سازی زرنند به سایت بردسیر و ترانسپورت سبک شرکت کارآوران در معدن ۴ سیرجان را به عهده داریم. بخشی از فعالیت‌ها در حوزه زرنند.



حوزه حمل و نقل به مجموعه میدکو ارائه کنیم.

● رمز موفقیت شرکت سمنگان ترابری ایرانیان را در این چند سال چه می دانید؟

مؤلفه‌های متعددی در موفقیت یک سازمان تاثیر دارد در شرکت سمنگان ترابری ایرانیان مهم‌ترین مؤلفه‌ها را می‌توان همدلی و هم‌راستایی کلیه حوزه‌ها، تلفیق افراد با تجربه با نیروی جوان، مدیریت پرداخت‌ها که به طور مستقیم توسط مدیر عامل صورت می‌گیرد، باعث گردید شرکت سمنگان ترابری ایرانیان را در منطقه یک شرکت مورد اعتماد و خوش حساب در بین کامیون داران معرفی نماید و ماحصل این اعتماد اجرای ۱۵۰ در صدی برنامه سالیانه عنوان کرد.

● به عنوان حسن ختام این گفت‌وگو اگر صحبتی مانده است بفرمایید.

از کلیه مدیران و پرسنل سایت‌ها و معادن میدکو، همکارانم در مجموعه سمنگان ترابری ایرانیان بلاخص در حوزه باربری، کارگاه یک واحد سیرجان، حوزه بردسیر، کرمان، زرنند، پابدانا، طبس، ستاد و پیمانکاران حوزه‌ی نقل متشکر و سالی پر از برکت و موفقیت برای این عزیزان آرزومندم.

دچار مشکل می‌شد.

● شما در بین صحبت‌های خود، از همکاری مدیرعامل یا حمایت وی گفتید. نظرتان در شیوۀ مدیریت ایشان چیست؟ ایشان با توجه به تجربه ۱۲ ساله مدیریت ایشان، در انتقال تجربه به بنده بسیار کمک کردند به‌طوری‌که ساعت‌ها جلسه‌های دو نفره با اعلام اشتباهات در پروژه‌ها و گفتن راه‌حل‌ها همیشه حامی بنده بودند و حتی با حضور در اجرا دلگرمی برای پرسنل اجرایی بوده‌اند.

● این شرکت در سالی که گذشت حمل و نقل ریلی را آغاز کرد. توضیحاتی پیرامون این مهم می‌دهید؟

بله، در بعضی از مسیرها به دلیل بعد مسافتی زیاد وضعیت جاده‌ها و محورهای مواصلاتی، نبود وسایل نقلیه مورد نیاز جهت تحقق نیاز مورد نظر کارفرما و عدم توجیه اقتصادی حمل در آبان‌ماه سال گذشته حمل ریلی استارت خورد و خوشبختانه موفقیت‌آمیز بود که امیدواریم با توجه به برنامه‌های پیش رو در جهت نیل به اهداف پیش رو و همچنین توسعه خط ریلی در استان کرمان و سایت‌های میدکو بتوانیم با تملک تعدادی واگن خدمت دیگری در

مدیریت ارسال بار از بردسیر به سرار کشور از جمله بناب، بندرعباس، میانه، ساری، بافق، ابرکوه و...

۲. با کارفرما خارج از مجموعه میدکو مانند محل آهن اسفنجی از توسعه گل‌گهر به جهان فولاد و حمل ریزدانه خط ۵ و ۶ به منطقه ویژه سیرجان و... نیز قرار داد منعقد کردیم.

● در مدت فعالیت خود از خاطرات تلخ و شیرین این حوزه بگویید؟

برای هر شخص در حوزه فعالیت خود خاطرات تلخ و شیرین زیادی وجود دارد اما شیرین‌ترین خاطره من در دوران کاریام سایه لطف خدا بوده است که تا امروز هیچ‌گونه حادثه جانی نداشته‌ایم.

● از دشواری کار خودتان با ما بیشتر بگویید.

با توجه به گستردگی حوزه فعالیت شرکت سمنگان در استان کرمان و استان‌های همجوار مدیریت و نظارت بر حوزه‌های کاری بسیار دشوار است که بعضی از ماه‌های سال بیش از دو هفته در مأموریت هستم. هماهنگی و مدیریت ۱۴۰ پیمانکار با سلاقی متفاوت از استان‌های مختلف کشور و پاسخ‌گویی به تقریباً ۳۰ کارفرما بسیار دشوار است که الحق و انصاف اگر مشاوره مدیرعامل محترم و حمایت‌های وی نبود، این حوزه کاری













گفت‌وگو با ساره همتی، کارشناس سرمایه انسانی و اداری

سختی کار هیچ گاه مرا نمی‌ترساند



گرفتید که در یک شرکت مدیریت حمل و نقل مشغول به کار شوید؟ قدری از ماجرای آشنایی خود با شرکت سمنگان ترابری ایرانیان برایشان بگویید.

با توجه به اینکه تدریس همواره از نظر من بهترین شغل بوده است، اما شرایط کار و زندگی من به شکلی پیش رفت که مجبور به ترک آن شغل شدم. پس از آن، در اداره کار سیرجان به عنوان نیروی داوطلب مشغول به کار شدم که متأسفانه نتوانستم روحیاتم را با آن محیط اداری هماهنگ کنم؛ به همین علت زمانی که شرایط کاری موجود در شرکت سمنگان را دیدم، محیط صمیمانه‌ی موجود در بخش سرمایه انسانی، مرا ترغیب کرد تا در این شرکت مشغول به کار شوم.

ترابری ایرانیان برای گفتن از احساسات خود در محیط کاری مردانه ترتیب داده شده است، می‌گوید: با وجود این که شغل مدرسی را بهترین شغل می‌دانم اما ساعات‌های زیاد کار در امورات شرکتی و سختی‌های موجود، نتوانسته لذت کار کردن را از او بگیرد و هنوز هم اگر بین کار کردن در شرکت سمنگان و چند فرصت شغلی دیگر حق انتخاب داشت، باز هم شرکت سمنگان و بخش سرمایه انسانی را برای زندگی خود انتخاب می‌کرد. این گفت‌وگوی کوتاه صمیمانه را در ادامه می‌خوانید.

● **خانم همتی، چه اتفاقی افتاد که پس از تدریس زبان انگلیسی در آموزشگاه زبان ایلینا، زمانی تصمیم**

پس از فارغ‌التحصیلی از رشته‌ی زبان انگلیسی در دانشگاه آزاد، ۲۴ سال سن داشت که در آموزشگاه زبان ایلینا در سیرجان به عنوان معاون آموزشی مشغول به کار شد و به مدت هفت سال در آن موسسه به تدریس زبان انگلیسی پرداخت. یک سال پس از تدریس زبان انگلیسی، در اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی سیرجان به عنوان کارشناس اشتغال مشغول به کار شد که مدت فعالیت او در این شغل پس از ۲ سال به پایان رسید؛ تا این که یک ماه بعد وارد شرکت سمنگان ترابری ایرانیان شد و از آن زمان تا کنون به عنوان کارشناس سرمایه انسانی و اداری فعالیت دارد. ساره همتی که اکنون ۳۵ سال سن دارد، در گفت‌وگوی حاضر که در ادامه‌ی گپ‌وگفت‌هایی که با بانوان شرکت سمنگان



با آن روبه‌رو شدید؟ به نظر شما چطور می‌توان کار در ادارات را در چنین فضایی با حفظ سلامت روانی و جسمی کارکنان کنترل کرد؟

شیوع کرونا منبع اضطراب و استرس برای همه‌ی جهان بود و من هم از آن مستثنا نبودم. ولی بر این باور بودم و هستم که بهترین راه مقابله با ترس، رویارویی با آن است. بنابراین با رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی در سرکار حاضر شدم و به گمانم بهترین راه برای جلوگیری از این بیماری و کار کردن همزمان، رعایت موارد مطروحه از سوی سازمان بهداشت جهانی و وزارت بهداشت است، تا هم از افسردگی و استرس زیاد در منزل رهایی پیدا کنیم و هم اینکه به سلامت جسمی خود در سرکار لطمه‌ای وارد نکنیم.

● به لحاظ شخصی، سخت‌ترین

قسمت کارتان را مربوط به چه

امور، یا اموراتی می‌دانید؟

از نظر من سخت‌ترین کار در بخش سرمایه‌انسانی، راضی نگه داشتن تمامی پرسنل با عقاید و سلاقی مختلف است.

روحیه‌ی کار جمعی با من بود و به همین جهت اصلاً از این بابت نگرانی نداشتم و پذیرش محیط برایم آسان بود. با توجه به محیط خوب و صمیمانه‌ی موجود در شرکت، بله، قطعاً اگر انتخاب‌های دیگری داشتم باز هم سمنگان را انتخاب می‌کردم.

● خانوادگی شما با شغل شما

مشکلی نداشتند؟ تا به حال شده

کسی به شما گفته باشد چه

لزومی دارد که کار به این سختی را

انتخاب کنید؟

خوشبختانه خانوادهم به نظر و تصمیم من احترام می‌گذارند و با کار کردن من مشکلی ندارند. اما بارها در خانواده و در جمع دوستان این مسأله مطرح شده است که ساعت کار من بسیار زیاد است، اما به هرحال خود من از کار کردن لذت می‌برم و مشکلی با سختی کار ندارم.

● در زمان شیوع ویروس کرونا که

اکنون یک سال از آن می‌گذرد،

برای کار در محیط شرکت اضطراب

و استرسی داشتید؟ اگر بله، چگونه

● نخستین روزی که وارد شرکت

سمنگان ترابر ایرانیان شدید، چه

احساسی همراه شما بود؟

اولین حضور من در این شرکت مربوط به انجام مصاحبه‌ی اولیه بود که احساس اضطراب و ترس زیادی را در من ایجاد کرد. اما همیشه دیدگاه اولیه نمی‌تواند واقعی و درست باشد، که خوشبختانه در مورد من و شرکت سمنگان هم همین اتفاق افتاد.

● بسیاری بر این عقیده هستند

که اشتغال بانوان در شرکت‌هایی

که بیشتر اموراتشان فنی است،

یک امتیاز است. خود شما زمانی

که می‌خواستید در این شرکت

مشغول به کار شوید، به لحاظ

روحی برای کار در محیط مردانه چه

احساسی داشتید؟ اگر زمانی که به

این شرکت وارد شدید یک انتخاب

شغلی دیگر نیز پیش روی خود

داشتید، همچنان شرکت سمنگان را

انتخاب می‌کردید؟

به دلیل سابقه‌ی کاری که در محیط‌های

شغلی زیادی داشتم، خوشبختانه همواره

خبرهای خوب

کرده بودند و به تصمیم و رای هیات داوران در جشنواره راه یافته بودند به رسم یادگار تندیس جشنواره و لوح تقدیر اهدا شد.

با اعلام نتایج هیات داوران؛

جوایز جشنواره بزرگ ادبی و هنری شرکت سمنگان ترابر ایرانیان اهداء شد



عمومی شرکت سمنگان ترابر ایرانیان، در بخش نقاشی این جشنواره آقای مانی آزادیخواه موفق به کسب مقام اول؛ آقای علی خواجه‌پوری موفق به کسب مقام دوم؛ و آقایان: شایان خلیفه و دانیال اسدی مشترکاً موفق به کسب مقام سوم شدند. در بخش مقاله‌نویسی جشنواره، خانم ندا ابراهیمی به عنوان برگزیده این بخش معرفی شد. در بخش شعر جشنواره، خانم آمنه زمانی مقام اول؛ خانم محدثه خضری‌پور مقام دوم؛ و آقای محسن آباده مقام سوم را به دست آوردند. در بخش داستان‌نویسی جشنواره، سرکار خانم میترا عباسلو مقام دوم را کسب کردند؛ و در بخش فیلم کوتاه آقای سعید ملک‌محمدی موفق به کسب مقام اول شدند. به تمامی عزیزانی که در جشنواره شرکت

جشنواره بزرگ ادبی و هنری شرکت سمنگان ترابر ایرانیان، برگزیدگان خود را در بخش فیلم کوتاه، عکس و نقاشی، داستان، شعر، خاطره، دلنویسه و دکلمه معرفی کرد. این جشنواره که از یازدهم تا بیست و ششم آذرماه، به مناسبت روز حمل و نقل بر مبنای موضوع «خانواده‌ی بزرگ سمنگان ترابر ایرانیان» برگزار شده بود، آثار برتر متعلق به شرکت‌کنندگان (افراد خانواده شرکت سمنگان ترابر ایرانیان) را که با تکیه بر مفاهیم: خانواده حامی پرسنل، رفاقت‌های ایجاد شده، نماز و ایثار، جبهه‌های کاری، محیط زیست و اکوسیستم، حمل و نقل معدنی، ریلی، جاده‌ای و سبک و ایمنی در حمل و نقل و راه‌ها خلق شده بودند، شایسته‌ی تقدیر دانست. به گزارش روابط



شعر

آمنه زمانی

راز وجودش ناپیداست
بارها پشت هر بار
از معدن می شوند بیرون
راه این است
کوشیدن
کار تو این است
کوشیدن، دل بستن به زیبایی

پولاد شدن از خاک
درک هر لحظه
کار تو پیکار
با این ظلم نا پایدار
تحریم پشت تحریم
کار تو پیکار
به شدن از پیش
شیرین کردن کام
فردای ایرانی هاست

در گذر گاه
آیا کسی از کار سیر خواهد شد؟
آیا کسی در کار پیر خواهد شد؟
قدر یک معدن از آهن، اگر غم داری
سر یک سوزن، اگر شادی
پاس دار شادی باش
قعر معدن، غم راه، دفن کن
معدن آهن، یک روز
شادی تو را می زاد.
شاید دگر روزی باز
غمّت را پژمرد و پرپر کرد.
خاکت را به دست باد صحرا داد.
دنیا گذر گاهی است
آغاز و پایانی است
صد سال اگر فرسای
یک قرن راه پیمایی

تقدیر و تشکر از پرسنل به مناسبت فرا رسیدن ۲۶ آذر روز ملی حمل و نقل



عصر ۲۶ آذر ۱۳۹۹ جلسه ای با حضور مدیر عامل شرکت به مناسبت روز حمل و نقل در ستاد مرکزی شرکت سمنگان ترابز ایرانیان برگزار گردید. در این جلسه مدیر عامل ضمن تقدیر و تشکر از پرسنل، فرا رسیدن ۲۶ آذر روز ملی حمل و نقل را به تمامی روشهای بخش های مختلف، پرسنل و نیروهای عملیاتی مستقر در معادن، کارگاه ها و باربری های شرکت که نقش بسزایی در ارائه خدمات و رساندن محموله ها داشته اند تبریک عرض نمودند. ایشان در ادامه جلسه فرمودند: امید است که در سال مالی جدید با همدلی و همکاری بیش از گذشته و با بهره گیری حداکثری از ظرفیتهای نهفته در بخش حمل و نقل، کارنامه درخشانی را برای خدمات رسانی در امر تولید بتوان ارائه نمود و باعث توسعه و پیشرفت کشور شد. در پایان جلسه به دستور مدیر عامل و همت بخش سرمایه انسانی به تمامی پرسنل یک عدد دستگاه نمایشگر میزان اشباع اکسیژن و ضربان سنج اعطاء گردید.



به مناسبت روز زن و تکریم جایگاه بانوان شاغل شرکت سمنگان ترابر ایرانیان برگزار شد



عصر روز چهارشنبه، ۱۵ بهمن‌ماه، جلسه‌ای با حضور مدیر عامل شرکت سمنگان ترابر ایرانیان و بانوان شاغل در واحدهای سرمایه انسانی، مالی، قراردادها، روابط عمومی و خدمات، به منظور تجلیل از بانوان شرکت برگزار شد.

در این جلسه، مدیر عامل ضمن بیان تبریک روز فرخنده ولادت اسوه اخلاق حضرت فاطمه زهرا (س) به‌عنوان روز زن و روز مادر، از بانوان شاغل در شرکت به عنوان بازوان قدرت برای حرکت و پیشرفت یاد کرد و گفت: بانوان شاغل در شرکت سمنگان ایرانیان، همگی نمونه‌هایی کامل از اخلاق و شخصیت والا هستند که همواره با روحیه همکاری، همدلی و یاری‌رسانی، موجب پیشبرد اهداف توسعه و پیشرفت شرکت بوده‌اند.

ایشان در ادامه سخنان خود، نقش بانوان شرکت در تقویت ارتباط و افزایش همدلی بین تمام اعضای خانواده بزرگ شرکت

منابع انرژی شرکت، دقت در امورات مختلف تشکیلاتی، و تلاش برای ایجاد فضاهای زیبای کاری، خشونت موجود در متن صنعت حمل و نقل را تلطیف، و به ایجاد فضایی خلاق‌تر کمک کنند. در پایان این جلسه، مدیر عامل به تمامی بانوان حاضر یک کارت هدیه، به اضافه مبلغ ۱ میلیون تومان اعطاء کردند.

سمنگان ترابر ایرانیان را نقشی موثر و تعیین‌کننده دانست و تاکید کرد: لازم است که بانوان شرکت سمنگان ترابر ایرانیان با ارائه نظرات و پیشنهادات و احیاناً کمبودها و مشکلاتی که در بخش‌های مختلف سازمانی احساس می‌کنند، باعث تقویت سطح پویایی و سلامت کار شوند و با در نظر داشتن ملاحظات بیشتر در جهت صرفه‌جویی در

حمل و نقل ریلی شرکت سمنگان ترابر ایرانیان استارت خورد



به نقل از مدیر عامل شرکت سمنگان ترابر ایرانیان، ناصر ابراهیمی با توجه به اینکه محمولات میدکو در استان کرمان رشد زیادی داشته است و ماهیت شرکت سمنگان ترابر ایرانیان در مدیریت حمل و نقل این محمولات است.

همچنین به دلیل کمبود کامیون در حمل و نقل جاده ای در بعضی از نقاط و با توجه به امر تولید و تامین مواد اولیه تصمیم گرفته شد بخشی از ارسال این محمولات توسط حمل و نقل ریلی صورت بگیرد وی با بیان اینکه وزن این محموله ی کنستانتره زغال سنگ، دو هزار چهار صد و پنجاه تن در غالب چهل و چهار واگن بوده است. که در تاریخ ۹۹/۸/۱۱ ساعت ۲۰:۳۰ از ایستگاه کال زرد طبس بار گیری و در تاریخ ۹۹/۸/۱۲ ساعت ۲۲:۳۰ در ایستگاه جلال آباد شروع به تخلیه شد، ایشان افزود: حفظ کیفیت محموله به دلیل حذف تخلیه و بارگیری مکرر و توقف در دیپو، کوتاه شدن زمان حمل این کالاهای استراتژیک و کاهش

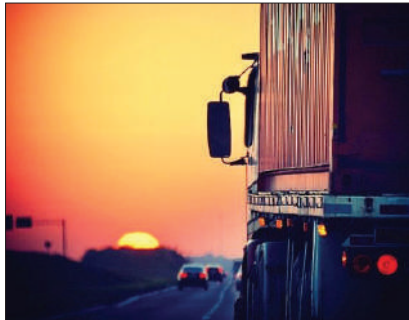
بهره وری شبکه و ناوگان راه آهن کشور، به طور کلی افزایش سهم حمل ریلی کشور، از دیگر مزیت های حمل مستقیم محمولات با قطار است.

تلفات و سوانح جاده ای را از جمله مهمترین مزایای روش حمل و نقل ریلی برشمرد. وی ادامه داد: صرفه جویی در مصرف سوخت، کمک به حفظ محیط زیست، ارتقاء





ایمنی حمل و نقل، عاملی مهم در توسعه اقتصاد ملی



او موثر هستند. از این رو لازم است تا فرهنگ ایمنی در جامعه شکل بگیرد و تا زمانی که در سیستم حمل و نقل و رانندگی در جامعه به جای فرهنگ تعامل، فرهنگ تقابل حاکم باشد، نمی‌توان انتظار داشت که ایمنی نیز رعایت شود.

● سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای کننده فرهنگ ایمنی در حمل و نقل

اعمال قانون و جریمه‌ها در ایجاد ایمنی حمل و نقل جاده‌ای بی‌اثر نیست. اما برابر آن چیزی که به جریمه‌ها افزوده می‌شود، نمی‌تواند تصادف‌های جاده‌ای را کاهش دهد در صورتی که اگر دولت می‌خواهد این مشکل را به صورت اساسی و ریشه‌ای حل کند باید مردم را وارد این مقوله کند؛ یعنی امنیت را در جامعه به عنوان میحی اساسی مطرح سازد تا خود مردم به آن توجه کنند و بدانند ایجاد فرهنگ ایمنی، نیاز به عزمی ملی دارد. همچنین سازمان‌های مردم‌نهاد در ایجاد این فرهنگ نقش مهم و تأثیرگذاری دارند؛ یعنی باید به این نهادها اجازه داد تا در حوزه ایمنی فعالیت کنند تا افکار عمومی در جامعه به ایمنی به عنوان یک موضوع مهم و تأثیرگذار در حمل و نقل توجه داشته باشد. در این صورت می‌توان انتظار داشت که این مسأله به خودی خود در جامعه نهادینه شود. در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی به سبب اینکه مردم بیشتر از حاکمیت به ایمنی توجه می‌کنند توانسته‌اند آمار تصادف‌های جاده‌ای را به میزان بالایی کاهش دهند.

توجه به اهمیت این موضوع، شورای انقلاب فرهنگی، هفتم اردیبهشت را «روز ایمنی حمل و نقل» نام‌گذاری کرد و این روز از سال ۱۳۹۵ خورشیدی در تقویم رسمی کشور به ثبت رسید.

شبکه و ساختارهای ایمنی حمل و نقل در ایران از جایگاه بالایی برخوردار است؛ یعنی از جاده‌ها و دیگر امکانات حمل و نقل به خوبی نگهداری می‌شود و در وضعیت مناسبی قرار دارد؛ اما عامل انسانی نتوانسته است وظیفه خود را در حمل و نقل به خوبی ایفا کند؛ یعنی آنچه که در جاده‌ها و خیابان‌ها به عنوان رفتار فرهنگی مشاهده می‌شود، با متوسط شاخص‌های توسعه انسانی در کشور برابر و هماهنگ نیست؛ زیرا ایران به لحاظ شاخص‌های توسعه انسانی در شرایط مطلوبی به سر می‌برد. بنابراین مهم‌ترین عامل را باید عامل انسانی دانست که می‌تواند در تمام جنبه‌های حمل و نقل، از هزینه تا امنیت تأثیرگذار باشد.

● انسان؛ مهمترین عامل ایجاد ایمنی در حمل و نقل

حمل و نقل ایران در حوزه‌های مختلف بر عهده وزارت راه و شهرسازی قرار دارد اما موضوع ایمنی در آن به صورت کامل اجتماعی است؛ یعنی اینکه بخشی از لوازم ایمنی در حوزه سخت‌افزاری به وزارت راه و شهرسازی مربوط می‌شود. برای نمونه، این وزارتخانه باید مقوله جاده‌سازی را بر پایه معیارهای فنی و مهندسی شده انجام دهد زیرا جاده عنصر ایمنی در حمل و نقل است. همچنین صنعت خودروسازی باید برای ساخت خودرو از استانداردهای جهانی در ساخت و ساز استفاده کند اما مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عامل در ایمنی حمل و نقل عامل انسانی محسوب می‌شود که اثر آن بیش از ۷۰ درصد است. دستگاه‌های مختلف نیز در ایمنی حمل و نقل اثرگذار هستند، زیرا انسان به عنوان مهم‌ترین عامل ایمنی در جامعه‌ای زندگی می‌کند که تمام دستگاه‌ها در فرهنگ‌پذیری

■ مبحث ایمنی، از عوامل مهم و تأثیرگذار در توسعه صنعت حمل و نقل است که از یک سو، اطمینان شبکه حمل و نقلی کشور را بالا می‌برد، و از طرفی دیگر باعث توسعه اقتصاد ملی می‌شود. در این میان، عامل انسانی به عنوان مهمترین مقوله در ایجاد این توسعه نقش دارد و به همین جهت، ایمنی حمل و نقل نیازمند عزمی ملی و نهادینه شدن فرهنگ آن در جامعه است.

حمل و نقل از جمله بخش‌های زیربنایی اقتصاد به شمار می‌رود که فرآیند توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پایه مبادله‌های بازرگانی و کلید توسعه اقتصادی و اجتماعی است. از این رو بخش حمل و نقل را باید یکی از مؤلفه‌های اصلی در تشخیص جوامع رشدیافته دانست.

صنعت حمل و نقل در ایران نیز در دوره‌های مختلف با فراز و فرودهایی همراه بوده است و هدف اصلی آن، تلاش برای رسیدن به جایگاهی مطلوب است. با توجه به موقعیت راهبردی کشور در منطقه، ایجاد نظام حمل و نقل کارآمد اهمیت ویژه‌ای دارد که برای رسیدن به این جایگاه ضروری است که به مبحث امنیت در این صنعت توجه ویژه‌ای داشته باشیم.

رشد جمعیت، اشتغال و استقرار فعالیت‌های اقتصادی، خدمات، و تسهیلات در نواحی مختلف باعث افزایش تقاضای جابه‌جایی می‌شود که کشورمان با توسعه زیرساخت‌های فیزیکی در دهه‌های اخیر، و کاربرد آنها در مدیریت حمل و نقل، توانسته است ایمنی در این حوزه را تضمین کند. باید دانست سرمایه‌گذاری در ابزارهای امنیتی مناسب می‌تواند به‌صورت بالقوه منافع اقتصادی را به همراه آورد که به همین جهت، امنیت را باید یکی از تقاضاهای مشتریان دانست. حفاظت از شبکه حمل و نقل به صورت پاک و سالم و با رویکرد پیشگیرانه در جهت کاهش جرم، این اطمینان را به جامعه می‌دهد که این فضا به خوبی مدیریت شده و تحت نظارت و مراقبت است. از این رو ایمنی و امنیت را باید از ویژگی‌های بدیهی تمام شیوه‌های خدمات حمل و نقل عنوان کرد. با





گفت‌وگو با محمدمهدی صادقی، رئیس امور مالی

واحد امور مالی قلب تپنده شرکت است



محمدمهدی صادقی، متولد ۱۳۶۲/۹/۱۱ در شهر سیرجان. در سال ۱۳۷۷ در هنرستان شهید چمران سیرجان مشغول به تحصیل رشته حسابداری شد و پس از اخذ مدرک کاردانی حسابداری و اتمام دوره خدمت سربازی، در سال ۱۳۸۵ وارد دانشگاه شد و در مقطع کارشناسی حسابداری ادامه تحصیل داد و اکنون در شرکت سمنگان ترابر ایرانیان مسئولیت ریاست امور مالی را بر عهده دارد. گفت‌وگو با او را در ادامه می‌خوانید...

● آقای صادقی، به نظر شما برای موفقیت در شغل حسابداری، افراد متخصص این حوزه باید دارای چه روحیاتی باشند تا بتوانند به راحتی از عهده انجام آن برآیند؟

هر فردی که وارد این رشته می‌شود، باید روحیه‌ی بالایی در جهت همکاری جمعی داشته باشد و به لحاظ شغلی، باید فعال و کوشا باشد.

● شما به عنوان رئیس امور مالی شرکت سمنگان ترابر ایرانیان، بزرگ‌ترین مشکلی که این واحد با آن مواجه شد را در چه مسائلی دیدید و چگونه آن را برطرف کردید؟

قبلاً بزرگ‌ترین مشکل این واحد نبودن یک تیم و گروه منسجم در واحد مالی بود که من در دوران مسئولیت‌ام، با تفویض اختیار بین همکاران حوزه‌ی مالی، سعی کردم در جهت افزایش انگیزه‌ی همکاران کمک کنم تا بهتر و پرشور تر از قبل به فعالیت بپردازند.

واحد مالی برای بالا بردن سطح پیشرفت شرکت سمنگان ترابر ایرانیان، چه تکنیک‌هایی را می‌تواند برای ارتقاء سطح تحلیل‌های اطلاعات مالی به کار بگیرد؟

واحد مالی شرکت برای پرسنل، کلاس‌های آموزشی در زمینه‌ی آموزش اطلاعات مالی و مالیاتی در نظر گرفته است که این امر باعث می‌شود با ارتقاء و افزایش سطح اطلاعات این واحد ارائه‌ی خدمات مالی از نظر کیفی بهبود یابد.

● لطفاً در مورد مالیات بر حقوقی که روی فیش حقوقی کارمندان درج می‌شود توضیح بدهید.

این ترتیب حداقل ماهیانه سه میلیون و پانصد هزار تومان اعلام کرده است.

● آقای صادقی، با توجه به اینکه واحد مالی باید تمام توجه خود را بر جزئیات امور مربوط به این حوزه بگذارد، به نظر شما رمز موفقیت واحد حسابداری در ارائه‌ی گزارش‌های سروقت و با کیفیت در چیست؟

واحد مالی زمانی می‌تواند گزارش‌های مالی خود را سر وقت و به طور صحیح اعلام کند که با دیگر واحدها تعامل داشته باشد. به طور مثال این واحد برای ارائه‌ی گزارش مالی هر کدام از پیمانکاران واحد مالی باید با واحد امور قراردادهای واحد حمل و نقل ارتباط داشته باشد. چراکه این واحدها هستند که شیرازه‌ی کار را جهت تهیه صورت کامل برای واحد مالی فراهم می‌کنند.

● به نظر شما سخت‌ترین قسمت کار در واحد حسابداری چیست؟

نمی‌توان گفت که در واحد مالی دقیقاً چه کاری سخت است، اما می‌توان گفت کارکنان این حوزه باید از دقت بسیار بالایی برخوردار باشند چراکه واحد مالی هر شرکت قلب تپنده‌ی آن است که یک اشتباه یا یک کم‌دقتی جزئی نیز می‌تواند عواقب بسیار سختی برای شرکت به بار بیاورد.

مطابق بخشنامه کمیسیون تلفیق بودجه سال ۱۴۰۰ برای مالیات بر درآمد کارکنان دولتی و غیردولتی به شرح زیر است:

- حقوق افراد تا ۴ میلیون تومان معاف از مالیات - درآمد ماهیانه از ۴ میلیون تا ۸ میلیون تومان مشمول ۱۰ درصد مازاد بر ۴ میلیون تومان تا ۸ میلیون تومان مالیات می‌شوند.

- درآمد ماهیانه از ۸ میلیون تا ۱۲ میلیون تومان مشمول ۴۰۰ هزار تومان + ۱۵ درصد مازاد بر ۸ میلیون تومان تا ۱۲ میلیون تومان مالیات است. - درآمد ماهیانه از ۱۲ میلیون تا ۱۸ میلیون تومان مشمول ۱ میلیون تومان + ۲۰ درصد مازاد بر ۱۲ میلیون تومان تا ۱۸ میلیون تومان مالیات، - درآمد ماهیانه از ۱۸ تا ۲۴ میلیون تومان مشمول ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان + ۲۵ درصد مازاد بر ۱۸ میلیون تومان تا ۲۴ میلیون تومان مالیات،

- درآمد ۲۴ تا ۳۲ میلیون تومان مشمول ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان + ۳۰ درصد مازاد بر ۳۲ میلیون تا ۳۲ میلیون تومان مالیات، - و درآمد بالای ۳۲ میلیون مشمول ۶ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان + ۳۵ درصد مازاد بر ۳۲ میلیون تومان خواهد بود.

- همچنین کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ با تصویب دولت میزان حداقل حقوق گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر را با ۲۵ درصد افزایش





گفت‌وگو با محدثه خضری‌پور، متصدی ثبت و کنترل بارنامه

شعر و ادبیات روح مرا تازه می‌کند



شرکت شناخته‌شده است. آیا هیچ‌گاه شده است که برای حفظ روحیه در محیط شغلی‌تان و احیاناً خستگی‌های روزانه، این خصوصیت روحی‌تان را عاملی مثبت برای پیشبرد کارهایتان بدانید؟

من به‌صورت شخصی، علاقه‌ی بسیار زیادی به مطالعه، خصوصاً به مطالعات در زمینه شعر دارم و از آنجا که بیشتر زمان زندگی من در محیط کار می‌گذرد، معمولاً سعی می‌کنم آخر هفته‌ها حتماً وقت جداگانه‌ای برای رسیدگی به علایق خودم بگذارم. گاهی نیز برای رهایی از افکار استرس‌زا و مشغولیت‌های ذهنی روزانه، حتماً سعی می‌کنم در پایان روز به مطالعات خود برسم. درحقیقت، شعر روح من را تازه می‌کند و خواندن شعر

● خانم خضری‌پور، آشنایی شما با شرکت سمنگان ترابر ایرانیان از کجا برای‌تان آغاز شد؟

من پس از اخذ مدرک کارشناسی اقتصاد بازرگانی و کارشناسی ارشد مدیریت مالی، سال‌ها به صورت آزاد دفتر بیمه داشتم و در دفتر بیمه کار می‌کردم. اما پس از آنکه مادر شدم به علت مشغله‌های مادرانه، به مدت چهار سال دست از کار کشیدم اما در همین مدت هم از آنجا که علاقه‌ی زیادی به کار بیرون از خانه داشتم، همیشه در جست‌وجوی شغلی متناسب با شرایط زندگی خودم بودم؛ تا اینکه خدا خواست و خوشبختانه توانستم اوایل سال ۹۹ در شرکت سمنگان ترابر ایرانیان مشغول به کار شوم.

● طبع ادبی شما بین همکاران

محدثه خضری‌پور، متولد ۱۳۶۲، دارای مدرک کارشناسی اقتصاد بازرگانی و کارشناسی ارشد مدیریت مالی، پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه (سال ۹۰) به مدت دو سال در سازمان سهام عدالت، و پس از آن به مدت پنج سال در قسمت مدیریت دفتر بیمه مشغول به کار شد. پس از مادر شدن به مدت چهار سال دست از کار کشید تا اینکه سرانجام اوایل سال ۹۹ به شرکت سمنگان ترابر ایرانیان آمد و از آن زمان تا کنون به عنوان متصدی ثبت و کنترل بارنامه در این شرکت مشغول به کار است. او همچنین در زمینه‌ی ادبیات و شعر نیز فعالیت حرفه‌ای دارد و به گفته‌ی خود از سال ۷۵ به صورت جدی این مسیر را دنبال می‌کند. طبع شاعرانه او چندین سال در جشنواره سراسری شعر رضوی برای رتبه‌های زیادی را به ارمغان آورده است. گفت‌وگو با او را در ادامه می‌خوانید.



انگیزه‌ی مرا برای حرکت و ادامه‌ی کار بیشتر می‌کند.

● خانم خضری، بسیاری بر این عقیده هستند که اشتغال بانوان در شرکت‌هایی که بیشتر مربوط به امورات فنی است، یک امتیاز است. خود شما زمانی که می‌خواستید در این شرکت مشغول به کار شوید به لحاظ روحی برای کار در محیط مردانه چه احساسی داشتید؟ اگر زمانی که به این شرکت وارد شدید یک انتخاب شغلی دیگر نیز پیش روی خود داشتید، همچنان شرکت سمنگان را انتخاب می‌کردید؟

خود من به صورت کلی از همان زمان نوجوانی، همواره در محیط‌هایی که حضور آقایان نسبت به بانوان بیشتر بود است، بیشتر کار کرده‌ام. قسمت اعظم کار من در کانون‌های هنری و NGOها و فعالیت‌های اجتماعی و هنری فرهنگ می‌گذشت و چندان با اشتغال در چنین محیط‌هایی مشکلی نداشتم. اما در مورد اینکه چرا کار در این شرکت را پذیرفتم، می‌توانم بگویم روحیات و اخلاق ویژه‌ای که جناب سرهنگ ابراهیمی داشتند، مرا تا حد زیادی ترغیب کرد که در این شرکت مشغول به کار شوم.

● به لحاظ شخصی، سخت‌ترین قسمت کارتان را مربوط به چه امور، یا اموراتی می‌دانید؟

من معتقد هستم هرکاری سختی‌های خودش را دارد ولی کار ما در حوزه امور مالی به دقت بسیار زیادی نیاز دارد که البته معتقدم هرکاری دقت ویژه‌ای می‌طلبد.

● زمانی که از کار خسته می‌شوید، و یا اوقات فراغتی به دست می‌آورید، معمولاً با چه کارهایی وقت خود را می‌گذرانید؟

معمولاً سعی می‌کنم مطالعاتم را دنبال کنم و اگر زمان کوتاهی در محیط کار فارغ باشم با منزل تماس می‌گیرم و از اوضاع و احوال خانه مطلع می‌شوم.

● حال که در آستانه سال نو هستیم، اگر پیشنهادی برای بهبود امورات واحدی که در آن مشغول به فعالیت هستید بفرمایید.

سال گذشته تغییراتی در حوزه امور مالی داشتیم که باعث شد بین کارکنان روحیه دلسوزی برای کار و حرکت و تکاپو بیشتر شود و هرکس با شرح وظایفی که برای او تعیین شد بیشترین سعی خود را برای دقت بیشتر در امور به کار برد. برای تمام همکاران عزیزم سالی سرشار از عشق و آرامش آرزو دارم.

● زمانی که وارد این شرکت شدید، مادر بودید؟ آیا هیچ‌گاه به خاطر شرایط شغلی‌تان، در مدیریت منزل و فرزندان‌تان به چالشی برخوردیده‌اید؟

بله، آن زمان مادر دو فرزند بودم و می‌توانم بگویم به علت موقعیت مناسب شغل همسرم و همکاری دلسوزانه‌ی مادرم، خدا را شکر هرگز تا امروز به مشکلی برای مدیریت خانه و فرزندانم برخوردیده‌ام.

● در زمان شیوع کرونا که یک‌سال از آن می‌گذرد، برای کار در شرکت اضطراب و استرس داشتید؟ اگر بله، چگونه با آن روبه‌رو شدید؟ به نظر شما چطور می‌توان کار در ادارات را در چنین فضایی با حفظ سلامت روانی و جسمی کارکنان کنترل کرد؟

خود من به صورت کلی در مورد هیچ مسئله‌ای اضطراب و استرس ندارم و عقیده دارم که کار جهان بر روال خودش پیش می‌رود و این تنش‌هایی که به آدم وارد می‌شود به جز آسیب جسمی و روحی، هیچ چیز دیگری با خود ندارد. حقیقت این است که اگر هر کسی از خود مراقبت کند و دستورالعمل‌های بهداشتی را رعایت کند، باقی مسائل خودش حل می‌شود و باید بدانیم خداوند مراقب همه‌ی ما هست.

شعر

◀ محدثه خضری پور

از دل کوه می برد خانه، لقمه نانی که طعم ایمان است
کارمندان شرکتی که کنون، نام نیکوی آن سمنگانست
با تمام تلاش و کوشش و عشق، میکند سربلند ایران را
تا بهاران کند به همت خود، خانه های پر از زمستان را
هر جوانی که میرسد از راه، میشود جزئی از تمامیتش
همدلی رکن اصلی آنست، این هم از منتهای خاصیتش
حمل و نقل است کار شرکتمان، از دل جاده ها بیابان ها
کامیون یا قطار، فرقی نیست، اصل خدمت به نسل انسانها
سخت شاید شود کلوخه و سنگ، لقمه نانی به سفره ای روزی
آن زمان میرسد به اهدافش، آن زمان میرسد به پیروزی
لطف حق بوده شامل حالش، در تب اقتصاد و این بحران
آن چه می‌خواهد و توانسته ست، لطف حق بود و همت انسان













گفت‌گو با حمیده ابراهیمی، کارشناس دیسپاچینگ شرکت سمنگان ترابر ایرانیان

یادگیری قطعات ماشین آلات را از نوجوانی آغاز کردم



■ از زمانی که ۲۲ یا ۲۳ سال سن داشته است، وارد کار معدن سنگ آهن زرنند و کار با ماشین آلات سنگین شده است و حالا که در آستانه‌ی ۳۰ سالگی است، به مدت هشت ماه است که در شرکت سمنگان ترابر ایرانیان، کارشناس دیسپاچینگ است و به طور مستقیم با قلب تپنده‌ی شرکت ارتباط دارد. می‌گوید با این‌که از رشته‌ی کامپیوتر گرایش نرم‌افزار در مقطع لیسانس فارغ‌التحصیل شده است اما رشته‌ای که بسیار دوستش داشته است، رشته‌ی گرافیک بوده است و هنوز هم با علاقه کارهای مربوط به طراحی را در این رشته انجام می‌دهد؛ ولی دست سرنوشت خواسته است که حرفه‌ی خود را در امورات فنی مربوط به ماشین آلات دنبال کند. حمیده ابراهیمی، مادر

یک فرزند است که در شهرستان بم در کنار مادر بزرگاش زندگی می‌کند و مادر و پسر آخر هفته‌ها که شرکت تعطیل است به هم می‌رسند؛ او روزهای هفته را در کنار همسرش که به سیرجان نقل مکان کرده می‌گذرانند. بخش عظیمی از زندگی شخصی و حرفه‌ای او با کارهای سخت مردانه آمیخته شده است و آن‌چنان که خود می‌گوید، بر خلاف باور عمومی که حضور زنان در کارهای سخت و فنی و در محیط‌های کاملاً مردانه را کار پر چالشی می‌دانند اما برای او، کار مداوم در کنار آقایان همواره برای او راحت و بی‌دردسر بوده است. در این گفت‌وگو از او درباره‌ی سبک زندگی و حرفه‌ای خاص او پرسیده‌ایم. این گپ و گفت را در ادامه بخوانید.



برخورد نکردید؟ این سوال را از این بابت می‌پرسم که همیشه می‌گویند سازمان‌ها برای رشته‌های فنی بیشتر نیروهای مرد را استخدام می‌کنند.

به نظر من این تفکر اشتباه است، چرا که اصلاً و اساساً هرکس در هر ارگانی که بخواهد کار کند، هیچ‌گاه از او نمی‌پرسند که رشته‌ی شما چیست؟ بلکه به سوابق فرد نگاه می‌کنند. خود من هم روز اول که آمدم و با سرهنگ ابراهیمی سر مصاحبه حاضر شدم، اولین چیزی که از من پرسیدند، کارکرد من بود که خوشبختانه سرهنگ گفتند برای سمنگان به نیرویی مثل شما احتیاج داریم. می‌دانید، یادگیری قطعات ماشین‌آلات خیلی فرار هستند و باید حتماً قبلاً کار کرده باشید. قبلاً که در سنگ آهن زنند بودم همه چیز را به چشم می‌دیدم که در یادگیری‌ام موثر بود. خود من هم از کارهای طراحی بسیار خوشم می‌آید و رشته‌ای که خیلی دوستش دارم گرافیک است و هنوز هم اگر دوستان و آشنایانم از من طراحی گرافیکی بخواهند، با عشق و علاقه انجام می‌دهم. اما کار با ماشین‌آلات امری است که مرتب باید تکرار شود وگرنه نمی‌توان در آن تخصص کسب کرد.

● در طی این سال‌ها که زندگی مستقلی داشتید، چه زمانی که مجرد بودید و چه حالا که متأهل هستید، دوری از خانواده اذیت‌تان نمی‌کرد؟

طبیعتاً هرکس اگر در شهر خودش باشد، حالش بهتر است، اما بیشتر به خاطر فرزندم که از او دور هستم اذیت می‌شوم که اگر شرایطی پیش بیاید می‌روم و او را می‌بینم چون مادرم از پسرم مراقبت می‌کنند. اما خوشبختانه همسرم همین‌جا هستند و جالب است بدانید همسر من لر هستند و در مناطق لرستان در خانه ماندن زنان یک امر اثبات‌شده است و به هیچ‌عنوان در فرهنگ آنان اشتغال بانوان قابل هضم نیست. اما خوشبختانه همسرم و خانواده‌ی همسرم در این مسیر همواره کنار من بودند و اجازه ندادند سختی‌ای احساس کنم.

اکنون دارم با آن کار می‌کنم را از سال ۹۴ یاد گرفتم و دارم با آن ادامه می‌دهم.

● زمانی که در معدن مشغول به فعالیت بودید، انجام کارهای فنی در کنار مردان برایتان سخت نبود؟ مثلاً پیش می‌آمد که به خاطر جنسیت‌تان عده‌ای مخالف کار کردن شما باشند؟

در معدن سنگ آهن سرجمع سه خانم بیشتر نبود که محل کار من نیز با آنان فاصله داشت. می‌توانم بگویم بیشترین قسمت کار من در ارتباط با آقایان بود. بله، طبیعتاً من هم دو، سه هفته‌ی اول کارم مشکلاتی داشتم؛ همان‌طور که چنین مشکلاتی در همه‌جا وجود دارد. اما هرچه زمان گذشت، این مسأله هم عادی شد و آقایان هم‌کارم دقیقاً من را مثل خودشان به مثابه‌ی یک مرد می‌دیدند. خود من هم احساس ناراحتی نمی‌کردم و کار کردن در محیط‌هایی مثل آن معدن را دوست داشتم. الان هم که به شرکت سمنگان ترابری ایرانیان آمده‌ام به علت مزایای بهتر این شرکت نسبت به معدن است وگرنه شخصاً با کار کردن در محیط‌های مردانه مشکلی ندارم. می‌دانید، من در خانواده‌ی بزرگ شدم که شامل پنج دختر هستیم و برادر نداریم. اما روش تربیتی ما به گونه‌ای بود که هرکدام توانستیم گلیم خود را از آب بیرون بکشیم. خود من هم به شخصه چندان خصلت‌های دخترانه را دوست ندارم (می‌خندد). بیشتر کارهای پسرانه را دوست دارم تا جایی که از خدا هم یک پسر خواستم که خوشبختانه به من داد و اتفاقاً روحیاتش هم خیلی دارد شبیه خودم می‌شود. به همین جهت، خود من کار کردن با آقایان را هم بیشتر دوست دارم. به هر حال خانم‌ها هرچند هم که حرفه‌ای باشند، ولی به هر حال یک زمانی، یک جایی، یک ضعفی از خود نشان می‌دهند که یک جورهایی در کارشان خیلی زیبا نیستند (می‌خندد). بیشتر از لحاظ برخورد‌هایشان می‌گویم که ممکن است حاشیه درست کند و موجب تنش در کار شود.

● زمانی که می‌خواستید استخدام شوید، به مشکلی

● خانم ابراهیمی، قسمتی که شما در آن مشغول به فعالیت هستید، به عنوان قلب تپنده‌ی شرکت مدیریت حمل و نقل سمنگان ترابری ایرانیان شناخته می‌شود، از ارتباط هر روزی خود با این قسمت بگویید. چطور شد که مسئولیت یکی از امورات سخت و فنی این شرکت را پذیرفتید؟

شروع کار من از معدن سنگ آهن زنند شروع شد و در آنجا کار می‌کردم تا اینکه در سال ۹۶ ازدواج کردم و به کرمان آمدم. بعد از آن با تولد فرزندم به مدت دو سال از بیمه بیکاری‌ام استفاده کردم و پس از دو سال دوباره درخواست کار دادم تا اینکه خدا خواست و به شرکت سمنگان ترابری ایرانیان وارد شدم. در مورد این که چرا در کارهای فنی بیشتر تخصص دارم، می‌توانم بگویم خود من شخصاً به صورت کلی، کارها را خیلی سریع یاد می‌گیرم. اولین جایی که سرکار رفتم (شرکت تاریر معدن سنگ آهن زنند)، کارکرد من در عرض سه یا چهار روز مشخص شد. آنجا همکاری داشتم که چون مدرک او از من بالاتر بود، به او گفتند فعلاً به عنوان سرپرست واحد من باشد، اما او دست و پا شکسته فن مربوط به کار را به من یاد داد. ولی خود من به مدت سه، چهار روز توانستم خودم کار را یاد بگیرم و امورات مربوطه را جمع کنم. آن موقع تنها ۲۲، ۲۳ سال سن داشتم و خانه‌ی پدری‌ام در شهرستان بم بود و خودم در زنند تنها زندگی می‌کردم. همچنین می‌توانم بگویم یکی از دلایلی که توانستم در این حرفه دوام بیاورم، علاقه‌ی وافری است که به مباحث فنی و ماشین‌آلات دارم که بی‌ارتباط با شغل پدرم هم نیست. ایشان شغل آزاد داشتند و روی ماشین‌آلات سنگین کار می‌کردند و من از زمان بچگی با فن این کار دمخور بودم. جالب است بدانید که من زمانی که دبیرستان و راهنمایی بودم کنار پدرم لاستیک پنچرگیری می‌کردم! برای همین از بچگی با این کار بزرگ شده‌ام. البته کار کنونی من در شرکت سمنگان ترابری ایرانیان به هیچ‌عنوان ربطی به رشته‌ام ندارد، چون برای کار با ماشین‌آلات باید رشته‌ی فرد یا معدن باشد، یا مکانیک. خود من اما کار با نرم‌افزاری که





تصفیه روغن

● مراحل کار:

جدا کردن ناخالصی‌ها
جدا کردن آب و سوخت
جدا کردن هیدروکربن‌های سنگین
روشن‌سازی
تفکیک روغن پایه

● روش‌های بازیابی روغن سوخته

جهت بازیافت روغن کارکرده (سوخته) روش‌های مختلفی از جمله روش‌های تقطیر، هیدروژناسیون، اسیدی، قلیایی و... در دنیا وجود دارد.

سه روش عمده بازیافت روغن سوخته:
تصفیه با اسید موسوم به روش اسیدی
تصفیه با خاک رنگبر (روش خاک)
روش تقطیر کامل
دیگر روش‌ها:

تصفیه و بازیابی روغن سوخته به روش تقطیر

روش سنتی با استفاده از اسید سولفوریک و خام رنگبر

بازیابی روغن به روش ماتیس (MATSYS) بازیابی روغن به روش انسیتو نفت فرانسه (IFP): استفاده از پروپان همراه با تصفیه اسیدی، استفاده از پروپان و هیدروژن بازیابی روغن به روش اسنم پروجی Snam Progetti روش‌های جدید:

کینتیک تکنولوژی انترناسیونال (KTI) (Kinetic Techology International) هلند - آمریکا
اسنم پروجی Snam Progetti ایتالیا
انسیتو جدید نفت فرانسه روش KTI

● تصفیه روغن سوخته به روش تقطیر

در کشور ایران آخرین روش شناخته‌شده در خصوص تصفیه روغن روغن تین فیلم است که به دلیل مقرون به صرفه بودن و پاک بودن، این نوع تصفیه مورد توجه قرار گرفته و اکثر تولیدکنندگان روغن قدیمی در حال تغییر و روی آوردن به این تکنولوژی هستند. زیرا با این روش هیچ‌گونه ضایعات باقی نمی‌ماند و همچنین از نظر زیست محیطی حد مطلوب رعایت می‌شود.

پایه تازه شد. این روغن پایه پالایش دوم برابر یا بهتر از برخی از روغن پایه ویرجین (تولید شده از نفت خام) و مناسب برای استفاده در اتومبیل است. فرآیند پالایش دوم روغن کوتاه‌تر از پالایش نفت خام است و در این روش از انرژی کمتری استفاده می‌شود.

● مراحل مختلف بازیافت شامل:

فیلتراسیون روغن سوخته سرد
آب‌گیری
حرارت دهی
افزودن مواد شیمیایی و سپس عبور دادن روغن داغ از سیستم فیلتر پرس است.
کلیه روش‌های تصفیه روغن‌های کارکرده (اسیدی - غیر اسیدی) می‌توانند بین ۷۰ الی ۹۰ درصد ناخالصی‌های روغن کارکرده را تصفیه و آن را به شکل اولیه خود (روغن پایه) در آورند.

● بازیافت روغن موتور

ممکن است تعجب‌آور باشد که تحت شرایط عادی، روغن را نمی‌توان به راحتی از بین برد و تنها قابلیت آلوده‌پذیری را دارد و به راحتی توسط حلال‌های دیگر آلوده می‌شود. این ویژگی باعث می‌شود قابلیت بالقوه برای جذب آلودگی داشته باشد و نباید اجازه داد که وارد محیط زیست شود. تنها راه و بهترین گزینه بازیافت است به‌صورتی که به حالت اولیه برگردد و بتوان از آن استفاده مجدد کرد.

طی فرآیند پالایش و به منظور حذف ناخالصی‌ها، آب از روغن گرفته می‌شود، روغن تقطیر می‌شود و دوباره آب به آن اضافه می‌شود. محصول نهایی کاملاً شبیه روغن خالص است و باید با استانداردهای خاصی منطبق باشد.

روغن‌های سوخته از مراکز مختلفی چون مکانیکی‌ها و تعویض روغنی‌ها خریداری و جمع‌آوری شده، در کارخانه ذخیره می‌شود و طی مراحل تصفیه می‌گردد.

روغن و سایر محصولات نفت-پایه را می‌توان بازیافت یا پالایش کرد، برخی از آن‌ها عبارتند از: روغن موتور، مایعات فلزکاری، امولسیون‌ها، واسکازینگریکس، روغن ترمز، خنک‌کننده‌ها، واسطه‌های انتقال حرارت، روغن‌های خنک‌کننده، روغن‌های الکتریکی، و روغن‌های هیدرولیک.

مدیریت روغن سوخته بسیار مهم است زیرا مقادیر زیادی در جهان از طریق حمل و نقل و صنعت تولید می‌شود. این روغن سوخته‌ها اگر اداره نشده و یا عملیاتی بر روی آنان صورت نگرفته و یا دفع نشوند، می‌توانند اثرات مخربی روی محیط زیست بگذارند. بازیافت روغن ارزان‌تر از استحصال آن از نفت خام تمام می‌شود. بازیافت روغن به حفاظت از محیط زیست کمک می‌کند.

● روغن سوخته چیست؟

روغن سوخته هر نوع روغن معدنی یا سنتتیک است که در طول مصرف یا کاربرد به سبب آلوده شدن با ناخالصی یا از دست دادن خواص اولیه برای اهداف اصلی کاربردی، دیگر مناسب نمی‌باشد.

● آشنایی با بازیافت و تصفیه دوم روغن

انواع روغن سوخته خوراکی، روغن سوخته ماشین، روغن سوخته خودرو و... را می‌توان بازیافت کرد. مدیریت روغن سوخته بسیار مهم است. زیرا مقادیر زیادی در جهان از طریق حمل و نقل و صنعت تولید می‌شود. این روغن سوخته‌ها اگر اداره نشده و یا عملیاتی بر روی آنان صورت نگرفته و یا دفع نشوند، می‌توانند اثرات مخربی بر روی محیط زیست بگذارند. تعریف بازیافت و تصفیه روغن در طول سال‌ها تغییر کرده است.

● بازیافت روغن کارکرده:

در گذشته منظور از بازیافت روغن کارکرده می‌توانست شامل مؤلفه‌های بسیاری باشد که طی فرآیند آن، در ابتدا روغن‌ها را از طریق فیلتر کردن، فیلتر کرده و به عنوان سوخت استفاده می‌کردند. در این روش، هیچ‌یک از آلاینده‌های محلول حذف نمی‌شد و قابلیت استفاده برای اتومبیل را نداشت. این روغن به طور کلی برای سوخت مورد استفاده قرار می‌گرفت.

● تصفیه دوم روغن

فرآیند تصفیه دوم طی گذشت سال‌ها توسعه یافت تا منجر به حذف تمام ناخالصی‌ها، محلول و نامحلول، و بازگشت روغن به عنوان روغن



● روش تبین فیلم

در این روش روغن سوخته وارد ستون تقطیر شده و با روش بویلرینگ و سیرکولاسیون حرارت می‌بیند، در این مقطع در دمای مختلف به روش‌های وکیوم بخارات متصاعد شده جمع‌آوری می‌شود که با توجه به دما دسته‌بندی می‌شود که شامل گازوئیل، روغن هیدرولیک پایه و روغن پنجاه پایه است. در طول خط جهت جمع‌آوری گازها از مبدل‌ها و رسیورهای مختلف که با ظرفیت تولید هماهنگ است استفاده شده که باعث شده است انجام پروسه با کیفیت بالا صورت پذیرد. لازم به ذکر است که پس از تولید این روغن لازم است سیستم تکمیلی جهت فرآوری روغن تا رسیدن به روغن قابل مصرف صورت پذیرد.

روغن تولیدی در دستگاه تصفیه روغن سوخته تقطیری (vacuum distillation):

در این روش روغن نمره ۱۰ یا همان روغن هیدرولیک و روغن نمره ۵۰ یا همان روغن پایه به‌دست می‌آید.

روغن‌های به‌دست آمده دارای رنگ شفافی نیستند. برای رنگ‌بری و گرفتن ذرات معلق از آن باید از تجهیزات دیگری مثل فیلترپرس‌ها و اضافه کردن ادیتورهای دیگری استفاده کرد، تا به روغن با سطح کیفی استاندارد دست پیدا کرد. روغن نمره ۵۰ یا همان روغن پایه با فرآورده‌های شیمیایی و فیلتراسیون و افزودنی‌های پلیمری می‌تواند به گریدهای زیادی روغن قابل مصرف در صنایع تبدیل شود.

● ماشین آلات تصفیه روغن سوخته

ماشین آلات بازیافت روغن سوخته شامل تجهیزات زیر هستند:

مخازن ذخیره‌سازی (مواد اولیه، میانی، افزودنی‌ها و محصولات)

سیستم تقطیر

برق و ابزار دقیق

لوله و شیرآلات

سیستم جذب

● مزایای روش تقطیر نسبت به دیگر روش‌ها

• فواید اقتصادی بالا

• سازگار با استانداردهای زیست محیطی

• راندمان بالای تولید (بدون خوردگی، زنگ زدگی و تشکیل کک)

• مدت زمان کم روغن در تماس با سطح داغ (چند ثانیه)

• بازدهی بالای تولید بیش از ۹۰٪

• کنترل و حذف مواد سمی و بدبو

• انتقال حرارت بالا در غشاء

• تبخیر در دمای کم

گروه ۱ و ۲ می‌باشد که خوراکی بسیار مناسبی برای تدوین و فرموله کردن طیف گسترده‌ای از روغن‌های: موتور، توربین، هیدرولیک، دنده، گریس و است.

● سوخت تقطیری صنعتی:

این محصول می‌تواند بعنوان سوخت جایگزین یا سوخت سبک در بویلرها یا هیترهای شعله‌ای صنعتی مورد استفاده قرار گیرد.

● اسلج قیری:

این نوع اسلج حاوی میزان زیادی پلیمر و فلز است که می‌تواند در تولید آسفالت خیابان، پوشش محافظتی قیری و یا بعنوان سوخت در کارخانه های سیمان مورد استفاده قرار بگیرد.

۲۳۲۰۴۱۲۴۵۰ روغن موتور تصفیه مجدد

۲۳۲۰۴۱۲۳۵۷ روغن انتقال قدرت تصفیه

مجدد

۲۳۲۰۴۱۲۴۵۲ سایر روغنهای صنعتی تصفیه

مجدد طبقه بندی نشده در جای دیگر

۲۳۲۰۴۱۲۴۴۹ روغن پایه تصفیه مجدد

• ضرایب انتقال حرارتی بالا

• افت فشار کم در زمان تبخیر

• نگه داشتن خواص و کیفیت روغن

• قابلیت خود تمیز کنندگی

• مناسب برای مایعات ویسکوزیته بالا و

چسبناک

• قرار گرفتن محصول در گروه ۱ و ۲ (API)

• بدون استفاده از اسید و خاک

• مصرف کم انرژی

• کاهش پروسه تولید و نیروی کار

● محصولات حاصل از تصفیه روغن + کد آیسیک

کاربرد روغن سوخته در تولید محصولاتی

همچون روغن پایه، سوخت تقطیری صنعتی، اسلج

قیری و ... است.

● روغن پایه:

روغن پایه تولید شده مطابق با استاندارد API





گفت‌وگو با سرهنگ دادمولا آبکار، رئیس بخش امور انتظامی

تخصص و تسلط بر فن کار را به صورت جدی در دستور کار قرار دادیم



هم به لطف خداوند، هیچ‌گاه اعتصاب نداشته‌ایم. همچنین از دیگر اموراتی که بر عهده‌ی این واحد است، بحث امنیت و حفاظت فیزیکی حوزه‌های کاری است که با فنس‌کشی و قرار دادن سیم خاردار در محوطه‌ی کارگاه‌ها این اقدام در حال انجام است.

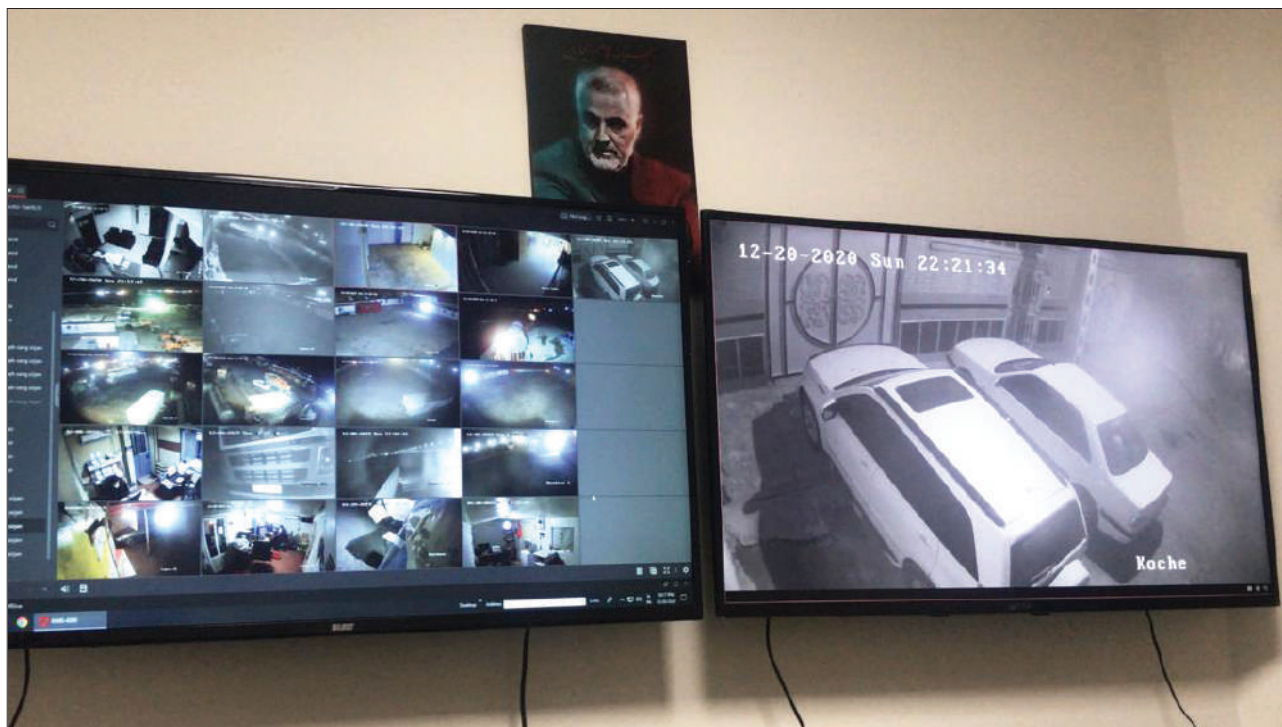
● لطفاً تاریخچه تشکیل واحد امور انتظامی را شرح دهید.

واحد امور انتظامی شرکت سمنگان ترابری ایرانیان، درحقیقت هنوز یک واحد نوپا است که اگر بخواهیم تاریخ دقیق تشکیل این واحد را بگویم، به اردیبهشت‌ماه سال جاری (۱۳/۲/۱۳۹۹) برمی‌گردد. این واحد در ابتدای کار، دارای ساختار سازمانی نبود، که تشکیل سازمانی منسجم برای این واحد به اولین اقدامات ما در این واحد تبدیل شد. روز اول که به اینجا آمدیم، فقط من بودم، سرپرست مرکز مانیتورینگ (آقای

رسالت اصلی واحد امور انتظامی شرکت، در وهله اول حفظ و صیانت از پرسنل در زمینه‌ی کاهش تخلفات و جرایم احتمالی است. پیگیری و نظارت بر حسن اجرای آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های شرکتی، تهیه و تنظیم طرح‌های پیشگیری و مقابله‌ای به منظور کاهش رخدادهای غیرقانونی، جمع‌آوری، تدوین و انعکاس قوانین در بهره‌گیری از چرخه‌ی حمل و نقل و کارکنان (کارفرمایی و پیمانکاری)، کشف انحرافات و تخطی‌ها در چرخه‌ی حمل و نقل و تحویل بار، کشف جرایم و رخدادهای ناامنی و غیرقانونی و ارائه‌ی آموزش در راستای تفهیم مبانی قانونی ترویج فرهنگ رانندگی امن و قانون‌مند نیز از جمله مؤلفه‌هایی است که در مورد وظایف این واحد در دستور کار قرار داده‌ایم. در حقیقت در این واحد تخلفات، بی‌انضباطی‌ها و نارضایتی‌ها دائم رصد می‌شود تا برخی اتفاقات منجر به اعتصاب و نافرمانی‌های مدنی نشود؛ که تا کنون

■ سرهنگ دادمولا آبکار متولد شهریور ۱۳۴۸ شهرستان جیرفت، دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی علوم انتظامی دانشگاه افسری تهران، پس از بازنشستگی از سمت ریاست پلیس راه جنوب کرمان در سال ۱۳۹۹، از تاریخ ۱ اردیبهشت‌ماه همین سال به عنوان رئیس بخش امور انتظامی شرکت سمنگان ترابری ایرانیان منصوب شدند. ایشان همچنین از سال ۱۳۸۸ در سمت کارشناس رسمی دادگستری امور وسائط نقلیه موتوری زمینی مشغول به کار هستند. گفت‌وگوی حاضر برای معرفی ایشان و واحد امور انتظامی با ایشان ترتیب داده شده است که آن را در ادامه می‌خوانید.

● جناب سرهنگ آبکار، لطفاً رسالت و وظایف واحد امور انتظامی شرکت سمنگان ترابری ایرانیان را بیان فرمایید.



● راهاندازی مرکز نظارت تصویری با نصب ۲۵ دوربین

میزان قابل توجهی از بازدهی کاری باشیم.

● آسیب‌ها و تهدیدهای مرتبط با شرکت را شرح دهید و اقدامات امور انتظامی در راستای پیشگیری در ارتباط با آنان را بیان کنید.

نظارت بر خودروها و رانندگان مرتکب جرم، نظارت بر عدم فعالیت رانندگان بدون گواهینامه، جرائم و رخدادهای ناامنی و غیرقانونی خنثی‌شده، اقدامات پیشگیرانه و مقابله با جعل مفادی اوراق حمل و نقل، اقدامات بهبود ترافیکی و حمل و نقل ناوگان سازمانی، تحت پیمان و همکار و اعتصاب (کارفرمایی و پیمانکاری) از جمله مؤلفه‌هایی است که در بحث آسیب‌ها و تهدیدهای مرتبط با شرکت در واحد امور انتظامی مورد بررسی و رصد قرار می‌گیرد. همچنین سرقت اموال سازمانی (تجهیزات، تأسیسات، انبارها و اموال)، سرقت از محموله‌های ارسالی، ردگیری محموله‌ها با هدف کسب اطمینان از تحویل به مقصد، پیشگیری از سرقت و ایجاد کسری در محموله‌ها، کشف انحرافات و تخطی‌های احتمالی در چرخه حمل و نقل و تحویل بار، نظارت بر رانندگان سازمانی و همکار و تحت پیمان، جمع‌آوری، تدوین، انعکاس و بهره‌برداری از چرخه‌ی نارضایتی کارکنان و رانندگان نیز از جمله مواردی است که بررسی آنها به صورت جدی در این واحد دنبال می‌شود.

و پیگیری بر حسن اجرای آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های شرکتی و حفظ و صیانت از پرسنل نقش اصلی واحد انتظامی در پیشبرد استراتژی‌های شرکت است و این مهم با بازدیدهای دوره‌ای برای بررسی عملکرد حوزه‌های تابعه و همچنین برگزاری کلاس‌های آموزشی محقق می‌شود. گفتنی است، با توجه به نوع فعالیت این شرکت و بهره‌گیری از بخش پیمانکاری، احتمال بروز اعتصاب‌ها در روند چرخه‌ی کار افزایش پیدا می‌کند که این واحد با جمع‌آوری و تدوین نارضایتی‌های محتمل نقش موثری در زمینه‌ی پیشگیری از ناامنی‌های احتمالی ایفا می‌کند. همچنین اقدام نوین دیگری که در واحد امور انتظامی شرکت سمنگان ترابری ایرانیان شکل گرفته است، راهاندازی سامانه‌ی مانیتورینگ (نظارت تصویری) است که با بهره‌گیری از استعداد نیروهای جوان و متخصص به‌صورت شبانه‌روزی ۲۵ نقطه از مراکز خطیر و مهم: کارگاه‌ها، دفاتر اداری، مجموعه تعمیرگاه‌ها و... شرکت و همچنین حوزه‌های تابعه، مورد رصد و پایش قرار می‌گیرند که در تحلیل‌های آماری داده‌های فرآیند نظارت تصویری، مشخص شد که کاهش رخدادهای مربوط به جرائم تا میزان ۴۰ درصد کاهش داشته است. خوشبختانه با بهره‌گیری از سیستم مانیتورینگ قابل قبولی که در حال انجام است، توانسته‌ایم شاهد افزایش

محمد صابری)، نگهبان‌های سایت‌های سمنگان و کارگاه‌های سیرجان و زرنند. خود من هم بعد از بازنشستگی از سمت ریاست پلیس راه جنوب کرمان، اینجا مشغول به کار شده‌ام. اولین اقدامی که در این واحد انجام دادیم، راهاندازی یک گروه در پیام‌رسان واتس‌آپ بود که در آن امورات مربوطه اطلاع‌رسانی و آموزش را انجام می‌دهیم. سپس، سیستم ورود و خروج پرسنل را راهاندازی کردیم. بحث استخدام کارکنان و انجام تحقیقات محلی و تعیین صلاحیت هریک از کارکنان به لحاظ اخلاقی و فنی، از جمله اموراتی است که بر عهده‌ی واحد امور انتظامی شرکت است. همچنین در این واحد تمام دوربین‌هایی را که در تمام واحدهای سمنگان بودند را در اینجا (واحد کرمان) متمرکز کردیم و می‌توانم بگویم مانیتورینگ قابل قبولی در حال انجام است. علاوه بر همه‌ی این‌ها، بحث آموزش تخصصی پرسنل واحدهای شرکت را به صورت جدی دنبال می‌کنیم که در همین راستا، سیستم مانیتورینگ و قسمت تعیین صلاحیت که مربوط به قسمت عملیات و تحقیقات است را مجزا کردیم.

● نقش واحد امور انتظامی را در استراتژی‌ها و اهداف شرکت بیان فرمایید.

همان‌طور که در بالا هم ذکر شد، نظارت



● اجرای فنس کشی کارگاه‌های سیرجان و زرنند

موضوعات بررسی و مورد سنجش و ارزیابی قرار بگیرند.

● اقدامات واحد امور انتظامی در راستای تفهیم مبانی قانونی ترویج فرهنگ رانندگی امن و قانون‌مند را شرح دهید.

با راه‌اندازی گروه‌های کاری در فضای مجازی، ضمن صدور نکات هوشیاری و مراقبتی به‌صورت روزانه و با بهره‌گیری از دانش نوین دنیا و در نظر گرفتن شرایط کاری، مطالب آموزشی در قالب پاورپوینت، عکس و... بارگذاری می‌شود.

● نقش آموزش را در اجرای بهتر فعالیت‌های شرکت و بهبود عملکرد آن چه می‌دانید؟

همانگونه که تحقیقات علمی نیز نشان داده است، مقوله‌ی آموزش و اقدامات آموزشی برای ارتقاء سطح علمی پرسنل، علاوه بر بالا بردن اخلاق کاری در یک مجموعه، به افزایش تراز کاری و همچنین ارتقای سطح کیفیت خدمات ارائه‌شده‌ی کارکنان نیز می‌انجامد که امور انتظامی، با اهتمام ویژه‌ای که نسبت به بحث آموزش دارد، با راه‌اندازی واحد آموزش و پیشگیری مسیر رو به پیشرفتی را برای توانمندسازی پرسنل سمنگان ترابری در دستور کار خود قرار داده است.

اقدامات اولویت‌دار این واحد قرار گرفته است که خوشبختانه توانستیم از طریق بومی‌سازی مفاد آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های صادره، این مهم را انجام دهیم. همچنین، با توجه به دیدگاهی که در جذب نیروهای کاری وجود دارد که بر مبنای استفاده از نیروهای جوان است، عدم اطلاع این عزیزان از قوانین و مقررات کار و مسائل انضباطی، باعث شده است تا آموزش‌های یادشده، با استفاده از راه‌های مختلف انتقال تجربه، برای ارتقای سطح دانش پرسنل در دستور کار قرار بگیرد.

● رویکرد واحد امور انتظامی شرکت در ارتباط با سرمایه انسانی شرکت چیست؟

در راستای حفظ و صیانت از پرسنل، به صورت روزانه با ارائه و انتشار مطالب و نکات آموزشی پیشگیرانه، ضمن انجام امر اطلاع‌رسانی برای آشنایی پرسنل با قوانین حاکم و دستورالعمل‌های شرکتی، در حفظ و صیانت از سرمایه انسانی تلاش جدی داریم. همچنین این واحد با همکاری با بخش سرمایه انسانی شرکت، در بخش جذب و بهره‌گیری از نیروها، از داوطلب‌های فعالیت در مجموعه سمنگان ترابری ایرانیان فرآیند تحقیقات و را به عمل می‌آورد که هریک از داوطلب‌ها در بدو ورود به شرکت، از نظر وضعیت اجتماعی، مهارتی، اخلاقی و سایر

● برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت امور انتظامی را شرح دهید.

بیشترین تأکید ما در این واحد، دنبال کردن کار به صورت تخصصی و فنی آن است که به همین منظور، تلاش می‌کنیم مسئولیت هرکس در رابطه با تخصصی که دارد مشخص شده و تعریف شده باشد. راه‌اندازی بخش آموزش و پیشگیری نیز از دیگر مواردی است که در حال انجام آن هستیم. در مورد برنامه‌ی بلندمدت این واحد، با توجه به رویکردی که از اساس بر مبنای تخصص و تسلط بر فن کار پرسنل مجموعه طراحی شده است، سعی کردیم با برنامه‌ریزی‌های منسجم، و همچنین به وسیله‌ی بهره‌گیری از توان فنی و علمی پرسنل، اهداف مورد نظر خود را دنبال کنیم. به همین منظور، در تمامی موارد ضمن صدور هشدارها و نکات مراقبتی با انجام مکاتبات اداری به‌صورت جزء به جزء، اهم تهدیدات و آسیب‌های بخش‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف را به مسئولین مربوطه اطلاع‌رسانی می‌کنیم و ضمن بهره‌گیری از قابلیت‌های امور انتظامی و انتقال بسته‌های آموزشی که همگی بر مبنای تجارب حرفه‌ای تهیه و تنظیم شده‌اند، همه‌ی این مراتب در تمامی سطوح دوره‌های آموزشی تعریف شده‌اند. در مورد برنامه‌های کوتاه‌مدت این واحد، باید بگوییم با توجه به نوپا بودن واحد، لزوم ارائه‌ی آموزش‌های لازم برای پرسنل امور انتظامی جزء







رانندگی تدافعی



دکتر ناصر ابراهیمی
کارشناس ارشد حمل و نقل و کنترل ترافیک

با توجه به آمار و ارقام جهانی ایران جزو پنج کشور اول بیشترین مرگ و میرهای سوانح رانندگی است. در جهان امروز که کشور های پیشرفته در مقامهای ۶۰ به بالا قرار گرفته اند ایران بعد از عراق در رتبه ۵ قرار دارد. با تفسیری دیگر از آمار و ارقام هر ۲۰ دقیقه در ایران یک نفر بر اثر حادثه ای تصادف جان خود را از دست می دهد. در بین حوادث مختلف، حوادث رانندگی یکی از دسته حوادثی است که کاملاً قابل کنترل است و یکی از راه های کنترل این حوادث آموختن اصول رانندگی تدافعی است. رانندگی تدافعی به این معناست که تنها داشتن دانش رانندگی کافی نیست و بینش ایمنی رانندگی باعث کاهش حوادث و حتی به صفر رساندن حوادث می شود.

● رانندگی تدافعی

در رانندگی تدافعی به دنبال سه پایه اساسی نگرشی هستیم. اولین اصل این است که من نمی خواهم یک حادثه رانندگی داشته باشم. این اصل از جایگزینی خطرات با ریسک پایینتر استفاده می نماید. در این اصل راننده به دنبال افزایش ایمنی بوده و ایمنی را مهمترین دغدغه اش قلمداد می کند. اصل دوم: من نمی خواهم باعث بروز یک حادثه رانندگی شوم.

نگرش دوم به دنبال نفی قرار دادن دیگران در معرض خطر است. افزایش دامنه پیامدهای تصادف تا خانواده ها و سایرین نیز ادامه دارد و نه تنها باعث درد و رنج ابتدایی در افراد دخیل می شود بلکه پیامدهای متوالی دیگری را نیز در برمی گیرد. اصل سوم: من نمی خواهم قربانی یک

حادثه رانندگی باشم. داریم در نتیجه استفاده از مقیاسهای ایستا مناسب نیست و باید از مقیاس های پویا استفاده نمود. مثلاً به جای استفاده از متر از ثانیه استفاده می شود. در این اصل به افق دید راننده متمرکز می شویم.

زاویه دید جلوی راننده به سه قسمت ناحیه سبز و زرد و قرمز تقسیم می شود. هر ناحیه میدان دید مشخصی را ارائه می دهد. ناحیه قرمز تا ۵ ثانیه بعد و ناحیه زرد تا ۳۰ ثانیه بعد را به راننده نشان می دهد و بیش از ۳۰ ثانیه را ناحیه سبز می نامیم. بدیهی است که رانندگی با دید در ناحیه قرمز احتمال تصادف را چندین برابر می کند.

● تکنیک دوم رانندگی تدافعی

تکنیک دوم رانندگی تدافعی maintain space and visibility به مفهوم تامین میدان دید اطراف خودرو و حفظ فواصل خودرو در تمام جوانب است. حفظ زاویه دید مناسب ۳۶۰ درجه در خودرو از دید راننده الزامی است. تنها روبروی مسیر کفایت نمی کند. با توجه به نقاط کور وسیله نقلیه لازم

حادثه رانندگی باشم. ایجاد تعامل با سایر استفاده کنندگان از راه در اصل سوم دیده شده است. وقتی که راننده می بایست هوشیاری کامل خود را حفظ نموده و در برابر هر خطر واکنش مناسب آن خطر را بروز دهد.

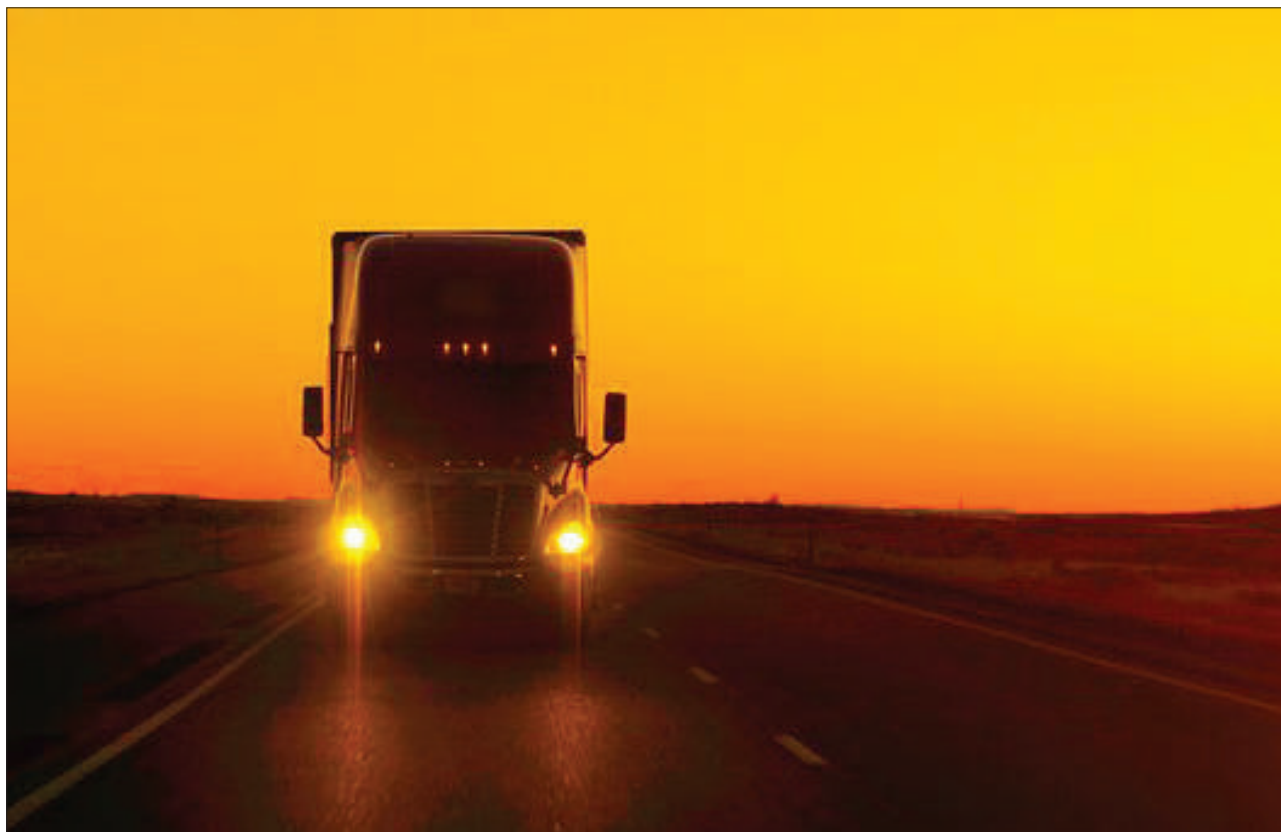
● اصول رانندگی تدافعی چیست؟

رانندگی تدافعی یا drive smartt دارای ۵ اصل کلی است که ابتدای هر کدام از این اصل ها کلمه smartt را تشکیل می دهد.

رانندگی تدافعی به دنبال به صفر رساندن حوادث تصادفات است به شرطی که فرد خود را متعهد به این ۵ اصل بداند و از آنها پیروی کند.

● تکنیک اول رانندگی تدافعی

اصل اول رانندگی تدافعی search to the horizon نام دارد. مفهوم این عبارت حفظ میدان دید افقی تا حد استاندارد است. با توجه به اینکه در رانندگی با حرکت مداوم سروکار



علاوه بر موارد بالا حفاظت از سر همیشه از مهمترین موارد ایمنی رانندگی است که در موتور سواران با استفاده از کلاه ایمنی و در رانندگان وسایل نقلیه دیگر با تنظیم صندلی امکان پذیر است.

● چند توصیه به رانندگان

پس از ارائه حواله یا بارنامه و ثبت آن، خواهشمند است از کابین کامیون تا پایان تخلیه یا بارگیری پیاده نشوید.
در صورت داشتن سرفه یا عطسه از دستمال یا ماسک استفاده نمایید.
دستان خود را مرتب به مدت ۲۰ ثانیه با آب و صابون بشوئید.
علائم بیماری و تب در ورودی مجتمع کنترل می گردد.
از ریختن هر گونه زباله در مسیر و محوطه مجتمع خودداری فرمایید.
در ورودی مجتمع تمامی کامیون ها قبل از ورود به مجتمع ضد عفونی می گردد.
از آوردن نفرت همراه جدا خودداری فرمایید.
ضمن آرزوی سلامتی، خواهشمند است جهت پیشگیری از شیوع بیماری کرونا لطفاً به نکات ذکر شده در پشت بارنامه دقت فرمایید.

and respond است. تشخیص شرایط ناایمن و توانایی عکس العمل در رانندگی نکته حائز اهمیتی است. رانندگی در شرایط مختلف جاده و آب و هوا نیازمند تدابیر ویژه ای است چرا که واکنش راننده و واکنش خودرو به شرایط می تواند بسیار متفاوت از حالت عادی باشد.

● تکنیک پنجم رانندگی تدافعی

تکنیک پنجم رانندگی تدافعی یا **take control be seen** در شرایطی است که راننده در شرایط ناایمن قرار گیرد و نیاز به واکنش فوری داشته باشد. این ارتباط از طریق وسایل هشدار دهنده خودرو مانند بوق و چراغ بالا و یا حرکات دست و سر راننده و اطمینان از واکنش طرف مقابل به ثمر می رسد.
جانمایی راننده و سر نشینان در خودرو باعث افزایش بهره وری سیستم ایمنی خودرو می شود و در شرایط بروز حادثه باعث کاهش پیامدها به حداقل ممکن می گردد.
با آگاهی از اصول رانندگی تدافعی نه تنها راننده بلکه سرنشینان دیگر نیز در امان بوده و حتی در صورت بروز حادثه می توانند شانس بیشتری برای زندگی داشته باشند.

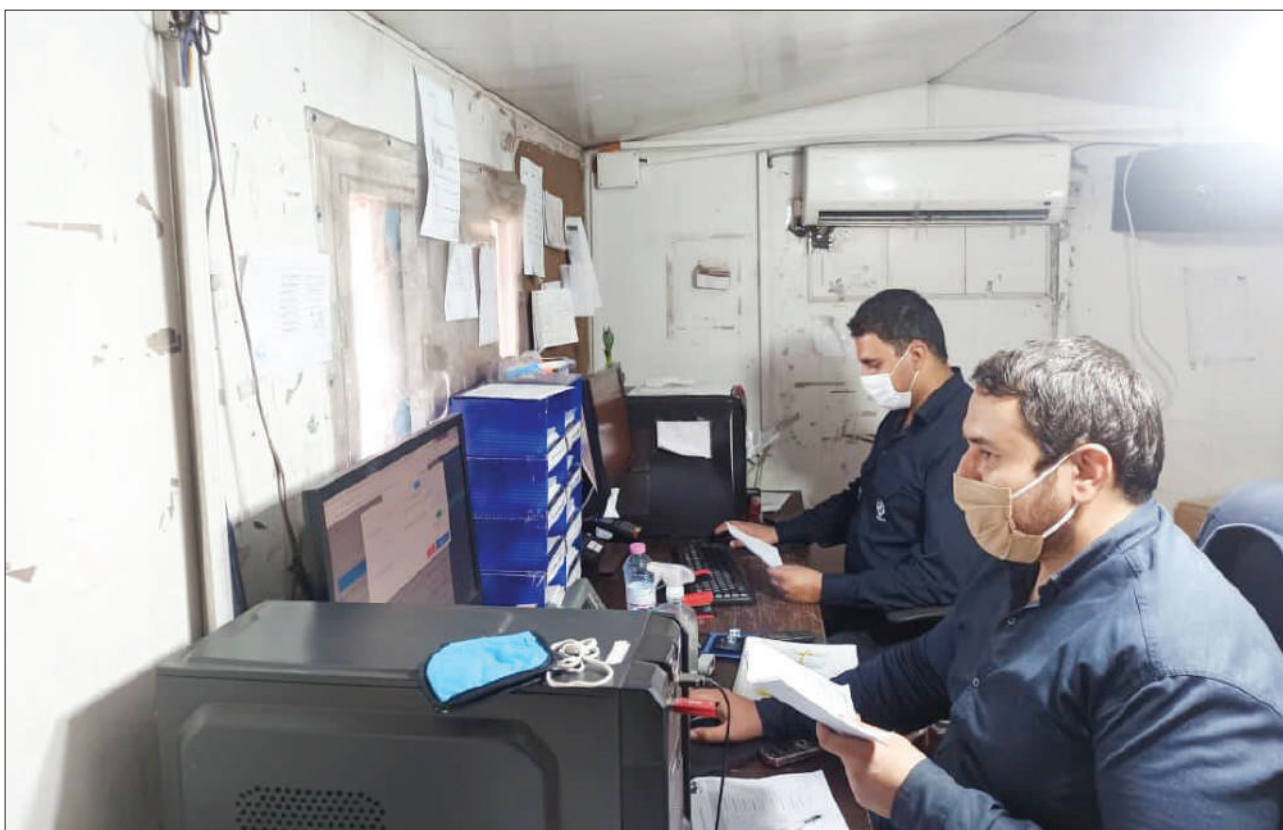
است راننده از میدان دید خود در اطراف وسیله نقلیه اطمینان حاصل نماید.
اصول محاسبه خط ترمز و فاصله ایست خودرو و نیز میدان دید در شب با توجه به محدود شدن زاویه روشنایی چراغهای خودرو از نکات مهم این اصل به شمار می رود.

● تکنیک سوم رانندگی تدافعی

تکنیک سوم رانندگی تدافعی **always move your eyes** به معنی حفظ کامل هوشیاری حین رانندگی است. راننده در هنگام رانندگی نباید دچار خیرگی شود و هر ۲ ثانیه یکبار باید پلک بزند. چرخش نگاه راننده در زون های سبز زرد و قرمز و تجهیزات خودرو و آینه ها باید به طور مداوم حفظ شود.
با توجه به اینکه خستگی در راننده منجر به کاهش هوشیاری می شود این چرخه تا جایی که ممکن است توجه راننده را به موانع و خطرات جلب می نماید.

● تکنیک چهارم رانندگی تدافعی

تکنیک چهارم رانندگی تدافعی **recognize**







فرهنگ رانندگی



- برخورد به شیشه جلو یا داشبورد با سرعت ۴۸ کیلومتر بر ساعت، مانند افتادن از یک ساختمان ۳ طبقه است.
- مدت زمان عکس العمل راننده‌ای که با تلفن همراه صحبت می‌کند، از ۵/۵ ثانیه به ۱۱/۵ ثانیه افزایش می‌یابد.
- برای سایش یکنواخت همه لاستیک‌ها، باید آنها را پس از طی حدود ۱۰ هزار کیلومتر جابه‌جا کرد.
- باز بودن پنجره خودروی در حال حرکت در سرعت‌های بالا، به شدت در مصرف سوخت تأثیر دارد.
- بخش قابل توجهی از تصادفات به وقوع پیوسته، به دلیل رعایت نکردن فاصله لازم با وسیله نقلیه جلویی است.
- بهترین فاصله با خودروی جلویی در جاده‌ها، به ازای هر ۱۵ کیلومتر سرعت در ساعت، حدود ۶ متر (به اندازه یک خودرو) است.
- انجام هر فعالیتی هنگام رانندگی نظیر برداشتن اجسام از کف خودرو، تنظیم سیستم صوت، نوشتن پیامک، تمیز کردن عینک و غیره، موجب تأخیر در واکنش می‌شود.
- اگر سرعت خودرو ۱۴۰ کیلومتر در ساعت باشد (تقریباً ۴۰ متر در ثانیه)، هنگام واکنش ۳۰ متر از راه را طی می‌کند.
- بر اساس پژوهش‌های انجام شده، ۸۴ درصد تصادفات ایران در روزهای «معمولی و کاملاً آفتابی»، ۷ درصد «بارانی»، ۶ درصد «باری» و یک درصد نیز در «وضعیت برفی» اتفاق می‌افتد.
- اغلب عابرانی که با خودرویی با سرعت ۴۰ کیلومتر در ساعت تصادف کرده‌اند، زنده مانده، اما کسانی که با خودرویی با سرعت ۶۰ کیلومتر برخورد کرده، جان داده‌اند.
- طبق پژوهش‌های مرکز تحقیقات، خواب و خستگی راننده عامل اصلی ۲۵ درصد تصادفات و به طور خاص، مسبب ۶۰ درصد تصادف‌های جاده‌ای بوده است.
- پژوهش‌های مربوط به حوادث نشان داده است که بی‌توجهی راننده (حواس‌پرتی)، به طور تقریبی در ۲۵ تا ۳۰ درصد تمامی حوادث مسلم جاده‌ای موثر است.





گفت‌وگو با امید صادقی، رئیس بخش پشتیبانی و امور قرار دادها

از نظر من، شرکت سمنگان ترابری ایرانیان به‌تنهایی یک هلدینگ است



زیادی با شرکت‌های زیرمجموعه‌ی هلدینگ میدکو دارد. قراردادهای شرکت در سیرجان شامل: کلوخه معدن ۲ و ۴، حمل آب، شارژهایر، مدیریت پیمان گندله سیرجان به بردسیر است و در شهرستان زرند: حمل کلوخه معدن جلال‌آباد، حمل آب به مجتمع فولاد زرند، ماشین‌آلات جلال‌آباد، سدباطله، کک‌سازی و حمل زغال است. همچنین است حمل ذغال از معادن داخلی و طیس به شرکت فراوران ذغال سنگ پابدانا و ترفیع سد باطله ۲؛ و

قراردادهای شرکت سمنگان ترابری ایرانیان را شرح دهید.
واحد پشتیبانی، بازرگانی و قراردادهای شرکت سمنگان ترابری ایرانیان از از مهرماه سال ۹۸ به صورت جامع و کامل شکل گرفت.

● **وضعیت موضوعی قراردادهای شرکت و آمار سالانه تعداد قراردادهای شرکت چیست؟**
شرکت سمنگان ترابری ایرانیان قراردادهای

■ امید صادقی متولد ۱۳۵۸/۱/۱، کارشناس مهندسی عمران و دانشجوی دوره کارشناسی‌ارشد مدیریت، با ۱۴ سال سابقه کاری در سمت کارشناس رسمی دادگستری، پایه یک نظارت و اجرا، عضو هیأت مدیره سازمان نظام مهندسی، در حال حاضر ریاست بخش پشتیبانی و امور قرار دادهای شرکت سمنگان ترابری ایرانیان را بر عهده دارد. گفت‌وگو با او را در ادامه می‌خوانید.

● **لطفاً تاریخچه تشکیل واحد**



دارای دفتر اداری می‌باشد و فعالیت‌های مربوط به حمل و نقل و سایر فعالیت‌های دیگر مثل تأمین ماشین‌آلات مجتمع‌های میدکو را انجام می‌دهد. طبیعتاً هرچقدر کار جدید انجام شود، قطعاً نیاز به آموزش در همان زمینه نیز احساس می‌شود که مهم‌ترین آن، آموزش‌های مربوط به چگونگی تنظیم قراردادهای است که در طی آن، نیاز مجتمع رفع شود و خطوط تولید دچار توقف نگردد.

● چگونگی همکاری واحد قراردادهای در ارتباط با سایر شرکت‌های هلدینگ میدکو را شرح دهید.

از آنجایی که شرکت سمنگان ترابری ایرانیان با اکثر سایت‌های میدکو همکاری دارد، برای هرکس که در این شرکت فعالیت داشته باشد، یک پله‌ی ترقی محسوب می‌شود که به وسیله‌ی آن می‌توان با قراردادهای شرکت‌های کارفرما بیشتر آشنا شد و بر اساس نیاز آنها با پیمانکاران قرارداد بست که این یک اتفاق مهم و بزرگ است که می‌توان از کلیه‌ی قراردادهای کارفرما راجع به هر موضوعی کمک گرفت.

● چگونگی نظارت و کنترل اجرای قرارداد را بفرمایید؟

هر قراردادی که تنظیم می‌شود، یک ناظر برای آن قرارداد تعیین می‌شود و اگر مواردی مثل کم‌کاری یا مشکلات دیگری در آن زمینه صورت گرفته باشد، ناظر به صورت کتبی آن را به ما اعلام می‌کند و با نظر مدیرعامل یک الحاقیه یا اخطار مبنی بر جریمه یا کم‌کاری به پیمانکار اعلام می‌شود.

● برنامه‌های بهبود عملکرد واحد قراردادهای برای سال آتی و همچنین چندسال آینده چیست؟

با توجه به حجم بالایی که قراردادهای شرکت ما دارد، و کارهایی که به طور پی‌درپی از سایت‌های میدکو اخذ می‌کند، با دامن‌های فعالیت وسیعی روبه‌رو هستیم که این امر نیازمند آموزش دقیق‌تر و مطالعه‌ی بیشتر نسبت به چگونگی تنظیم قراردادهای و رفع نیاز کارفرما است که امیدواریم با تحقق این امر، گام مهمی در پیشرفت شرکت برداشته شود.



ندهد و همین موضوع راه را برای بروز مشکلات بعدی هموار می‌کند. ما در این بخش سعی می‌کنیم تا جایی که امکان دارد، با اعلام و اخطار کتبی به پیمانکار وی را از این موضوع آگاه کنیم، اما در غیر این صورت، موضوع را با کارشناس حقوقی شرکت در میان می‌گذاریم تا ایشان اقدام به رفع مشکل کنند.

● آیا از سیستم‌های نرم‌افزاری مناسبی برای تسهیل کارهای واحد خود بهره می‌برید؟ سیستم نرم‌افزاری میدآرپی هلدینگ میدکو مورد استفاده واحد است؟

از سیستم‌های نرم‌افزاری که برای بهبود امر قراردادهای می‌توانیم کمک بگیریم و با مدیرعامل محترم هم آن را در میان گذاشتیم، سیستم CRM است. در مورد سیستم یکپارچه میدآرپی، خیر؛ چراکه این سیستم هنوز وارد شرکت ما نشده است و زمزمه‌هایی وجود دارد که به امید خدا قرار است سال آینده از آن استفاده کنیم.

● نقش آموزش را در بهبود شرایط کاری واحد قراردادهای عملکرد شرکت و پیمانکاران طرف قرارداد چه می‌دانید؟

شرکت سمنگان ترابری ایرانیان دامن‌های فعالیت وسیعی دارد و خود این مجموعه در حقیقت یک هلدینگ است چراکه در شهرهای مختلفی مثل سیرجان، زرنند، کرمان، بردسیر، بوتیا، پابدا، طبس و...

در مجتمع فولاد بوتیا قرارداد ماشین‌آلات و مدیریت پیمان کنسانتره را داریم. در حال حاضر شرکت سمنگان حدوداً ۲۶ قرارداد با کارفرماهای مختلف دارد و روی این ۲۶ نوع قرارداد قریب به ۱۴۰ پیمانکار در حال فعالیت هستند.

● بخش قراردادهای با کدام یک از واحدهای شرکت ارتباطات سازمانی و فرآیندی بیشتری دارد و آیا در این زمینه تعامل لازم وجود دارد؟

شالوده‌ی اصلی کار قراردادهای بازرگانی اعلام نیاز از سوی کارفرما است و بنا به نیاز کارفرما نامه‌ای از سوی واحد حمل و نقل به بازرگانی ابلاغ می‌شود و این بخش فعالیت خود را آغاز می‌کند و متناسب با نوع نیاز کارفرما، پیمانکار مربوطه را جذب می‌کند. واحد بازرگانی به طور مستقیم با واحد حمل و نقل ارتباط زیادی دارد و خدا را شکر تا به الان هرگونه همکاری که نیاز بوده انجام شده و از این بابت مشکلی وجود ندارد.

● اهم مشکلات قانونی و حقوقی که در روند کار واحد قراردادهای دارید چیست و چگونه آنها را حل می‌کنید؟

یکی از مشکلاتی که ممکن است بعد از انعقاد قرارداد به وجود بیاید، به طور مثال، عدم تعهد پیمانکار است که ممکن است بعد از گذشت دوماه از قرارداد دیگر به طور کامل به فعالیت خودش ادامه







جشن نوروز در کشورهای همسایه



زنان افغان در شب نوروز و هفت میوه که ترکیبی از هفت میوه خشک شده (سیب، سنجد، سبزی، سمارق «قارچ» سرکه، سمنو، سیر) است، بخشی از آداب و آیین نوروزی در ولایت مزارشریف است. سمنوی افغانستان مانند، سمنوی ایرانی‌هاست که آرد گندم و جوانه‌های آن در شب نوروز پخته می‌شود. مردم در شهر مزارشریف در کنار رفتن به زیارتگاه، به دیدار دوستان و خویشان خود می‌روند؛ و برای استفاده از هوای بهاری به تفریحگاه‌های اطراف شهر سفر می‌کنند. هم‌چنین برگزاری مسابقه‌های بزرگشی (boz kashi) در ولایت‌های شمالی به‌ویژه مزارشریف از دیگر بازی‌ها و ورزش‌های سرگرم‌کننده و هیجان‌انگیز در جشن نوروز است؛ و آماده‌باش برای مراسم برافراشتن علم در مزارشریف، نیز هیجانی، زیبا و به یادماندنی است؛ و شگفت این‌که در برپایی

در سراسر افغانستان جشن باستانی نوروز را پاس می‌دارند و از آن به بزرگی تجلیل می‌کنند. در ولایت باستانی بلخ به‌ویژه شهر مزار شریف مرکز این ولایت، هر ساله با شکوهی بسیار زیاد نوروز را برگزار می‌کنند. در ساعت آغازین روز اول بهار، علم بزرگی را با حدود بیست متر ارتفاع در زیارتگاه منسوب به حضرت علی (ع) در مراسم ویژه‌ای برمی‌افرازند و این علم چهل روز برافراشته می‌ماند. برای همین برخی گمان می‌کنند یا باور دارند که جشن نوروز در مزار شریف تا چهل روز به درازا می‌کشد. این مراسم با حضور صدها هزار تن از شهروندان افغان، معاونان رئیس‌جمهور، مقام‌های محلی و اعضای کابینه و پارلمان برگزار می‌شود؛ و برخی از شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی در این مراسم سخنرانی می‌کنند. تهیه سمنو یا سمنک به دست



◀ کاووس سلاجقه
◀ پژوهشگر فرهنگ عامه

● جشن نوروز در افغانستان

نوروز در فرهنگ و تاریخ مردم افغانستان، نشانه‌ای از بزرگ داشتن زندگی و طبیعت و پاسداشت آن و ارزش‌های انسانی است که ریشه در شعر و ادبیات، هنر و آیین‌ها و رسم‌های خانوادگی و اجتماعی این کشور دارد و بزرگ‌ترین جشن ملی و مردمی شمرده می‌شود که تجلیل از آن در این کشور، پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد. مردم



و برپایی علم) حدود یک میلیون نفر از شهروندان افغان از کابل و ولایت‌های دیگر در مراسم گردهم می‌آیند. مردم کابل گردهمایی‌های نوروزی را در دامنه سخی و محله‌هایی چون «گل غندی، تپه استالف، کاریزمیر، شاه شهید، پارک‌ها و در کنار مراتع سرسبز» که نماد زندگی و نشاط است، برگزار می‌کنند.

در آستانه نوروز، بازار فروش لباس و میوه در شهر کابل نسبت به دیگر روزهای سال گرم‌تر است؛ و مردان و زنان، به‌ویژه کودکان، برای پیشباز رسیدن نوروز و بهار، لباس‌های نو می‌پوشند. خانه‌تکانی به‌ویژه تزیین خانه و رنگ‌آمیزی آن، از کارهایی است که زنان افغان برای بزرگداشت نوروز انجام می‌دهند؛ و در آنجا هم مانند مزار شریف مسابقه‌های بزرگشی و بازی‌های گروهی چون بادبادک پرانی و مسابقه کشتی میان افغان‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در روزهای نوروز، مغازه‌های ماهی پزی، زولبیا و کلوچه رونق خاصی دارد و خانواده‌هایی که پسران تازه‌داماد دارند، برای خانواده عروس، خوراک ماهی و شیرینی و زولبیا می‌برند.

حضور مردم و بزرگان دولتی از نخستین ساعت‌های پگاه روز آغازین بهار، در «زیارتگاه سخی» میل یا علم که آن را به نام مولاعلی (ع) می‌نامند، با شکوه خاصی برافراشته می‌شود. سید یاسین علوی متولی آن زیارت گاه بر این باور است که در مراسم روز آغازین بهار (روز نوروز

این علم، نباید از هیچ وسیله مکانیکی و ماشینی کمک بگیرند، بلکه حتماً باید با ریسمان کشی و نیروی انسان‌ها، آن را برپا کنند و در زمین استوار سازند.

● جشن نوروز در کابل

در شهر کابل مانند مزارشریف با





جشن نوروز در تاجیکستان



کارهای کشاورزی «گل گردانی» نام دارد. مراسم گل گردانی را «بایچیچک» یا «بایچیچک گویی» نیز می‌نامند.

مردم تاجیک از زمان‌های قدیم به مناسبت بیداری طبیعت و آغاز شکوفه‌دهی گل‌ها و درختان به گل گردانی می‌پرداختند. در گذشته، وظیفه گل گردانی به عهده بزرگسالان بود. اما این مراسم اکنون در اکثر محل‌ها توسط بچه‌ها و جوانان انجام می‌شود. این مراسم به این صورت اجرا می‌شود که پیش از فرارسیدن نوروز گل گردان‌ها و کودکان به دره و کوه و دشت و تپه رفته و از آنجا گل زردک یا سیاه‌گوش (بایچیچک) می‌چینند. سپس با دسته‌های گل، روستا به روستا می‌گردند و به ساکنان آن‌ها، مژده رسیدن بهار و پایان یافتن زمستان و آغاز کشت و کار بهاری را با اشعاری می‌سرایند.

● مراسم گلگشت نوروزی

ساکنان شهر دوشنبه و حومه آن با رفتن به بوستان‌ها و مراکز تفریحی که آن را «گشت عیدانه» می‌نامند، آغاز عید نوروز در این کشور را جشن می‌گیرند. جشن نوروز در تاجیکستان پنج روز ادامه دارد و تمام اداره‌ها و دستگاه‌های دولتی در طول این ایام تعطیل خواهد بود. این در حالی است که در برخی از مناطق شمال افغانستان حدود ۴۰ روز نوروز را جشن می‌گیرند. مردم تاجیکستان با حضور در پارک‌ها و اماکن عمومی و تفریحی شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان نخستین روز بهار را جشن می‌گیرند. این مراسم که به گلگشت نوروزی معروف است در همه شهرها و روستاهای تاجیکستان برگزار می‌شود. عرضه سفره‌های هفت‌سین و لباس‌های رنگارنگ محلی در قالب نمایشگاه‌های خیابانی، پخت غذاهای ملی و... از مراسم‌هایی است که در جریان برگزاری مراسم گلگشت نوروزی اجرا می‌شود و اماکن عمومی این کشور در این هفته آکنده از عطر خوراکی‌های محلی و رنگ‌های شاد است. تاجیک‌ها در اولین روز بهار، با ماکت با شکوه تخت جمشید جشن‌ها و فستیوال نوروزی را آغاز می‌کنند.

● مراسم سومنک پزی

سمنوپزان یکی از آیین‌های نوروزی در تاجیکستان است. سمنک یا سمنو از بهترین غذاهای نوروزی است که از جوانه گندم و

در آستانه عید نوروز؛ شهر دوشنبه و به خصوص بدخشان تاجیکستان حال و هوای خاصی دارند. خانه‌تکانی، جنب و جوش مردم تاجیک برای آذین‌بندی خیابان‌ها و منازل برای استقبال از بهار و برپایی جشن نوروز دیدنی است. تاجیک‌ها با رسیدن بهار و عید نوروز هیچ کینه و کدورتی در دل‌ها باقی نمی‌گذارند زیرا نوروز عید محبت، عشق و ریزی و دوستی است. مردم تاجیکستان به ویژه بدخشیانیان در ایام عید نوروز خانه تکانی و ظروف خانه را کاملاً تمیز می‌کنند تا گردی از سال کهنه باقی نماند و برابر رسم دیرینه نوروز، قبل از شروع عید نوروز بانوی خانه وقتی که خورشید طلوع کرد دو جارو را که سرخ رنگ است و در فصل پاییز از کوه جمع‌آوری کرده و تا جشن نوروز نگاه داشته در جلوی خانه راست می‌گذارند، زیرا رنگ سرخ برای این مردم رمز نیکی و پیروزی و برکت است.

پس از طلوع کامل خورشید هر خانواده می‌کوشد هرچه زودتر وسایل خانه را به بیرون آورده و یک پارچه قرمز را بالای سردر ورودی خانه بیاویزد که این معنی همان رمز نیکی و خوشی ایام سال است. سپس درها و پنجره‌ها باز می‌شوند تا هوای نوروزی و بهاری که حامل برکت و شادی است وارد خانه شود. حتی آنها دیگ‌هایی را که سیاه شده‌اند را با خاک مخصوص به رنگ سفید در می‌آورند که به معنی نو شدن است. کودکان با گچ سفید روی دیوار نقش گل و بلبل و آهو و بز کوهی می‌کشند. رنگ سفید در روزهای نوروز نقش نمادین دارد و همه جا به چشم می‌خورد. مردان خانواده شاخه‌های بلند درختان را می‌برند و با کارد روی آنها گل می‌تراشند. سپس شاخه‌های آراسته را با ندای «شاگون بهار مبارک!» وارد خانه می‌کنند و در حفره‌های پنج ستون خانه استوار می‌کنند.

تاجیک‌ها هم تقریباً همچون ایرانی‌ها سفره هفت‌سین می‌چینند که به آن سفره «دسترخان» می‌گویند. اما جشن نوروز را برخلاف ایرانی‌ها به خیابان‌ها می‌کشاندند تا همه در آن شریک باشند. در واقع نوروز در تاجیکستان فقط به خانه‌ها نمی‌آید بلکه تمام شهر را متحول می‌کند.

● مراسم گل گردانی

یکی دیگر از مراسم مهم وابسته به نوروز و

آرد تهیه می‌شود و یکی از اجزای اصلی سفره هفت‌سین یا خوان نوروزی به شمار می‌آید. البته مراسم سمنوپزان در کشورهای افغانستان، ایران، تاجیکستان و ازبکستان مهم‌ترین رسم نوروزی است. با وجود این، این خوراکی در این کشورها به ندرت در طول سال خورده می‌شود و تنها در نوروز زینت بخش سفره‌های نوروزی است. این غذا در کشورهای دیگر به نام‌های سمنی، سوملک-سومنک و سوملوک هم شناخته می‌شود. اما در تاجیکستان مهم‌ترین خوراکی تاجیکان برای نوروز که در تمام مناطق تاجیکستان عمومیت دارد، سمنو است که هنگام پختن آن نواهایی نظیر، «بوی بهار است سمنک، آش نهار است سمنک، از گل گندم سمنک، خوردن مردم سمنک» را سر می‌دهند.

سمنک را در تاجیکستان عمدتاً زنان می‌پزند و برای این کار از قبل در ظروف رو باز گندم را به خیس می‌گذارند و تا زمان سبز شدن دانه‌های گندم انتظار می‌کشند. در روزهای آمادگی برای برپایی جشن نوروز شیرۀ گندم را با آرد مخلوط کرده به دیگ می‌ریزند و روی آتش برای پخت می‌گذارند. پخت سمنک از صبح زود دو روز قبل از عید آغاز می‌شود و برای این که سمنک خیلی دیر می‌پزد، زنان طباخ گرد دیگ جمع شده و تا پخت آن با زدن دف در وصف نوروز ترانه می‌خوانند.





آلایندگی زیست محیطی تایرها



مخصوصی هستند که از لحاظ شیمیایی، اندازه، حالت و شکل با زباله‌های دیگر تفاوت دارند.

لاستیک‌ها از مواد پلیمری تشکیل شده‌اند که به راحتی در طبیعت تجزیه نمی‌شوند. در بسیاری از موارد، لاستیک‌های مستعمل روی هم انباشته شده و به شکل کوهی از زباله، مناظر زشتی را به وجود آورده که خطر آتش‌سوزی را نیز به همراه دارند.

کارشناسان معتقدند، سوزاندن لاستیک‌ها، دوده‌های سیاه و مضر را ایجاد می‌کنند که باعث آلودگی محیط می‌شود و با توجه به رشد سریع نرخ مصرف تایر در ایران به دلیل افزایش استفاده از وسایل نقلیه، بزودی با مشکلات جدی در این زمینه مواجه خواهیم بود.

طبق آمار به دست آمده در کشورهای صنعتی به ازای هر شهروند سالانه یک حلقه تایر مصرف می‌شود و سرانه مصرفی تقریبی هر شهروند، ۹ کیلوگرم تایر در سال است. در کشورهای صنعتی از لاستیک‌های فرسوده به‌عنوان سوخت جایگزین در صنایعی چون سیمان استفاده می‌شود.

مشکلات زیست‌محیطی این تایرها برخلاف دیگر مواد زاید جامد، تایرهای زاید را نمی‌توان بدون انجام عملیات مقدماتی دفن کرد، از طرف دیگر، تایرهایی که در طبیعت رها

حتماً تا به حال شده که در حال رانندگی در یکی از خیابان‌ها و بزرگراه‌ها هستید و ناگهان دیدگانتان به جمال یکی دو حلقه لاستیک پاره در کف خیابان‌ها روشن شود. آیا می‌دانید همین لاستیک پاره‌ای که اصطلاحاً به آن تایر گفته می‌شود صنعت بازیافت آن در خارج از کشور چه صنعت پر سودی به شمار می‌آید ولی برعکس در کشور ما این لاستیک‌های پاره شده یا نشده و هیچ تفاوتی با زباله ندارد. بر اساس آمار سالانه ۲۰۰ هزار تن لاستیک در داخل کشور تولید و مصرف می‌شود که حداقل یک پنجم آن در هر سال از بین می‌رود ولی هیچگونه صنعت بازیافتی در این خصوص در کشور ما وجود ندارد. لاستیک یکی از عناصر مهم زندگی بشر بوده و استفاده از آن روز به روز در حال افزایش است.

با توجه به تولید سالانه بیش از ۲۰۰ هزار تن لاستیک در ایران و مطرح شدن موضوع از رده خارج کردن خودروهای فرسوده که خود باعث افزایش لاستیک‌های فرسوده می‌شود، توجه به نحوه مدیریت ضایعات این مواد بسیار اهمیت پیدا می‌کند. مسلماً بهترین راه‌حل در این زمینه بازیافت لاستیک‌های فرسوده است که تاکنون هیچ برنامه خاصی برای بازیافت لاستیک در ایران اجرا نشده است.

لاستیک‌های مستعمل، زباله‌های

سالانه ۲۰۰ هزار تن لاستیک در داخل کشور تولید و مصرف می‌شود که حداقل یک پنجم آن در هر سال از بین می‌رود ولی هیچگونه صنعت بازیافتی در این خصوص در کشور ما وجود ندارد. صنعت تولید تایرهای جدید و پیشرفته برای اتومبیل‌هایی که در آینده به بازار می‌آیند، با پیشرفت‌های روز افزونی همراه بوده است. در این میان محیط زیست همان گونه که تولید و ساخت اتومبیل را تحت تأثیر قرار داده، در نحوه تولید تایر نیز بی‌تأثیر نبوده است.

سازندگان تایر در عین حال که به بهبود مقاومت تایرها اهمیت می‌دهند درصدد هستند تا تایرهایی تولید کنند که دوست‌دار طبیعت بوده و به آن آسیب وارد نسازد. یکی از عوامل افزایش مصرف سوخت در اتومبیل میزان اصطکاک تایر با سطح جاده است و افزایش اصطکاک نیز تأثیر مستقیم در کنترل خودرو دارد. مورد دیگر، وجود خود تایرها در طبیعت است. گورستان تایرها که آکنده از هزاران تایر قدیمی است، دشمن محیط زیست محسوب می‌شود. علاوه بر این هزاران تن لاستیک رها شده در این گورستان، به معنی هدر رفتن منابع انرژی و سرمایه است.

در زمینه بهبود میزان صدای تولید شده توسط تایرها، در زمینه امنیت و قابلیت‌های آنها نیز پیشرفت‌هایی صورت گرفته است



سولفوریک اسیدهای آن بیرون آیند و از این طریق به راحتی می‌توان هم سولفور و هم لاستیک بازیافت شده داشت.

به‌طور متوسط از بازیافت کامل هر تایر می‌توان فلز، لاستیک و فیبر نایلونی با کیفیت مطلوب به دست آورد. لزوم استفاده از بخش خصوصی در این بخش را بسیار با اهمیت دانست تا منجر به شکل‌گیری صنایع بازیافتی لاستیک و تایر و بازاریابی‌های مربوط شود. استفاده مجدد از تایرهای فرسوده در ساخت تایرهای جدید نیز یکی از مهمترین راه‌های بازیافت تایرهاست. از آنجا که هنگام پردازش تایرهای فرسوده به منظور استخراج اجزای مفید آن عملیات متعددی انجام می‌گیرد، به همین دلیل محدودیت‌هایی در استفاده از این نوع لاستیک در تولید لاستیک جدید وجود دارد. استفاده از تایرهای فرسوده علاوه بر کمک به پاکسازی محیط زیست و راهی برای دستیابی به زمین پاک، می‌تواند مزایای دیگری همچون کاهش قیمت تمام شده و افزایش کارایی را به دنبال داشته باشد که نیازمند مدیریت قوی در بخش مواد زاید و جامد است.

خرده‌های پلاستیکی در بازسازی زمین‌های بازی اشاره کرد که فایده همه اینها کمک به چرخه مواد در طبیعت است.

بازیافت فیزیکی را یکی از روش‌های بازیافت لاستیک‌های فرسوده می‌باشد که در این روش لاستیک‌ها با حرارت خارجی گرم و بازیافت می‌شوند. در این فرآیند، شبکه‌ای سه بعدی از اتصالات عرضی در جوار انرژی می‌شکند و مولکول‌های پلیمر به مولکول‌های کوچکتر تقسیم می‌شوند و این مولکول‌های کوچکتر به راحتی با لاستیک خام به‌عنوان پرکننده‌ای تقویتی مخلوط می‌شوند و لاستیک بازیافت شده را می‌سازند. بازیافت لاستیک از طریق مواد شیمیایی که بیشتر صنایع بازیافت لاستیک از این مواد شیمیایی استفاده می‌کنند که این مواد معمولاً دی‌سولفیدها یا مرکپتان‌ها هستند که در حرارت‌های مشخص به کار گرفته می‌شوند.

استفاده از فرآیند بیوتکنولوژی در بازیافت لاستیک شامل فرآیند بیوتکنولوژی برای بازیافت لاستیک و نگهداری آن در محیط باکتریایی و بدون هواست تا سولفورها و

می‌شوند، خطرات جدی برای محیط زیست و سلامت انسان‌ها به همراه دارد همچنین تجمع و دفن تایرها، آمادگی و قابلیت زیادی برای آتش‌سوزی دارند، به طوری که آتش گرفتن آنها با دود غلیظی همراه بوده و کنترل آن مشکل است. این دودها هیدروکربن‌های نسوخته هستند و گازهای سمی را وارد محیط می‌کنند، تایرها دارای سولفور، آهن و فلزهای دیگری هستند که در فضا و شرایط نامناسب باعث آزاد شدن مواد و گازهای خطرناک می‌شوند. مزایای استفاده مجدد از تایرهای فرسوده استفاده‌های مجدد از تایرهای فرسوده راه حل بسیار جالب و مناسبی برای کاهش ضایعات، کاهش قیمت‌ها و افزایش کیفیت و ایمنی محیط زندگی است. کاهش زباله - کاهش قیمت محصولات و امنیت طرح‌های عمومی محلی از دیگر مزایای بازیافت تایرهای فرسوده است.

افزایش کیفیت و امنیت طرح‌های عمومی محلی به استفاده از آسفالت با پوشش پلاستیکی در جاده‌های محلی، استفاده از تکه‌های کوچک و ریزه پلاستیک و تایر در دیگر کارهای مهندسی عمران و استفاده از







داستان



تصویرسازی مانی آزادبخخواه

سُمچال



محمد علی آزادبخخواه

نویسنده

در آب‌های جنوب جزیره تاسمانی آن‌جا که آب‌های اقیانوس هند و کبیر و منجمد جنوبی قاطی هم می‌شوند، ماهی کوچولویی با تیزی و فرزی و شیطنتش چنان دهان گاله دولابی کوسه هار و هیولایی را خالی به هم آورد که هزارتا دهان را به ماشالله گفتن باز کرد. عین همین بازی را یک بچه ماهی ز رنگ و باهوش سر ماهیخواری در صد کیلومتری شرقی ایسلند آورد و صدتا آفرین و هزارتا بارکالله تحویل گرفت. میان گذر گاه دریک، در جنوب آمریکای جنوبی و جایی که آب‌های اقیانوس آرام و اطلس به هم وصل می‌شوند، بچه‌ماهی زبلی ماهی استتار کرده و به کمین نشسته‌ای را آن‌چنان از رو برد و کنف کرد که تا یک هفته هر آبی خوش‌قلبی که می‌شنید ده تا آفرین و صدتا ماشالله می‌گفت. در جویبار کوچکی از رودخانه‌ی آمازون ماهی نوجوانی چنان رویی از مرغ ماهیخوار کم کرد که ماهی‌های تمام آن جویبار جنگل انبوه گفتند خدا یارش باشد و داغش را نبینند پدر و مادرش.

در یکی از نهرهای کارون خودمان هم که مثل آمازون و نیل و دانوب و کنگو به همه‌ی آب‌های محل آن شیرین کاشتن‌های بچه‌ماهی‌ها، راه دارد و با همه‌شان هم آب مخلوط می‌شود بچه‌ماهی شاد و شنگول و ورزشکاری شیرین کاری کس‌مکردی را انجام داد عین‌هو آن‌ها؛ اما دریغ از یک ماشالله گفتنی. به قول مادر بزرگش (چرا بعضی‌ها این همه دیده‌تنگند و برخی‌ها نمی‌خواهند و نمی‌توانند اصلاً ببینند؟)

این نهر از بغل دهکده‌ای میان کوهی (آب رسا) می‌گذرد. یک روز دیدم کار پیری سوار بر خرش چادر شب پر علفی هم گرفته بود جلوش و می‌خواست از این آب بگذرد. خر زبان‌بسته‌اش تشنه بود و به جوی آب که رسید سم راستش را گذاشت توی گل‌های لب جو و همه سنگینی‌اش را بار دستش کرد تا پوزهاش رسید به آب، سیراب که شد با تکان و خیز و فشار دستش را از گل کشید و از جو گذشت.

را از هم باز گرفته و ایستاده بود و مادرش پشت سرش داشت با آب و تاب نمود پسرش را هرچه بیشتر برملا می‌کرد. مادر بزرگ آمد کنار دخترش و دمش را زد به دم دخترش و آهسته گفت:

زبان به دهن بگیر زن، کم از چشم شور ترساندمت؟ از چشم‌های ورقلمبیده این همسایه دست چپی بترس، نمی‌بینی همه لال‌مونی گرفته‌اند و دهان‌شان به یک ماشالله گفتن باز نمی‌شود. چرا به دست خودت داری بلا به جسم و جان بچه‌مان می‌خوری؟

مادر ساکت شد و به آهستگی رفت که برود داخل خانه. ماهی نوجوان باله‌های بالا گرفته‌اش را پایین انداخت و با دل‌خوری زیر لبش گفت: کاش خدا این پیرزن قرقرو را از میان ما برمی‌داشت.

پی‌نوشت:

- سُمچال: چاله‌ای که از محل قرار گرفتن سم حیوان در کنار جوی آب یا زمین نمناک به وجود می‌آید.

- جزیره تاسمانی: نام جزیره و ایالتی در جنوب شرق استرالیا است.

- گاله‌دولابی: استعاره از دهان

- گذرگاه دریک: آبراه عمیقی به عرض ۱۰۰۰ کیلومتر است که در میان دماغه هورن، واقع در جنوبی‌ترین نقطه‌ی آمریکای جنوبی قرار دارد.

منتشر شده در ماهنامه سرمشق سال چهارم - شماره سی و هشت بهمن ۱۳۹۸

فوری اندازه‌ی یک استکان بزرگ چینی دسته‌دار آب دوید توی گودال جای دست خر و چرخ‌ی زد و همان‌جا آرام گرفت. یک هفته نرسید جل‌وزغ یا به قولی لحاف قورباغه مثل ابرهای تکه پاره‌ی بهاری سطح سُمچال را پوشاند و هفت هشت تا از آن ماهی‌های ریز جویبار آمدند زیر سایه‌ی سبز جل‌وزغ‌ها مسکن گرفتند و عالمی امن و امان ساختند و دنیاشان از کندن و بردن آب آسوده شد. به یک ماه نرسید که خانم‌ها چشم شوهرانشان را به قدم نورسیده روشن کردند و شدند صاحب چندتا بچه‌ی شلوغ. بچه‌ی همان زوجی که روبه‌روی راه آب سُمچال به جویبار خانه داشت گویا سر شب زود خوابیده بود و صبح زود که هنوز ستاره‌ها روی آسمان پیدا بودند سیر خواب و سرحال از جایش پرید و دید دلش برای یک جست‌وخیز و بدوبدو حسایی لک زده است. بنا کرد یک دور دو دور سه دور دور گودال چرخیدن. حسایی که به نفس نفس افتاد خودش هم باورش نشد که سه دور دور گودال چرخیده است.

مادرش هنوز خواب بود و ذوق زده آمد بالای سر مادرش که ننه ننه من سه بار دور دنیا گشته‌ام. مادرش بعد از کلی قربان صدقه رفتن نتوانست جلوی خودش را بگیرد، صدایش را به سر انداخت که همسایه‌ی سمت چپ، همسایه‌ی دست راست، آشناها قوم و خویش‌ها شما را خدا بیایید ببینید پسر من سه بار به ولله سه بار صبح به این شب‌گیری دور دنیا را گشته است. پسر جلوی همسایه‌ها و همبازی‌ها باله‌هایش









فیزیولوژی اثر موسیقی در بدن



◀ شهاب جعفری
◀ مدرس موسیقی و پژوهشگر هنر

می تواند سلامتی قلب را بهبود بخشد و کلسترول خون را پایین بیاورد. تحقیقات آن ها نشان می دهد اگر بیماری به مدت سی دقیقه در روز به موسیقی مورد علاقه اش گوش دهد، تأثیر آن بیشتر از آرامش روانی خواهد بود! تأثیر فیزیکی این عمل، انبساط و پاکسازی رگ های خونی است. موسیقی این کار را با آزاد کردن اسید نیتریک در جریان خون انجام می دهد که از لخته شدن خون و تولید کلسترول مضر جلوگیری می کند. در اصل، نوع خاصی از موسیقی، تأثیری بر خون ندارد و این تأثیر، مرتبط با آنچه است که شنونده ترجیح می دهد بشنود. همین مسئله درباره میزان صدا و گام موسیقی نیز صدق می کند ولی تأثیر موسیقی تنها برای چند ثانیه در خون باقی می ماند، اما تأثیری که در مجموع از صداهای مورد علاقه شنونده می ماند، ماندگارتر بوده و برای اشخاص در هر سنی مفید است. یکی از محققان گفته که ما به دنبال کمک کننده های ارزان تر و غیرشیمیایی برای سلامت بیماران قلبی بودیم و تصور می کنیم موسیقی توصیه خوبی است.

● چشم

محققان برزیلی، از سی بیمار که چشم آن ها به بیماری گلوکوم یا آب سیاه مبتلا بود خواستند تا پیش از انجام این آزمایش، ۱۰ دقیقه به سونات پیانوی موتزارت گوش کنند. در همین حال سی بیمار دیگر در سکوت، منتظر انجام این آزمایش بودند. این تحقیق که نتیجه آن در یکی از شماره های مجله چشم پزشکی بریتانیا چاپ شده است، حاکی

می شود و به علاوه بعضی از مسائل فیزیولوژیک غیرارادی از قبیل یأس، احساس درد و فشارخون را هم تنظیم می کند. مطالعات یک گروه روان پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی بیل در آمریکا نشان داد که آموزش موسیقی نیمکره چپ مغز را تحریک می کند و یادگیری شفاهی نیز توسط همین قسمت از مغز انسان کنترل می شود. مطالعات بعدی این محققان نشان داد بهبود حافظه انسان با ادامه یادگیری موسیقی، ادامه پیدا می کند و با توقف آموزش موسیقی متوقف می شود. آن ها همچنین پی بردند که شنیدن موسیقی هایی که بر مبنای ضرباهنگ قلب تدوین شده اند، در آرامش اعصاب و کاستن تنش افراد مؤثرند. آن ها در یک آزمایش از ۵۰ داوطلب خواستند که در اتفاقی به پاسخگویی یک سری پرسش که مرتب سخت تر می شد، بپردازند. برای نیمی از داوطلبان، موسیقی متکی به ضرباهنگ قلب آنان پخش شد و دیگران در سکوت به حل مسائل ادامه دادند. پرسش های تنظیم شده در پرسشنامه به منظور اندازه گیری میزان استرس و اضطراب داوطلبان و احساس خستگی آنان تدوین شده بود. نتایج حاصل از پاسخ ها حکایت از آن داشت داوطلبانی که به موسیقی قلب خود گوش می داده اند به مراتب از آرامش بیشتری برخوردار بوده اند. آن ها ثابت کردند که موسیقی، دقت، هوش، حس مشاهده، استنباط و عواطف روحی انسان را تقویت می کند.

● قلب و دستگاه گردش خون

پزشکان دریافته اند که تجویز موسیقی

روان پزشکان معتقدند که گوش دادن به موسیقی باعث ترشح اندروین ها در بدن می شود که این آنزیم علت اصلی تسکین درد هست. همچنین موسیقی با انرژی زایی در بدن از طریق تأثیر بر نرون های مغزی می تواند بر تعداد تنفس و ضربان قلب که خود نمودی فیزیولوژیک از آرامش یا استرس هستند اثر بگذارد. در سال ۱۹۸۳، دو محقق به نام های «ملزین» و «وال» در تئوری خود اعلام کردند که احساس درد و پردازش آن یک روند پیچیده از ارسال و پردازش سیگنال هایی است که توسط یک سری نرون خاص به مغز می رسند. آن ها این مسیر را «دروازه درد» نامیدند. حال اگر این دروازه باز باشد، یک محرک دردآور می تواند باعث ایجاد احساس درد شود، اما یک سری مکانیسم ها وجود دارند که با این مسیر پردازش تداخل پیدا می کنند و این دروازه را به صورت کامل یا ناقص می بندند و موسیقی هم با این مکانیسم باعث جلوگیری از درد می شود.

موسیقی در طرف چپ مغز، یعنی همان جایی که محل پردازش زبان است، درک می شود. موسیقی با اثر بر روی سیستم لیمبیک، باعث تنظیم و اداره احساسات فردی



است که گوش کردن به این موسیقی، باعث شد که بیماران گلوکومی با دقت بیشتری در این آزمایش شرکت کنند. بر اساس نتایج این تحقیق، دقت بیماران پس از شنیدن یکی از آثار موتزارت، بهبود می‌یابد.

● عمل‌های جراحی

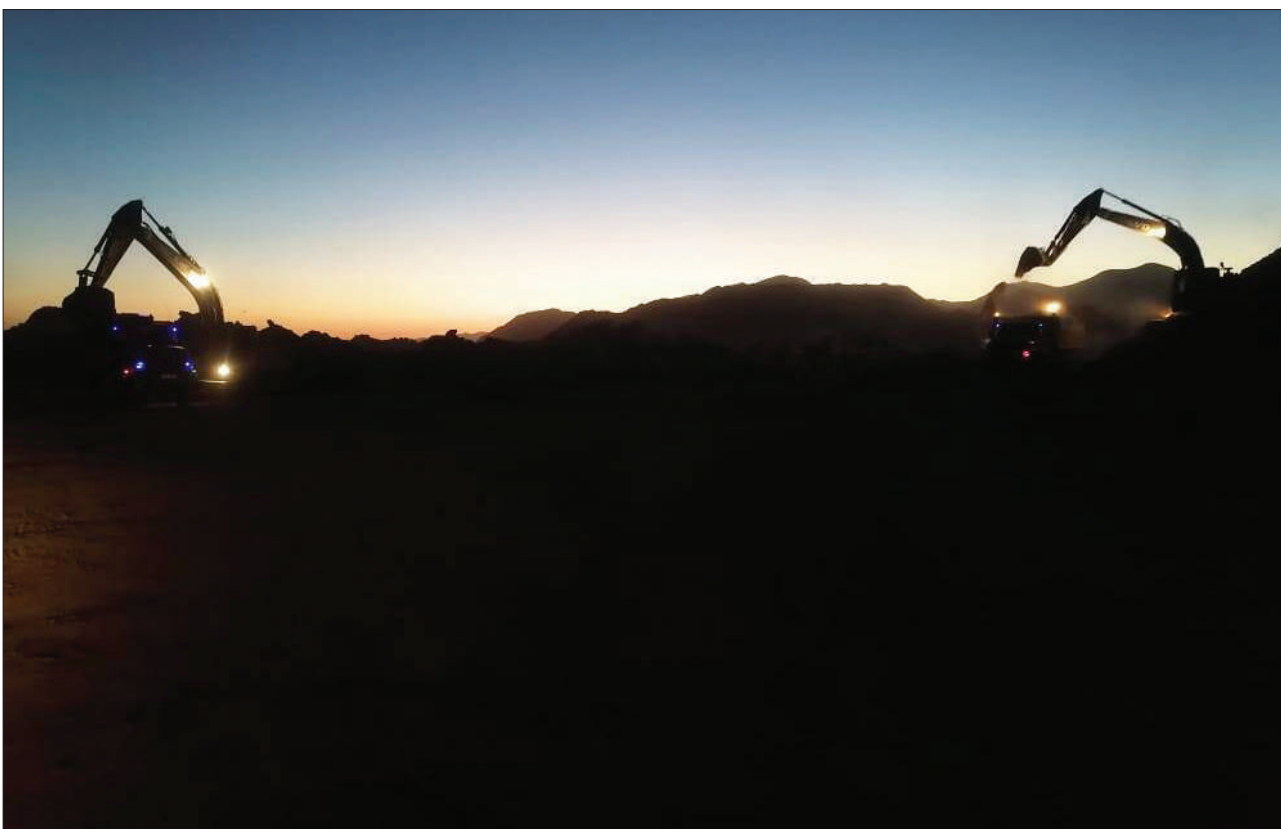
در پژوهش دیگری که در دانشگاه پزشکی ییل آمریکا انجام شد، بیماران بالغی که تحت بیهوشی و عمل جراحی قرار می‌گرفتند بررسی شدند. آن‌ها به مدت ۳۰ دقیقه موسیقی‌ای را به انتخاب خودشان گوش دادند. قبل و بعد از شنیدن موسیقی میزان اضطراب آن‌ها توسط آزمون STAI و نیز بخش فیزیولوژیک اضطراب از طریق سنجش ضربان قلب، فشارخون، کورتیزول، اپی‌نفرین و نوراپی‌نفرین سرم اندازه‌گیری شد. سطح اضطراب به طور قابل‌ملاحظه‌ای کمتر بود و در حدود ۶۶٪ کاهش یافته بود.

در مطالعه دیگری اثرات موسیقی بر اضطراب را در بیمارانی که در انتظار عمل جراحی باز قلبی بودند مورد بررسی قرار دادند. این مطالعه کاملاً آزمایشی بود و در آن یک تست اولیه و یک تست ثانویه از ۱۰۰ نفر انجام شد که ۶۲ نفر از آن‌ها مرد و ۲۸ نفر زن بودند. این افراد قبل از عمل جراحی به مدت ۲۰ دقیقه به موسیقی گوش دادند. نتایج جالب بود: در مردان کاهش اضطراب ۲۰ درصدی و در گروه زنان کاهش ۴۰ درصدی اضطراب مشاهده شد و بدین ترتیب ارتباط معنی‌داری بین موسیقی و کاهش اضطراب یافت شد. ضربان قلب و

فشارخون در هر دو گروه کاهش یافته بود. مطالعات دیگری نیز در زمینه کاهش اضطراب ناشی از موسیقی در بیماری‌ها و شرایط مختلف انجام شده است که باز همگی تأییدکننده تأثیر بسزای موسیقی بر کاهش اضطراب هستند. در یک مطالعه که در آمریکا انجام شد، اثرات موسیقی بر کاهش اضطراب در ۲۰ بیمار که منتظر انجام بیوپسی پستان بودند بررسی شد. این افراد در اتاق انتظار اتاق عمل ۲۰ دقیقه موسیقی گوش دادند. در نتیجه این آزمایش اضطراب، ضربان قلب و فشارخون همگی کاهش عمده‌ای نسبت به قبل از آن داشت. شبیه چنین مطالعه‌ای نیز در مردانی که عمل جراحی پروستات داشتند انجام شد که نتایج آن هم مؤید تأثیر موسیقی در آن‌ها بود. طبق تحقیقات انجام شده، موسیقی می‌تواند درد را کاهش دهد. در یک مطالعه، خانمی ۵۶ ساله مبتلا به MS و درد شدید به صورت داوطلبانه تحت موسیقی درمانی قرار گرفت. در این قطعه موسیقی کلماتی که بیمار را تشویق به بهبودی و داشتن اعتقاد به بهبودی می‌کرد، گنجانده شد و بیمار در حالت استراحت ۲۰ دقیقه به آن گوش می‌کرد. بیمار بعد از شنیدن موسیقی اظهار داشت که خواب راحتی داشته و دردش کمتر شده است. در بخش انکولوژی بیمارستان مرکزی توکیو ژاپن نیز پژوهشی در مورد تأثیر موسیقی درمانی در درمان بیماران مبتلا به تومور انجام شد. در این مطالعه ۱۸۰ بیمار مبتلا به تومور مورد بررسی قرار گرفتند

که سنجش و ارزیابی آنان بر اساس SDS و SAS و سنجش ایمونوهیستوشیمیایی لنفوسیت‌های تی و داروهای ضدتومور انجام گرفت. در میان این بیماران ۵۰ نفر تحت موسیقی درمانی قرار نگرفتند و به‌عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شدند. در نتیجه این مداخله میزان SDS و SAS در گروه درمان شده، بعد از درمان واضح از گروه کنترل کمتر بود. در ایران نیز تحقیقاتی در این زمینه انجام شده است که یک نمونه آن به بررسی تأثیر موسیقی بر میزان دردهای مزمن بیماران مبتلا به سرطان بستری در بیمارستان سانتال تهران می‌پردازد که توسط آقای «علی یوسفی‌نژاد» نوشته شده است. نویسنده این مقاله را از خودشان گرفته و مطالعه کرده اما در این مقاله ۴۰ بیمار مبتلا به سرطان در سنین ۷۰-۱۸ سال قرار داشتند که به دو گروه الف و ب تقسیم شدند. روند کار این بود که میزان درد در سه روز اول صبح و عصر تعیین و در سه روز دوم موسیقی برای گروه الف و در سه روز سوم موسیقی برای گروه ب پخش شد، آنگاه طی سه روز چهارم میزان درد تعیین شده و با میزان درد قبل از ارائه موسیقی مقایسه شد. یافته‌ها با آزمون تی و ویلکاکسون بررسی شدند، نتایج دال بر این بود که میزان درد و تعداد مُسکن قبل و بعد از پخش موسیقی اختلاف معنی‌داری دارد.

منتشر شده در ماهنامه سرمشق سال پنجم، شماره چهل و یکم، خرداد و تیر ۱۳۹۹









داستان طنز

من، غضنفر ۶۰ سال دارم



سه روز است که کبری خانم گیر داده‌اند بیاییم خدمتتان عرض ادب بکنیم، آمدیم سرچشمه، راهمان ندادند، گفتند نامه بنویسید رسیدگی می‌کنند، خودمان هم خیلی پیگیر شدیم اصلاً راهمان ندادند که داخل کارخانه بیاییم. هر چه گفتیم به خدا ما خودمان این کارخانه را ساختیم، خودمان راه انداختیم، قلب و شش و کمرمان را اینجا گذاشتیم، جوانی‌مان را اینجا گذاشتیم، باز راهمان ندادند. گفتیم اصلاً ما نمی‌خواهیم پیش آقای مدیرعامل برویم. می‌خواهیم فقط برویم توی ذوب زیر دامپرها کمی گاز استنشاق کنیم، شاید خس‌خس سینه‌مان بهتر شود، باز هم راهمان ندادند. یک آدمی در نگهبانی ما را می‌شناخت، گفت که عریضه بنویسیم، رسیدگی می‌کنند! الحال که این عریضه را می‌نویسیم سه روز است که کبری خانم ما را به خانه راه ندادند. راستش این سه روز را خانه‌ی خواهرمان در روستا بودیم، شوهر خواهرمان الحمدلله وضع خوبی دارد. راننده سرچشمه بوده، بعد تریلی گرفته و حالا الحمدلله سه تا

دور از جان شما کمی سینه‌مان خس‌خس می‌کند که دکترها می‌گویند مال سیگار است. هر چه قسم و آیه خوردیم که تمام عمرمان لب به سیگار نزده‌ایم باور نکردند، می‌گفتند کار سینه‌مان از عوارض دود سیگار است! بعد که گفتیم کارگر سرچشمه بوده‌ایم باور کردند و خیالشان راحت شد. گاه‌گاهی تنگی نفس داریم. شب‌ها خیلی سرفه می‌کنیم. کبری خانم حالا رختخوابمان را توی زیرزمین می‌اندازند. دکترها هم شربت می‌دهند تا می‌خوریم، خوبیم! ناشکری هم نمی‌کنیم. خدا به داد دل صغری خانم برسد. شوهر او زیر چادر اکسیژن می‌خوابد مثل قنبر ما، ولی وضعیتش از قنبر بدتر است. راستش اگر کبری خانم گیر نمی‌دادند مزاحم نمی‌شدیم، ما خودمان گرفتاری‌های شما را می‌دانیم، شما هفته‌ای نصف روز می‌آیید سرچشمه که به امورات رسیدگی کنید، ما بیاییم مزاحم می‌شویم، ظلم است. با آن همه گرفتاری‌هایی که توی تهران دارید، بعد ما هم اینجا مزاحم بشویم، ظلم است.



◀ مهدی محبی کرمانی
◀ نویسنده

ای نامه که می‌روی به سوبش
از جانب من بیوس رویش

خدمت آقای مدیرعامل ذوب‌آهن مس
سرچشمه

پس از عرض سلام و اظهار ارادت، باری اگر جویای احوالات اینجانب غضنفر را خواسته باشید بفرماید... نعمت سلامتی برقرار است و ملالی نیست جز دوری شما که آن هم حاصل نشد! یک ماه قبل که رفته بودیم آنژیو، بالون زدند و خوب شدیم. دیسک کمرمان هم الحمد... بهتر شده است. مختصری درد گردن داریم که آن هم با دعای خیر دوستان انشاء... برطرف می‌شود. فقط



تیم مس قهرمان شود، بیایید از خود ما برای تیم فوتبال استفاده کنید، ما آن قدر به اسم مس غیرت داریم که حتی آرسنال و رئال هم حریف ما نمی‌شوند. کبری خانم شنیده‌اند که تیم فوتبال انگیزه می‌خواهد، ما خودمان از همه بیشتر انگیزه داریم. ما خودمان کم گلی به آمریکایی‌ها زدیم؟ آفریقای جنوبی، شیلی، انگلیس، این‌ها همه را توی همین سرچشمه شکست دادیم! راستش ما خودمان همین الان ۷ بازیکن آماده داریم که با بچه‌های برادرمان قنبر، می‌شوند ۱۶ تا. این‌ها خودمان و پسرهایمان هستند!

ما یک بدشانسی توی سرچشمه داشتیم که تمام اولاد بزرگمان پسر شد. توی سرچشمه همه پسرزا می‌شوند، این را مادر خدایامرز کبری خانم می‌گفت. مادر خدایامرز خودمان عقیده دیگری داشت. او اصلاً با کبری خانم میانه‌ای نداشت و می‌گفت: آدم باید دختر داشته باشد که وقت مرگش نوحه‌سرایی کند، به سر و سینه‌اش بزند، توی مجلس ختم آدم غش بکند... پسرها برای آدم این کارها را نمی‌کنند. کبری خانم لج کرده بود که باید دختر بزاید. وقتی که بازنشسته شدیم کبری خانم دو تا دختر زایدید. قنبر، برادرمان دختر ندارد. او الحمدالله ۸ تا پسر دارد. صفر برادر کوچکمان که معلم است و توی سرچشمه نبوده، ۵ تا دختر دارد. قسمت بود که کبری خانم و بلقیس خانم زن برادرمان پسرزا شوند که امروز تیم فوتبال شما لنگ نباشد.

ما خودمان حاضریم بدویم، هم من و هم قنبر، ما کم نمی‌دویم، نگران قلبمان هم نباشید. فووش ما را روی نیمکت بگذارید، قرارداد ببندید، بعد بگویید مصدوم شده‌اند. شما همین امسال کم مصدومی داشتید که یک بار هم بازی نکردند؟

ما سرمان را هم از ته می‌تراشیم که موهای سفیدمان توی ذوق نزنند. قنبر هم یکی دو ساعت می‌تواند بی‌چادر اکسیژن زنده بماند، تازه فکر نمی‌کنیم هیچ‌کس از این جوان‌ها، همین الان هم نفس ما را داشته باشند. توی سی سال گذشته توی سرچشمه ما کم ندویدیم. توی سرمای آنچنانی، توی ارتفاع سه هزار متری کم ندویدیم. روزی دو بار فقط از ذوب تا ترمینال دویدیم. صد بار پله‌های ذوب را پایین رفتیم. نود دقیقه که سهل است ما حاضریم چهار روز بدویم! توی بحران سد، ۱۷ روز دویدیم، توی بحران دکل‌ها، یک هفته دویدیم، همین حالا که شصت سالمان است، حاضریم از اینجا

بیامرز که این جور مواقع به داد همکارانش می‌رسد و سهم آن‌ها را می‌خرد! الحمدالله توی تمام تعاونی‌ها عضو است و کلی هم توی شهرهای مختلف خانه تعاونی دارد. غرض از تصدیع اوقات مبارک این بود که به عرض برسائیم حالا پسرهایمان الحمدالله شاخ شمشاد، سربازی رفته، لیسانس، مهندس و همه بیکار دور و برمان را گرفته‌اند. آن کوچکی هم که عاشق شده بود، خدا رحم کرد و طرف عروس شد، حالا دارد کتاب شعر می‌نویسد. خدا خیری به کبری خانم بدهد، حواسش به همه‌جا هست. خودش برای طرف شوهر پیدا کرد که شر قصه کوتاه شود، این‌ها را گفتیم که بدانید کبری خانم زن فهمیده‌ای است و ما هم اصلاً زن ذلیل نیستیم. کسی که سی سال با آن پاتیل‌های مس مذاذ دمخور باشد، البته حریف یک ضعیفه هم هست. کبری خانم، خانم بسیار پرحوصله‌ای است تحمل یک بازنشسته، آن هم بازنشسته‌ای که درست تطبیق نشده باشد، سهام نگرفته باشد، به جای ۱۵ درصد مصوب دولت فقط ۵ درصد اضافه سالیان گرفته باشد، خانه نداشته باشد و شب‌ها هم تا صبح سینه‌اش خس‌خس بکند، خیلی حوصله می‌خواهد که الحمدالله کبری خانم دارند.

کبری خانم عرضی داشتند که قرار شد من مصدع گردم، تمام پارسال کبری خانم وقایع لیگ برتر را تعقیب می‌کردند، هر وقت که تیم صنعت مس بازی داشت، تمام امور خانه تعطیل می‌شد. همه ما و بچه‌ها کنار تلویزیون می‌نشستیم، کبری خانم تعصب عجیبی روی تیم مس دارند، مثل خود ما!

کبری خانم می‌خواستند که ما خدمتتان برسیم و این عرض را محرمانه بگوییم که رسانه‌ای نشود، حیف که راهمان ندادند، این شد که ناچار شدیم این مقوله را کتباً خدمتتان عرضه بداریم. کبری خانم می‌گویند شما رئیس ورزش هم هستید، می‌گویند به تیم فوتبال مس خیلی علاقه دارید، کرور کرور پول خرج می‌کنید، بازیکن از خارجه می‌آورید، مربی از اصفهان، فوتبالیست از رشت، همین‌طور پیگیر فوتبال هستید که تیم مس قهرمان بشود. کبری خانم می‌گویند که خدا کند نصیب‌الحج شوید و بروید زیارت‌خانه خدا و بعد از رمی جمرات، علاوه بر شیطان ۷ سنگ هم حواله‌ی پیکان و صبا باطری بکنید که به مس گیر ندهند!

کبری خانم می‌گویند که اگر می‌خواهید

تریلی دارد. یک خانه سیرجان خریده است، یک آپارتمان در بندرعباس. یک زن دیگر هم گرفته، خواهرمان خبر دارد ولی به روی خودش نمی‌آورد! می‌گوید هوای شهر به من نمی‌سازد با بچه‌ی آخری‌اش توی روستا مانده است. شوهر خواهرمان به خواهرمان می‌گوید: «خواهر مهندس!»، طعنه می‌زند، از وقتی که ما را یک‌شبه کارمند کردند و فردایش بازنشسته شدیم، مهندس شده‌ایم! تقصیر کبری خانم بود که روزهای اول پز کارمندی ما را داده بود؟!

امروز کبری خانم پیغام داده‌اند که می‌توانیم به خانه برگردیم. خودشان پیگیری کرده بودند. معلوم شد که بی‌تقصیر بوده‌ایم. حالا به همین عریضه رضایت داده‌اند، فقط تأکید کرده‌اند که موبه‌مو حرف‌های ایشان را بنویسیم. نه اینکه ما زن ذلیل باشیم، نه الحمدالله کبری خانم رعایت احوال ما را می‌کنند. خوب این قدرها هم حق دارند. حسابش را بفرمایید، آدم وقتی ۹ سر عاقله و ۷ تا بچه بیکار توی خانه داشته باشد و نتواند هیچ‌کدامشان را هم سر کاری بگذارد، دخترانش هم گیر جهیزیه باشند و هی خواستگار از دست بدهند، باید سرش را خم کند که عیال مربوطه روزی سه تا پس‌گردنی جانانه به آدم بزند تا آدم یادش نرود که بوی کباب شهریور ۷۱ از کانتین نبوده، بیرون بلانسیت خر داغ می‌کرده‌اند! خدایی‌اش کبری خانم زن خوبی است، همین که طلاهایش را فروخت تا خرج دانشگاه دو تا پسر اولی را بدهد کم‌چیزی نیست، پدرش هم که مرد سهم دختربخش کبری خانم دو قصب از خانه پدری‌اش بود که آن هم خرج فوق‌دیپلم پسر سوممان شد، شانس آوردیم که دو تا پسر بعدی حتی پیام نور هم قبول نشدند و رفتند سربازی. خرج دانشگاه دختر اول‌مان را هم خدایامرز مادر کبری خانم داد که تا پارسال با ما زندگی می‌کرد. این آخری هم که هنوز پیش‌دانشگاهی می‌رود و الحمدالله اهل درس خواندن هم نیست. حالا آمده‌ایم پول تعاونی مسکن را پس گرفته‌ایم که اگر خدا بخواهد جهیزیه‌ای برای دختر اول‌مان جور کنیم که به خانه بخت برود، عجالتاً نامزدش بیکار است. ما هم شرط کرده‌ایم هروقت کار گرفت عروسی کنند.

این تعاونی هم خانه‌ساز نیست. هرچی پول داشتیم دادیم. بعد هم اخطار کردند که چون اقساط آخری را ندادهایم، عضویمان لغو می‌شود. رفتیم دنبال وام که جور نشد. خدا پدر یکی از همکاران قدیمی سازمان را



تا تهران بدویم که کار سهام‌مان درست شود. این جا کانون کاری برای ما نمی‌کند. رفتیم دنبال سهام گفتند دفترچه‌های درمانی‌ات کو؟ فکر کردیم که باید دفترچه‌ها را بدهیم، سهام بگیریم، معلوم شد که کانون فقط نسخه‌ها را رسیدگی می‌کند، کاری به سهام ندارند!

راستی یک فکری هم برای این کانون بکنید، یک هیئت‌مدیره خوب هم از خودتان برای این کانون بگذارید، فرض بفرمایید این هم یکی از شرکت‌های وابسته است. کبری خانم می‌گویند حتماً بنویسیم که مگر ما چه فرقی با شاغلین داریم، به همه شاغلین سهام داده‌اید، حقوق‌های میلیونی، چرخ‌خیاطی، اجاق‌گاز و جهیزیه کامل می‌دهید، رانده‌مان می‌دهید، به بازنشستگان هم بدهید، نمی‌دانید چیزی که شما می‌دهید این قدر برکت می‌کند که ما ۶ ماه با آن می‌سازیم؟! همین برنج و روغن شما کم‌برکتی دارد!

برادرزن قنبر دو سال است که در سرچشمه سر کار آمده است. بیکار بود، رفت از خانواده رئیس روسا زن گرفت. توی ماه‌عسل بود که استخدام شد. تازه ماه‌عسل را هم توی مهمانسرای شرکت بودند. حالا رئیس شده است. ماشین دارد، خانه دارد! کلی سهام گرفته، توی تعاونی تهران آپارتمان گرفته، توی کرمان خانه دارد! خامش‌پریروز آمده بود برای بلقیس خانم پُز داده که سهام مس دارد می‌رود توی بورس مالزی!... کبری خانم هم بد فهمیده، فکر کرده تمام شاغلین را دارند می‌برند مالزی!... حالا ببینید تا قصه روشن شود، چی به کبری خانم گذشته بود. غرض از این عریضه همان بحث محرمانه‌ی تیم فوتبال بود. بس که کبری خانم هی حرف توی حرف آورده بودند ما همه چیز را قاطی کرده‌ایم، حرف حرف می‌آورد.

می‌دانیم که من و قنبر گل زن نیستیم. ما تا اینجا همه‌اش گل خورده‌ایم، چپ و راست! به درد دروازه‌بانی نمی‌خوریم! ما خیلی هنر داشتیم باید جلوی همین دروازه دهنمان را می‌گرفتیم! که کارمان به اینجا نکشد. اصلاً میانه زمین مال من و قنبر. تازه می‌توانیم پستوی گوش راست و چپ هم باشیم. دو تا پسر بزرگی‌مان هم جان می‌دهند برای دفاع. اگر قرار باشد چهار/دو/چهار باز کنیم. دو تا پسر قنبر هم می‌آیند دفاع. سن و سالشان هم همین حدود سن و سال تقی‌پور است. غیرت عجیبی دارند. پارسال یکی توی کوچه به دختر همسایه‌شان متلک گفته بود، چهار نفره

سابقه آشنایی با آقای نیک‌نفس داریم. همین صابر شعر هم می‌گوید، بچه که بود آقای نیک‌نفس خیلی او را تشویق می‌کردند، بنده خدا نمی‌دانست که شعر آب و نان نمی‌شود. کاش تشویقش کرده بودند برود فوتبال!

از بابت تماشاجی هم خیالتان راحت باشد، تماشاجی هم از خودمان، ما توی انتخابات شورای اول سرچشمه ۳۰ تا اتوبوس آدم آوردیم. تازه این‌ها نصف فامیل واجد شرایط کبری خانم بودند. بلقیس خانم هم هزار تایی فامیل دارد. همه‌شان هم هوادار هستند!

کبری خانم خدمت شما سلام فراوان می‌رساند و می‌گویند اگر انشاء... سهم خودتان را گرفتید و خواستید بازنشسته شوید، می‌توانید بیایید شهر ما، برای مجلس کاندید شوید. ما کلاً مهمان‌نواز هستیم آن قدر که ترجیح می‌دهیم مهمانمان را هم نماینده کنیم. روی رأی ما هم حساب کنید. این موضوع تیم فوتبال را هم فعلاً محرمانه داشته باشید. خودمان یک تاکتیک جدید هم درست کرده‌ایم که انشاء... کبری خانم اجازه بدهند خدمتان عرضه می‌داریم. ما دلمان برای شما تنگ می‌شود، توی کارخانه راهمان نمی‌دهند، دستور بفرمایید در تهران وقتی بدهند که حضوراً خدمت برسیم. زیاده جسارت است.

فدوی: غضنفر
کرمان - تیر ۱۳۸۶

زدند طرف را لت‌وپار کردند. بعد تحویل ۱۱۰ دادند! کبری خانم هم می‌گویند بهتر است همین سیستم ۴ - ۲ - ۴ بازی کنیم. دو تا پسر آخری من و دو پسر کوچک قنبر هم می‌آیند خط حمله. پسر کوچکی قنبر درست مثل «تیک» است، کوتاه و سیاه، مادرش سبزه پررنگی است، به مادرش رفته است. اتفاقاً یکی از پسرهای خودمان هم بجگی‌ها، توی یخبندان سرچشمه زمین خورده و دندان‌های جلویی‌اش شده است عین دندان‌های رونالدینهو... کبری خانم می‌گویند اگر لازم باشد می‌گذاریم موهایش بلند شود، بعد دم اسبی ببندد.

صابر هم پسر ماست، ولی میرقربانی نیست. دویست میلیون تومان هم نمی‌خواهد. دویست هزار تومان بدهید، صد تا گل می‌زند. اوت‌های بلندی هم می‌اندازد، درست مثل علیزاده، ماشاء... ضرب دست خوبی دارد. بچه که بود یک بار آمده بود از ته نرگس سنگی زده بود توی لاستیک واپکوی جلوی ساختمان اداری، سنگ کمانه کرد و خورد توی شیشه صندوق قرض‌الحسنه! کلی فتنه شد! بعداً صندوق قرض‌الحسنه ساختمان برج شیشه‌ای‌شان را در کرمان با شیشه‌نشکن ساختند! صابر یک بار یک تهریش کوچولو هم گذاشت، کبری خانم شب توی خواب آن را تراشیدند. اگر لازم باشد دوباره می‌گذارد، سه روز بیشتر کار ندارد.

آن یکی پسر کوچک قنبر هم درست مثل آرش برهانی است، همه می‌گویند همیشه اوت می‌زند، منت برهانی را نکشید. آقای مهندس، انشاء... که این عرایض مقبول نظر واقع گردد. ما خودمان یک